

با مطالب و اظهارنظراتی از:

نسیم سلطان بیگی، سعیده شفیعی،

مهرنوش نوع دوست، امیر رشیدی،

علی کلائی، الهه امانی، معین خزانلی،

کیومرث امیری، ماندانا صادقی،

خورشید شعیری، مصطفی سپهرنیا،

امیر آقایی، مریم دهکردی،

احمد فخیم، عمادالدین پاینده

و جمعی دیگر از مدافعان حقوق بشر

حط ۱۳۱

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم فروردین ۱۴۰۱



بررسی طرح **صیانت** در گفتگو با
نمایندگان مجلس شورای اسلامی

غلامحسین رضوانی، لطف‌الله سیاهکلی و مهرداد گودرزوندچگینی

ماهنامه حقوقی - اجتماعی خط صلح
صاحب امتیاز: مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

سردبیر: سیمین روزگرد

دبیر ویراستاری: علی کلائی

دبیر حقوقی: معین خزانلی

دبیر اجتماعی: مهرنوش نوع دوست

دبیر فرهنگی: رضا نجفی

دبیر زنان: الهه امانی

مشاور رسانه‌ای و ویراستار: نیما راهی

صفحه آرایی: غزل شکيبا

همکاران این شماره: نسیم سلطان‌بیگی، سعیده شفیعی، امیر رشیدی، ماندانا صادقی، کیومرث امیری، آذر طاهرآبادی، خورشید شعیری، مصطفی سپهرنیا، شریف حسن‌زاده، مریم دهکردی، امیر آقایی، احمد فخیم و مرتضی هامونیان.



اطلاعات تماس با ما:

Address:
12210 Fairfax Towne Center, Unit 911
Fairfax VA 22033
United State

Phone: +1 (571) 223 54 06
Fax: +1 (571) 298 82 17
E-mail: editor@peace-mark.org
Web: www.peace-mark.org

ماهنامه خط صلح حق ویرایش و تلخیص مطالب را برای خود محفوظ می‌دارد.
استفاده از مطلب خط صلح با ذکر منبع بلامانع است.

ISBN: 978-1-7332858-1-0

فهرست

- | | |
|--|--|
| «دست تنگ کسب و کارهای اینترنتی زیر ساطور/ خورشید شعیری/ ۲۷» | «برگزیده‌ی اخبار/ ۴» |
| «طرح صیانت از افسانه‌ی جمهوری اسلامی/ مهرنوش نوع دوست/ ۳۰» | «یارانه‌ی ایرانی‌ها؛ عجیب‌ترین محاسبه‌ی اقتصادی تاریخ بشریت/ کیومرث امیری/ ۶» |
| «طرح صیانت یا یک دیکتاتوری مطلق در فضای مجازی؟؛ گفت‌وگوی خط صلح با سه تن از اعضای کمیسیون صیانت مجلس/ علی کلائی/ ۳۵» | «پلاسمافروشی؛ «علی»‌ها و «سامری»‌های دیگر/ احمد فخیم/ ۹» |
| «صیانت از سانسور/ ماندانا صادقی/ ۴۰» | «شعر؛ بهار وطن/ مصطفی سپهرنیا/ ۱۲» |
| «طرح صیانت از فضای مجازی و پیروزی جامعه‌ی مدنی در مبارزه با سانسور و فیلترینگ/ مریم دهکردی/ ۴۳» | «فروشگاه‌های زنجیره‌ای چه تهدیدهایی در پی دارند؟/ سعیده شفیعی/ ۱۳» |
| «اقتدارگرایی دیجیتال/ الهه امانی/ ۴۶» | «پرونده‌ی ویژه: سیاه‌نت/ ۱۶» |
| «آش شور و لباس جدید پادشاه/ امیر آقایی/ ۴۹» | «بررسی فراز و فرودهای مدیریت فضای مجازی در یک دهه‌ی گذشته؛ دژی نفوذناپذیر یا حصارى متزلزل؟/ نسیم سلطان‌بیگی/ ۱۷» |
| | «ذبح حقوق شهروندی پیش پای طرح صیانت/ معین خزانلی/ ۲۲» |
| | «طرح صیانت: دومین تلاش جدی ایران برای عبور از سانسور سنتی/ امیر رشیدی/ ۲۵» |



خوانندگان

□ شما چه گفته‌اید درباره‌ی...

خرید خدمت سربازی اجباری و مشکلات سر راه جوانان برای خرید یا انجام آن / حنا امیری

مسعود الهام: چند روز پیش خبری در یکی از سایت‌ها می‌خواندم در مورد جزئیاتی از تسهیلات سربازی به مددجویان کمیته‌ی امداد! راستش را بخواهید اول که تیر خبرش را دیدم، فکر کردم طنز است ولی تا آخر که خواندم، متوجه شدم که نه، خبر کاملاً هم جدی‌ست! سوال اصلی این است که کسی که مددجوی کمیته‌ی امداد است، اصلاً چطور می‌تواند این همه پول داشته باشد که سربازی‌اش را بخرد... مهدی ایرانی: بسیار عالی ممنون از مطلبتون. واقعاً خدمت اجباری ظلم بزرگی در حق مردان و فروش غیر عادلانه‌ی آن ظلم بزرگتری‌ست.

ارکان فتارتی: دو سال از بهترین سال‌های زندگی‌ام را در پادگان مالک اشتر اراک گذراندم. هیچ چیزی که یاد نگرفتم هیچ، افسردگی و حس حقارت و نابود شدن اعتماد به نفس برایم ماند. بعد هم که دوران سربازی تمام می‌شود و به جامعه برمی‌گردی، فشار خانواده و جامعه برای ازدواج شروع می‌شود. در حالی که فکر کنم هر کسی که دو ماه را در آن پادگان بگذارند، دو سال باید برود پیش روانشناس. روزهایی بود که هیچ کار نداشتیم و هیچ برنامه‌ای برای آموزش هم نداشتند اما اگر کسی فقط پنج دقیقه بیشتر می‌خواهید یا دیرتر از اتاق بیرون می‌رفت طوری تو سری می‌خورد که تا آخر عمر یادش نرود. انگار پول گرفته بودند که سربازها را تحقیر کنند.

کمک‌رسانی یا صدور انقلاب؛ هدف کمیته‌ی امداد از فعالیت برون‌مرزی چیست؟ / معین خزانلی

علی حاجتی: آمار و ارقام شفاف‌ی که نیست و پول‌های این مملکت هم که از هر سوراخی به جاهایی که به سودشان باشد، سر ریز می‌شود. مسئله برای من این‌ست که چرا وقتی کمیته‌ی امداد به چهار نفر نیازمند از پول‌های اهدایی خود مردم کمک می‌کند این همه همه‌چیز توی بوق و کرنا می‌شود اما خبر این افاطاری دادن‌ها و کمک کردنشان به غزه و لبنان کم‌تر شنیده می‌شود. واقعاً باعث تاسف است.

هیراد احمدی: مطلب جالبی بود. خبر نداشتم که کمیته‌ی امداد هم از این مدل فعالیت‌ها دارد. البته زیاد هم عجیب نیست. اما نشنیده بودم. واقعاً هم چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. البته من خودم کسی را نمی‌شناسم که از کمیته‌ی امداد کمک بگیرد و همیشه هم فکر می‌کنم که چه کسانی می‌روند کمک می‌گیرند.

صحت
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

□ برگزیده‌ی اخبار

- «حبیب افکاری»، زندانی سیاسی و برادر کشتی‌گیر اعدامی، نوید افکاری، به صورت زود هنگام از زندان عادل آباد شیراز آزاد شد.
- «محمدرضا حدادی»، کودک-مجرم زندانی پس از ۱۸ سال حبس زیر سایه‌ی حکم اعدام از زندان عادل آباد شیراز آزاد شد
- «محمد رجبی»، از شهروندان بازداشت شده در جریان اعتراضات آبان ۹۸، با تودیع قرار وثیقه از زندان تهران بزرگ آزاد شد.
- «سعید تمجیدی» از شهروندان بازداشت شده در جریان اعتراضات آبان ۹۸، با تودیع قرار وثیقه از زندان تهران بزرگ آزاد شد.
- «علی اصغر هنرمند»، از اعضای اصلی سایت مشهور «نارنجی» پس از تحمل ۸ سال حبس، از زندان آزاد شد.
- «نازنین زاغری رتکلیف» و «انوشه آشوری»، شهروندان دوتابعیتی ایرانی-بریتانیایی از زندان آزاد شده و ایران را ترک کردند.
- معاون قضایی قوه‌ی قضاییه از عفو و تخفیف مجازات ۷۴۱ زندانی از جمله ۲ زندانی محکوم به اعدام خبر داد.
- کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل با انتشار بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواستند که لایحه‌ی محدودکننده‌ی اینترنت (صیانت) را کنار بگذارد.
- «محمدرضا فقیهی» و «آرش کیخسروی» و کلای دادگستری، علیه سیدعلی خامنه‌ای، حسن روحانی و اعضای وقت ستاد ملی مقابله با کرونا به اتهام تسبیب در قتل غیرعمد بیش از یکصد هزار نفر از شهروندان ثبت شکایت کردند.
- رئیس پلیس امنیت عمومی لرستان از پلمپ ۱۶ واحد صنفی در این استان تحت عنوان فروش «پوشاک نامتعارف» خبر داد.
- معاون پیشین سازمان برنامه و بودجه‌ی کشور از بازماندگی ۵۳۵ هزار و ۳۸۰ دانش‌آموز از تحصیل در کشور خبر داد.
- مدیرکل آموزش و پرورش یزد از ترک تحصیل و مردودی ۷ هزار دانش‌آموز این استان طی سال گذشته به دلیل کمبود امکانات آموزشی در زمینه‌ی آموزش مجازی، خبر داد.
- رئیس اداری بهزیستی شبستر از وقوع ۵۸ مورد ازدواج کودکان در سنین ۱۰ الی ۱۴ سال و ۲۴۱ مورد ازدواج در سنین ۱۴ الی ۱۹ سال در ده ماه ابتدایی سال ۱۴۰۰ در این شهرستان خبر داد.
- «محمدرضا بهزادپور»، مدیر دبیرستانی در شهرستان کهنوج،



ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

- در پی حضور در تجمعات اعتراضی معلمان به هیات تخلفات اداری آموزش و پرورش استان کرمان احضار شد.
- «روح‌الله مردانی»، معلم و فعال صنفی فرهنگیان، با دریافت ابلاغیه‌ای به دادگاه شهرستان نورآباد از توابع استان لرستان احضار شد.
- «رسول بدائی» و «حمید قندی» دو تن از اعضای کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، به دادگاه انقلاب تهران احضار شدند.
- «مریم زیرک»، «اسماعیل فرهنگ‌منش» و «علی‌اله بخش» از اعضای کانون صنفی فرهنگیان قزوین به دادرسی عمومی و انقلاب این شهر احضار شدند.
- پنج تن از معلمان و فعالین صنفی استان خوزستان به نام‌های «بهنیا بهمنی‌نژاد»، «شهریار شیروانی»، «سیامک چهرزای»، «آقبال تامرادی» و «کوکب بداغی» به شعبه‌ی ۱۲ بازپرسی دادرسی انقلاب اهواز احضار شدند.
- منزل «شهناز اکملی»، مادر مصطفی کریم‌بیگی از جان باختگان اعتراضات ۸۸ توسط نیروهای امنیتی تفتیش و تعدادی از لوازم شخصی وی و دخترش مریم کریم‌بیگی از جمله تصاویر مربوط به جان باختگان سال ۸۸ ضبط شد.
- رئیس پلیس فتای فرماندهی انتظامی کل کشور از بازداشت ۶ تن به دلیل فروش داروهای سقط جنین در فضای مجازی خبر داد.
- ۶۱ شهروند اهل روستای «نی» با هدف جلوگیری از برگزاری جشن نوروز در این روستا به نهادهای امنیتی مریوان احضار شدند.
- «گوزل حاجی‌زاده»، مادر زینب جلالیان زندانی سیاسی، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از چند ساعت بازجویی آزاد شد.
- ۵ تن از فعالان صنفی معلمان با اسامی «محمود بهشتی‌لنگرودی»، «محمود صدیقی‌پور»، «حسن نظریان»، «امیرحسین آقاجان» و «مسعود فرهیخته» در جریان برگزاری تجمعی در حمایت از عزیز قاسم زاده در رودسر، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.
- «امیرعباس آزمون‌وند»، روزنامه‌نگار و فعال کارگری در جریان تجمعی به مناسبت روز جهانی زنان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.
- فرماندهی کل نیروهای انتظامی از بازداشت چند تن در خوزستان تحت عنوان «مرتبطین سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه» خبر داد.
- پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت اطلاعات از بازداشت شش تن در سیستان و بلوچستان تحت عنوان افراد «وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه» خبر داد.
- فرمانده کل انتظامی کشور طی اطلاعیه‌ای از بازداشت دو شهروند در رابطه با پخش شعارهای ضد جمهوری اسلامی در شهریار تهران خبر داد.
- در جریان برگزاری مراسم یادبود صمد شعبانی، شاعر و نویسنده در کرج دستکم ۲۰ تن از حاضرین توسط پلیس امنیت کرج بازداشت شدند.

- یک نوجوان ۱۶ ساله‌ی ساکن زاهدان به نام «مازیار شه‌بخش» توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.
- سومین جلسه‌ی رسیدگی به اتهامات «جمشید شارمهد»، شهروند دو تابعیتی ایرانی-آلمانی که از او به عنوان نفر دوم گروه «تندر» یاد شده، در دادگاه انقلاب تهران برگزار شد.
- «زرتشت احمدی‌راغب»، فعال مدنی همزمان با بازداشت و انتقال به زندان اوین، دست به اعتصاب غذا زد.
- «حمزه درویش» زندانی سنی مذهب در اعتراض به صدور حکم حبس بدون دسترسی به وکیل در زندان لاکان رشت اعتصاب غذا کرد.
- «شکیلا منفرد»، زندانی سیاسی محبوس در زندان قرچک ورامین، در اعتراض به عدم اجرای قانون تفکیک جرایم در زندان اعتصاب غذا کرد.
- «صبا کردافشاری»، فعال مدنی محبوس در زندان قرچک ورامین توسط یکی از زندانیان متهم به جرایم عمومی مورد ضرب و شتم قرار گرفت.
- «یاسمن آریانی» فعال مدنی محبوس در زندان کجویی کرج توسط تعدادی از زندانیان جرایم عمومی مورد ضرب و شتم قرار گرفت.
- «فریبا اسدی» زندانی سیاسی در زندان قرچک ورامین، به دنبال بروز درگیری و ضرب و شتم توسط یکی از زندانیان جرایم عمومی و در اعتراض به عدم رعایت اصل تفکیک جرایم، دست به اعتصاب غذا زد.
- یک شهروند بازداشتی در زندان مراغه، توسط مسئولان این زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفت و برای چند ساعت به صورت تنبیهی، ایستاده با دستبند به نرده‌های مقابل بند بسته شد.
- دو افسر نگهبان شاغل در زندان تهران بزرگ، با استفاده از الک دستان یک زندانی متهم به جرایم مالی را در این زندان سوزاندند.
- «امین ایرانی‌زاده» و «شیرزاد شوقی‌قاسملو»، دو شهروند ارومیه‌ای توسط دادگاه انقلاب این شهر مجموعاً به ۵ سال و شش ماه حبس محکوم شدند.
- «هیراد پیربدایی»، فعال کارگری توسط دادگاه انقلاب تهران به ۴ سال و ۸ ماه حبس تعزیری، دو سال محرومیت از عضویت در گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی و اجتماعی و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد.
- «محمد مرادی»، شهروند اهل روستای قبر حسین از توابع شهرستان پیرانشهر توسط دادگاه انقلاب مهاباد به ۱۵ سال تبعید به یکی از شهرهای استان زنجان محکوم شد.
- بر اثر انفجار مین بر جای مانده از جنگ ایران و عراق در شهرستان مهران، یکی از عشایر منطقه از ناحیه‌ی دست راست دچار قطع عضو شد.
- یک کولبر به نام «ارکان محمودی» در مناطق مرزی نوسود، بر اثر انفجار مین بر جای مانده از جنگ ایران و عراق، به شدت زخمی شد.

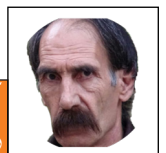
ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

- «فواد مهدی ابراهیمیان» کولبر اهل سردشت به دنبال انفجار مین بر جای مانده از جنگ ایران و عراق پای راست و چشم چپ خود را از دست داد.
- بر اثر انفجار مین بر جای مانده از جنگ ایران و عراق در مناطق مرزی شهرستان بانه، ۳ کولبر دچار مصدومیت شدند.
- مردی در شیراز دوقلوهای ۱۱ ساله، فرزند ۱۹ ساله و همسر خود را به دلیل آن‌چه که مشکلات مالی عنوان شده به قتل رسانده و خود نیز در نهایت خودکشی کرد.
- یک نوجوان ۱۷ ساله‌ی قربانی کودک همسری در شهرستان بمپور واقع در استان سیستان و بلوچستان دست به خودسوزی زد.
- یک شهروند در شهرستان بانه، به نام «سعدی پیران» در پی تیراندازی بی ضابطه‌ی نیروهای نظامی کشته شد.
- در پی تیراندازی نیروهای نظامی در منطقه هشتبندی شهرستان میناب، یک سوختبر به نام «علیرضا رستمی» جان خود را از دست داد.
- یک شهروند در زاهدان به نام «لقمان نارویی» در پی تیراندازی بی‌ضابطه‌ی ماموران یگان امداد جان خود را از دست داد.
- یک شهروند اهل شهرستان دورود به نام «فرشاد سالاروند» در پی تیراندازی بی‌ضابطه‌ی نیروی انتظامی در جاده بروجرد جان خود را از دست داد.
- دو شهروند اهل روستای کامران رحمان از توابع شهرستان دالاهو به نام‌های «پوریا رضایی» و «صورت صیادی»، با شلیک بی‌ضابطه‌ی نیروهای انتظامی در نزدیکی آرامگاه بابایادگار جان خود را از دست دادند.
- در سایه‌ی فقدان ایمنی محیط و شرایط کار، کارگری به نام «محمد رضا مرادی» در مجتمع صنعتی چادرملو شهرستان اردکان حین کار بر اثر سقوط در مخزن مواد مذاب جان باخت.
- هشت متهم در اصفهان، با دستور دادستان و برخلاف اصل حفظ کرامت انسانی، توسط نیروی انتظامی در خیابان‌های این شهر گردانده شدند.
- «سیدعلی رضایی»، زندانی ۱۸ ساله‌ی محکوم به اعدام در زندان لاکان رشت، پس از درگیری با یک زندانی دیگر، از طریق بریدن رگ دست اقدام به خودکشی کرد و جان خود را از دست داد.
- «حاتم ازدمیر» شهروند تبعه‌ی کشور ترکیه محبوس در زندان ارومیه، توسط دادگاه انقلاب خوی به اتهام «بغی» به اعدام محکوم شد.
- «فیروز موسی‌لو»، زندانی سیاسی اهل شهرستان خوی، به اتهام «محاربه از طریق عضویت در یکی از احزاب مخالف نظام» با حکم دادگاه انقلاب ارومیه به اعدام محکوم شد.
- «محمدکریم بارکزیایی اکسون»، «محمد براهویی انجمنی» و «ادریس بیلرانی» به اتهام عضویت در گروه‌های مخالف نظام و آن‌چه دادگاه «اقدامات تروریستی» عنوان کرده، از سوی دادگاه انقلاب زندان هر یک به اعدام و ۱۵ سال حبس محکوم شدند.



عکس از ایرنا

□ یارانه‌ی ایرانی‌ها؛ عجیب‌ترین محاسبه‌ی اقتصادی تاریخ بشریت



کیومرث امیری
روزنامه‌نگار

صلح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

و رسوم هزاران‌ساله باید لباس‌های نو بپوشند و آجیل و شیرینی و خوراکی‌های خوب تهیه کنند و به عیددیدنی اقوام و آشنایان بروند و به بچه‌ها عیدانه بدهند و سفر بروند و خرج و برج زیادی را در این روزها متحمل شوند؛ در حالی که شاهدیم با چنین اوضاع و احوالی نه‌تنها برگزاری مراسم عید، بلکه زندگی برای اکثریت جامعه به جهنمی تبدیل شده و در این میان برای آن گروه از مردمی که درآمدی جز یارانه ندارند و گروه کثیری از جامعه را تشکیل می‌دهند، نه نشانی از جشن و شادمانی خواهد بود و

در آستانه‌ی عید باستانی نوروز، بزرگ‌ترین عید ایرانیان یارانه‌ی چهل‌وپنج‌هزاروپانصد تومانی دولت جمهوری اسلامی ایران به مردم در حالی پرداخت می‌شود که قیمت هر کیلو برنج ایرانی یکصد هزار تومان است و با این یارانه هر خانوار چهارنفره در ماه می‌تواند حدود سه‌ونیم کیلو گرم برنج ایرانی یا دو کیلو گرم گوشت به خانه ببرد؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را عجیب‌ترین محاسبه‌ی اقتصادی و اجتماعی تاریخ بشریت در جهان امروز نامید. در این روزها که در آستانه‌ی عید نوروزیم، مردم بر حسب آداب

نه جشن و عیدی برگزار خواهد شد و این گرسنگی و رنج و عزا و ماتم است که جانشین جشن و عید بزرگ این گروه از ایرانیان خواهد شد.

عید نوروز بزرگ‌ترین جشن باستانی و ایام شادمانی ایرانیان است؛ عیدی که نوید بهار و گل و شکوفه و زنده‌شدن طبیعت و آغاز سالی جدید را می‌دهد. در این ایام نه‌تنها ایرانیان، بلکه مردمان برخی کشورهای هم‌جوار نیز این عید باستانی را گرمی می‌دارند و جشن می‌گیرند و از چند روز مانده به عید به بازار رفته و لباس‌های نو می‌خرند و خانه‌تکانی می‌کنند و در تلاشند بهترین خوراکی‌ها را در این ایام برای خود و خانواده تهیه کنند و جشن بزرگی را تدارک ببینند. بچه‌ها از بزرگ‌ترها عیدی می‌گیرند و خانواده‌ها از هم‌دیگر دیدن می‌کنند و به طور کلی روزهای آشتی و کنارگذاشتن کدورت‌ها در این ایام اتفاق می‌افتد و به این خاطر مردم ایران یک سال را به انتظار فرارسیدن این عید سر می‌کنند و همگی باید در این ایام بهترین خوراک‌ها و میوه و شیرینی‌جات را برای خانواده و مهمان‌ها تدارک ببینند. در ایران هرساله به پاس عید نوروز پنج روز تعطیل رسمی در کشور اعلام می‌شود تا مردم به جشن و شادمانی و مسافرت‌های نوروزی‌شان بپردازند.

عید نوروز امسال در حالی از راه می‌رسد که در جامعه‌ی ایران خانواده‌های زیادی وجود دارند که تنها ممر درآمدشان همین چهل و پنج هزار و پانصد تومان یارانه است که باید زندگی‌شان را با آن بگذرانند.

این معضل بزرگ در حالی اتفاق می‌افتد که بر اساس گفته‌های مسئولان کشور بیش از هفتاد و پنج درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ خط فقری که در ایران امروز ده تا چهارده میلیون تومان برآورد شده. از سوی دیگر اقبال حقوق‌بگیر و بازنشستگان جامعه هم حقوق‌های زیر شش میلیون تومان دارند و کارگران شاغل و مستمری‌بگیران حقوقشان از سه میلیون تومان هم کم‌تر است و علاوه بر این‌ها جمعیت عظیمی که حدود یک سوم کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، درآمدی غیر از یارانه‌ی چهل و پنج هزار و پانصد تومانی که ماهانه از دولت دریافت می‌کنند، ندارند و در وضعیت فلاکت‌بار و غیرقابل‌توصیفی زیر فشار زندگی دست‌وپا می‌زنند؛ یارانه‌ای که از دوازده سال قبل تاکنون ثابت باقی مانده و افزایشی نداشته. این در حالی است که تورم و گرانی در کشور طی این سال‌ها در همه‌ی موارد ده‌ها برابر افزایش داشته و در مواردی از صد هادصد هم گذشته و روزه‌روز نیز بدتر. بدتر می‌شود.

نگاهی از درون به لایحه‌های اجتماعی در ایران

دیدن زندگی مردم در ایران امروز انسان را با واقعیات تلخ و حیرت‌آوری روبه‌رو می‌کند؛ واقعیاتی که باورش در دنیای امروز برای انسان غیرقابل‌هضم و سخت است، ولی متأسفانه وجود دارد. امروزه در لایحه‌های زیرین جامعه‌ی ایرانی خانواده‌های بسیاری زندگی می‌کنند که هیچ ممر درآمدی ندارند و زندگی‌شان را با همان یارانه‌ای که دولت ماهیانه به آن‌ها می‌پردازد، سر می‌کنند، اما نباید وجود پدیده‌های جدید و روزافزون ناشی از این فقر و فلاکت فاحش چون خودکشی‌ها، خودسوزی‌ها، فرار پدران از خانه، نوزادفروشی، فروش اعضای بدن، سرقت‌های عجیب‌وغریب، قتل و آدم‌کشی، فحشا، کودک‌همسری و ده‌ها و ده‌ها مصیبت و معضل اجتماعی تازه‌شکل‌گرفته را نادیده گرفت؛ معضلاتی که روزه‌روز بیش‌تر گسترش یافته و اشکال تازه و خطرناک‌تری را به خود می‌گیرد و کلیت جامعه را تهدید جدی می‌کند، بی‌آنکه حاکمیت اراده و شاید هم توش‌وتوانی برای حل این‌همه مشکلات و فقر و فلاکت گسترده که جامعه را از نفس انداخته، داشته باشد.

نوستالژی یک رنج تاریخی اجتماعی

موضوع آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم ایران را برای نخستین بار روحانیون و آن هم درست در بحبوحه‌ی روزهای پریه‌جای انقلاب سال ۱۳۵۷ بر سر زبان‌ها انداختند. آخوندها به منبر می‌رفتند و علیه شاه سخن‌رانی می‌کردند. آن‌ها در سخن‌رانی‌هایشان با انتقادهای شدید از شاه اظهار می‌کردند که شاه حق مردم ایران را پایمال کرده و کم‌ترین حقی را به مردم روا نمی‌دارد.

آن‌ها می‌گفتند شاه باید تنها از سهم فروش نفت به هر ایرانی روزی هفتاد تومان بپردازد و این بدیهی‌ترین حق و حقوق مردم است که شاه آن را از ملت دریغ کرده.

مردم هم پیش خود حساب می‌کردند که مثلاً یک‌خانوار چهارنفره روزانه دویست و هشتاد تومان سهم نفتش می‌شود و به عبارتی باید ماهیانه هشتاد و چهل تومان پول سهمیه‌ی نفت دریافت کند و این در زمانی بود که حقوق کارمندان در ایران میانگین سیصد تا ششصد تومان بود و دلار آمریکا هفت تومان ارزش داشت. این موضوع زمانی برای ایرانی‌ها جلوه و جایگاه و باورمندی بیش‌تری یافت و به آن یقین پیدا کردند. روح‌الله خمینی که حالا رهبر بلامنازع انقلاب شده بود هم خطاب به ملت ایران گفت: «دل‌خوش به این مقدار نباشید. ما آب و برق را مجانی می‌کنیم، اتوبوس را مجانی می‌کنیم و برای همه مسکن می‌سازیم» و چنین بود که مردم ایران فکر

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

می کردند شاه یک دیو و هیولاست و روح الله خمینی که قرار است این همه حقوق و حقوق پایمال شده ی آنها را از شاه بگیرد و به آنها بدهد، یک فرشته است و برای همین از شادی و هیجان سر از پا نمی شناختند و شب و روز اکثریت جامعه، از اقشار و متوسط گرفته تا فقرا و غیره به خیابان ها می آمدند و دست در دست هم دیگر پای بر زمین می کوبیدند و با تمام توان فریاد می کشیدند و شعار می دادند:

دیو چو بیرون رود، فرشته در آید

رهبر محبوب من از سفر آید

در آن روزهای هیجانی و انقلاب کسی حرفی از تورم و گرانی و اقتصاد نه می دانست و نه می زد و اصولاً توده ی مردم سر از این چیزها در نمی آوردند و چنانچه کسانی انگشت شمار غیر واقعی و دروغ بودن این مسائل را مطرح می کردند، به عنوان ضدانقلاب مورد طعن و لعن قرار می گرفتند. در چنین اوضاع و احوالی بود که با رفتن شاه از کشور و تسلط انقلابیون بر مملکت خلخالی، قاضی القضاات انقلاب از هویدا که یازده سال متوالی نخست وزیر ایران بود، پرسید: «شما برای ایران چه کار کردید؟» و او در پاسخ گفت: «من به عنوان نخست وزیر این کشور در مدت یازده سال اقتصاد مملکت را طوری اداره کردم که قیمت هیچ کالایی ریالی افزایش پیدا نکند و همان قیمت یازده سال قبل باقی ماند و ریالی افزایش پیدا نکرد و کشور در مدت این یازده سال مشکلاتی چون تورم و گرانی را به خود ندید.»

خلخالی و اکثر مردم انقلابی و مسلمان ایران که با واژه های اقتصاد و تورم و گرانی و غیره بیگانه بودند و نمی دانستند این ها چه معانی ای دارد، از این سخن هویدا به خنده افتادند و از خنده ریشه رفتند و فحش ها نثار او کردند و قاضی القضاات انقلاب هم او را به جرم خیانت به کشور به اعدام محکوم کرد و هویدا اعدام شد.

سال ها از پیروزی انقلاب گذشت. انتظار انقلابیون و مردم برای دریافت روزانه هر نفر هفتاد تومان پول نفت مضحکه ای بیش از آب در نیامد. آب و برق هم مجانی نشد که هیچ، بلکه گران و گران تر شدند و همه ی انرژی های دیگر قیمتشان بالا و بالاتر رفت.

در سال ۱۳۹۱، زمانی که سی سال از عمر انقلاب گذشته بود، کسی به نام دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهور کشور شد؛ شخصی که به گفته ی خودش با امام زمان، امام غایب و ناجی شیعیان جهان صبحانه می خورد و ادعا می کرد که از غیب چیزهایی به او الهام می شود. او گفت برای نجات امت اسلام آمده و می خواهد در جامعه مساوات و برابری برقرار کند.

رئیس جمهور وقت با چنین شعاری قیمت هشت حامل انرژی شامل آب، برق، نفت، بنزین و غیره را گران کرد و به ملت قول داد پول نفت را سر سفره ی آنها خواهد آورد و چون همه ی مردم به طور یکسان از این انرژی ها استفاده نمی کنند و این امر ناعادلانه است، به همین دلیل در عوض گران کردن انرژی ها مابه التفاوتش به عنوان سوبسید که بعدها به واژه ی یارانه تغییر نام داد، به همه ی ملت پرداخت خواهد شد و برای نیل به این هدف برای هر نفر مبلغ چهل و پنج هزار و پانصد تومان یارانه اختصاص داد و گفت این پول امام زمان است و برکت دارد و قول افزایش آن به نرخ روز را به ملت ایران داد. اکنون در آستانه ی سال ۱۴۰۱ قرار داریم و یازده سال از آن تاریخ گذشته. در طول این یازده سال گرانی و تورم در کشور سر به فلک زده و کمرشکن شده؛ در حالی که ریالی به یارانه ها اضافه نشده.

کشور ایران اکنون در آستانه ی ورشکستگی آبی است، جنگل هایش تخریب شده، شکاف اقتصادی آن در جهان بی سابقه است، سیستم اقتصادش نابود شده، سال هاست که کارگر و معلم و بازنشسته و اکثریت اقشار حقوق بگیر به خیابان آمده و فریاد وامصیبتا سر می دهند و از گرانی و تورم و شکاف دهشتناک میان دستمزد با کالاهای مورد نیاز و صدها مشکل دیگر که گریبان مردم را گرفته، داد می زنند و دادخواهی ملت صدایش تا سقف فلک رسیده؛ در حالی که دولت ها ناتوان از حل مشکلات معیشتی و دیگر معضلات اجتماعی خود را به کری و کوری زده اند و عکس العملشان شعارهای تکراری و فاقد عمل است.

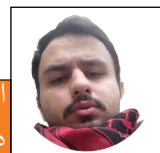
قشر فرودست جامعه در حال احتضار و مرگ است و شیرازه ی کشور از هم گسیخته. ایران ثبات و استقلال اقتصادی و سیاسی خود را از دست داده. طبقات اجتماعی دچار بحران های بی سابقه و گرفتاری های سخت شده و همه چیز ده ها و بلکه صدها برابر گران شده و تورم به شکل باورنکردنی افزایش یافته و همه ی این ها باعث بروز معضلات و مشکلات فراوانی در میان اقشار جامعه شده و می توان گفت امروزه در کشور ثروتمند و بزرگ و دارای سوابق تاریخی و تمدنی ایران هیچ چیز سر جای خودش قرار ندارد و بی عدالتی به وضع دهشتناکی رخ نموده و جامعه در بلبشوی قبل از توفان روزگار سخت و تلخی را می گذراند. امید به زندگی برای آحاد جامعه به حد صفر رسیده. با هرطور محاسبه از این اوضاع کسی نخواهد توانست صاحب اتومبیل یا صاحب خانه بشود. میانگین گرانی و تورم با دستمزد در کشور بسیار عمیق و هولناک است.



عکس از آسیانیوز

اجتماعی

□ پلاسمافروشی؛ «علی»ها و «سامری»های دیگر



احمد فخیم
دانشجوی ارشد مطالعات فرهنگی

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

کردند و اجازه ندادند که فیلم ساخته شود. من از طریق بهمن فرمان‌آرا و سایر دوستانم اجازه‌ی ساخت فیلم را از مراکز خاصی گرفتم و این کوشش به ثمر رسید. البته فیلم که ساخته شده، سه سال توقیف بود. توقیف در واقع از زمان ارائه‌ی فیلمنامه شروع شده بود. دکتر اعلاء، بنیانگذار سازمان انتقال خون ایران، تنها کسی بود که در جلسات از من دفاع کرده و به ضرورت ساخت چنین فیلمی تاکید می‌کرد. تأیید فیلمنامه

داریوش مهرجویی، در سال ۱۳۵۳ «دایره مینا» را با اقتباس از داستان «آشغال‌دونی» غلامحسین ساعدی ساخت. هم فیلم مهرجویی و هم داستان ساعدی هر دو چیزی نبودند مگر روایت افول انسان‌هایی بی‌چیز شده که از شدت فقر و تنگدستی حتی به خون‌فروشی نیز روی آورده‌اند. مهرجویی خود سرگذشت فیلمش را چنین روایت می‌کند: «... فیلمنامه نوشته شد و به وزارت فرهنگ و هنر آن زمان رفت. آن‌ها در ابتدا مخالفت

مهرجویی چه آن هنگام که سخنان دکتر اقبال را یادآوری می‌کند و چه آن هنگام که سخن از دستور مستقیم شاه برای صحت‌سنجی ادعای فیلم به میان می‌آورد، به تفصیل و اشاره این نکته را پیش روی مخاطب می‌گذارد که خون‌فروشی تا چه اندازه سمپتوم ابتلای جامعه به شدیدترین انواع فقر و تهیدستی است.

قریب به ۴۵ سال از عمر اکران دایره مینا می‌گذرد. در این سال‌ها با تأسیس سازمان انتقال خون در همان نیم‌هی نخست ده‌هی پنجاه شمسی، خون‌فروشی در معنایی که مقصود مهرجویی بود از میان رفته است. در واقع سازمان انتقال خون با فراهم آوردن بستر اهدای داوطلبانه‌ی خون نیاز به «خرید» خون و نگرانی از سالم بودن خون‌های جمع‌آوری شده را از میان برده است. در سوی دیگر ماجرا اما نیاز به

صحیح
ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

حدود ۸ ماه طول کشید ولی بعد از ساخت مجدداً توقیف شد. دکتر اعلاء در این زمان با رئیس نظام پزشکی یعنی دکتر اقبال وارد مذاکره شد و حتی من روزی به دفتر دکتر اقبال رفتم و تنها با ایشان جلسه‌ای برگزار کردم. دکتر اقبال انگار قرص آرام‌بخش خورده بود و به من گفت: این چه فیلمی است که ساخته‌ای. این فیلم مثل این است که انگار شما یک هتل درجه یک و مجلل داری و به جای این که هتل و مجلل بودن آن را نشان دهی، یک ضرب به آشپزخانه رفتی و فقط کثیفی‌ها را نشان می‌دهی. چرا این کار را کردی؟ گفتم: می‌خواستم نسبت به کمبود خون در ایران آگاهی‌رسانی کنم و مردم را تشویق به اهدای خون کنیم. دکتر اقبال گفت: تو باید نشان می‌دادی یک فردی افتاده و حالش بد است. بعد به او شیشه‌ی خون تزریق می‌کنند و او کم‌کم حالش خوب می‌شود. من گفتم این فیلم و سناریو یک یا دو دقیقه



«فروش» خون در میان اقشار وسیعی از جامعه هم‌چنان وجود دارد. نیازی که در نبود خریدار خون به نحو دیگری ظهور و بروز پیدا کرده است: «فروش پلاسمای خون». در همین زمستان همشهری‌آنلاین وضعیت یکی از مراکز اهدای پلاسمای تهران را چنین توصیف کرده است: «عمو حسن ۵۵ ساله است و همه هم و غمش دختر دانشجویی‌ست که در خانه دارد و می‌خواهد همه‌ی دنیا را زیرپاهایش بریزد. مثلاً همان موقع که کرونا می‌آید و دانشگاه تعطیل می‌شود، فوری برایش گوشی همراه قسطی می‌خرد تا از کلاس درس

بیش‌تر طول نمی‌کشد و به هیچ دردی نمی‌خورد. دکتر اقبال در نهایت موافقت نکرد. یک روز به طور خصوصی شاه با همسرش در قصر این فیلم را دید و گفت: باید کسی که این قصه را نوشته اگر دروغ گفته، محاکمه شود و اگر راست گفته باید ببینیم این دیگر چه وضعی است؟ به این ترتیب بود که بعد از سه سال توقیف، در جشن هنر شیراز، آقای قطبی، رئیس وقت تلویزیون، این فیلم را پخش کرد و مورد استقبال مردم قرار گرفت. در واقع طلسم نشان دادن فیلم شکست.» (۱)

عقب نماند. عمو حسن تا همین امروز نتوانسته بدهی‌اش را صاف کند. هر ماه پولی کنار می‌گذارد که بخشی از آن، از همان ۹۰ هزار تومان‌هایی تامین می‌شود که از این مرکز بابت اهدای پلاسما دریافت می‌کند...

خانمی ۶۰ ساله هم در سالن نشسته که انگار همه‌ی کارکنان مرکز را می‌شناسد. از ثواب اهدای پلاسما حرف می‌زند و البته از پولی که از این راه دستش می‌رسد راضی است. می‌گوید: از وقتی که همسرم فوت کرد من ماندم و یارانه‌ی ۴۵ هزار تومانی در ماه. فرزندی ندارم و از کمیت و بهزیستی حقوق نمی‌گیرم. خدا پدر مسئولان این مرکز را بیامرزد. هر دفعه که برای اهدای پلاسما می‌آیم، ۹۰ هزار تومان می‌دهند. ماهی ۲ مرتبه بیایم، جمع پولم ۱۸۰ هزار تومان می‌شود. تقریباً ۴ برابر یارانه‌ای که دولت به هر نفر می‌دهد!» (۲)

تا این‌جا می‌توان صریح و بی‌تردید گفت که هیچ چیز تغییر نکرده است، فقر و تنگدستی از میان نرفته و خون‌فروشی هم چنان بعد از بیش از چهار دهه -در شکل دیگری- ادامه دارد، تفاوت تنها این‌جاست که اگر روزگاری پیش از این سخن‌گفتن از خون‌فروشی، سیاهنمایی و نشان‌دادن قسمت کثیف آشپزخانه‌ی هتلی با شکوه و مجلل به حساب می‌آمد حالا دیگر اوضاع تغییر کرده است. امروز مراکز بزرگی رسماً و با افتخار مشغول همین خریدند. اما این تغییر چگونه ممکن است؟

گره، گره نیست یا درباره‌ی سیاست نام‌گذاری

همشهری در انتهای گزارش از قول «کارشناسان مرکز پلاسما» به ما می‌گوید: «۹۰ هزار تومانی که به شهروندان پرداخت می‌شود، نه برای خرید و فروش پلاسما بلکه برای قدردانی از مردم نیکوکار به‌عنوان جبران هزینه‌ی ایاب و ذهاب به اهداکننده‌ها پرداخت می‌شود.» در واقع بحث قابل توجهی از تغییر مذکور را می‌توان متکی به همین جملات کارشناسان دانست. نوعی از نام‌گذاری که بر اساس آن از پول‌های صرف‌شده بابت خرید پلاسما، دیگر نه به نام «هزینه‌ی خرید پلاسما از مراجعین»، که تحت عنوان «هزینه‌ی ایاب و ذهاب داوطلبان» یاد می‌شود. این نام جدید معنا و کارکرد مشخصی دارد. سخن گفتن از ایاب و ذهاب داوطلبان از سویی به نحوی فریبکارانه همه‌ی مراجعین را «داوطلب» می‌خواند و از سوی دیگری آن اجبار بی‌رحمی که فروشندگان پلاسما را ناگزیر از فروش پلاسما می‌کند، سانسور می‌کند. به بیان دیگر ما «افرادی» سخن می‌گوییم که «داوطلبانه» دست به کاری زده‌اند، بلکه کاملاً مجبور بوده‌اند

چنین کنند و به اتکای این نوع از نام‌گذاری دیگر ازدحام جمعیت در مرکز انتقال پلاسما، ممکن است بر هر چیزی دلالت کند جز فقر و اجبار. از طرف دیگر «رئیس سازمان انتقال خون با هشدار نسبت به پلاسمافروشی در کشور بیان کرده است که اقدامی برای نظارت بر توسعه‌ی پالایشگاه پلاسما که اکنون به شرکت پالایش و پژوهش تبدیل شده وجود ندارد و از طرفی شش مرکز جمع‌آوری پلاسما هم در حاشیه‌ی شهر برای کسب درآمد راه‌اندازی شده است.» (۳) مبلغی تحت عنوان هزینه‌ی ایاب و ذهاب به کسانی داده می‌شود که احتمالاً نزدیکترین افراد به مرکز انتقال پلاسما هستند.

در پایان می‌توان به یاد آورد که زمانی محمد مختاری نوشته بود: «هنگامی که زبان به هر شکلی به اراده‌ی سیاست بچرخد، فرهنگ دستخوش سیاست می‌شود. واقعیت حیات انسان‌ها چیزی می‌شود و تظاهر زبانی فرهنگشان چیزی دیگر. آن‌گاه گسترده‌ترین تأثیرهای یک سیاست ویژه بر زبان حاکم می‌شود که دیگر نادیده گرفتن آن چشم فروستن بر حقایق است.

وقتی زبان به کام سیاست بگردد، اولین نتیجه‌اش ریاکارانه شدن زبان است. چیزی گفته می‌شود و چیزی دیگر اراده می‌شود. دیگر نمی‌توان به قول فرانسوی‌ها گفت: گربه، گربه است. چون همواره واژه‌ای هست که معنای معهودش را از دست داده است؛ و یا معنای دیگری به خود گرفته است. بی‌آنکه در این جابه‌جایی، ضرورتی فرهنگی، هنری، تاریخی، اجتماعی در کار باشد. در نتیجه چنین تصمیم‌هایی است که آدم یک‌باره می‌بیند به خیلی چیزها می‌گویند گربه، جز به خود گربه. شغال و سگ و موش هم می‌شوند گربه. و این مسخ زبان است. و مسخ فرهنگ است. و مسخ فرهنگ به مسخ آدمی می‌انجامد.» (۴)

پانوشته‌ها:

۱. محمدرضا پهلوی دستور داد سازنده دایره مینا را پیدا کنید تا محاکمه شود، ایلنا، ۵ شهریورماه ۱۳۹۷.
۲. نیکنام، رضا، یک کیسه پلاسما بدهید ۹۰ هزار تومان بگیری! / کارشناسان مرکز پلاسما: این پول بابت ایاب و ذهاب است نه پول پلاسما، همشهری آنلاین، ۲۶ بهمن‌ماه ۱۴۰۰.
۳. هشدار نسبت به پلاسمافروشی در کشور / ایجاد مراکز جمع‌آوری پلاسما در حاشیه شهر برای کسب درآمد، ایلنا، ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۹۶.
۴. مختاری، محمد، تمرین مدارا: بیست مقاله در بازخوانی فرهنگ و ...، انتشارات بوتیمار، مشهد، ۱۳۹۴.

حیث

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



عکس از سوشیال مدیا

بوی نسیم و سبزه و ریحان گرفته است
آمد بهار و نبض وطن جان گرفته است

کوهش کشیده بر سر خود، از کلاه برف
دشتش گل بنفشه به دامان گرفته است

رودش نوای نغمه‌ی خنیاى خویش را
از شور چشمه‌های خروشان گرفته است

حتی صنوبری، که زمستان تکیده بود
از نوبهار، مژده‌ی درمان گرفته است

ابرش نشسته بر لب ایوان آفتاب
باغش هوای نمِ باران گرفته است

خاکش نفس کشید و ز خوابی گران پرید
این گل ستان که عطر بهاران گرفته است

زیباست خاکِ ما و درین فصل دیدنیست
گویا شکوه روضه‌ی رضوان گرفته است

یا، ذوالجلال، نقشه‌ی رضوان خویش را
از روی بوم و نقشه‌ی ایران گرفته است

از این هوا و زمزمه‌ی رود و بوی گل
مستی سراغ مرغ غزلخوان گرفته است

بر چهره‌ی سپهر شیش کرده ام نگاه
دیدم به سینه ماه درخشان گرفته است

یا رب روا مدار، که خوارش کند کسی
این خاک را که شهرت ایران گرفته است

شعر

□ بهار وطن



شعری از مصطفی سپهرنیا

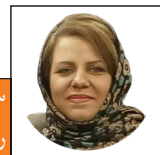
صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



اقتصادی

❑ فروشگاه‌های زنجیره‌ای چه تهدیدهایی در پی دارند؟ امروزی بخر!



سعیده شفیعی
روزنامه‌نگار

طی دو دهه‌ی گذشته فروشگاه‌های زنجیره‌ای به شکل قارچ‌گونه‌ای در شهرهای بزرگ و کوچک سر از خاک بیرون آورده‌اند. تعدادی از این فروشگاه‌ها وابسته به هلدینگ‌های بزرگ داخلی‌اند و بخشی هم با سرمایه‌گذاری خارجی تأسیس شده‌اند. با توجه به تورم سرسام‌آور به خصوص در گروه مواد غذایی و اختلاف قیمت محصولات ارائه‌شده در فروشگاه‌های زنجیره‌ای نسبت به فروشگاه‌های کوچک درصد بالایی از مردم را ترغیب به خرید از این فروشگاه‌ها کرده. در این نوشته به بررسی آسیب‌های این پدیده پرداخته شده.

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

ممکن است عده‌ای با دلایلی مانند صرفه‌های ناشی از مقیاس وجود این فروشگاه‌ها را به نفع اقتصاد بدانند، اما می‌توان با تمرکز بر اقتصاد سیاسی موجود این دلایل را رد کرد. نوشتار حاضر به این موضوع اخیر می‌پردازد.

تاریخچه

در سال ۱۳۲۸ فروشگاه تعاونی «سپه» به عنوان اولین فروشگاه زنجیره‌ای در ایران و نمودی از مصرف‌گرایی در دوران رشد شهرنشینی تأسیس شد. بعد از انقلاب نیز فروشگاه‌هایی نظیر «اتکا»، «قدس»، «شهروند» و «رفاه» با مالکیت دولتی تأسیس شدند که به دلیل شرایط خاص پس از انقلاب و جنگ و سازوکار نامناسب با استقبال گسترده‌ی مردم روبه‌رو نشدند؛ اما طی سال‌های اخیر روند تشکیل فروشگاه‌های زنجیره‌ای با سرعت بالایی در حال افزایش بوده؛ به طوری که آن‌ها در حال بلعیدن فروشندگان خردند. فروشگاه‌های زنجیره‌ای «کوروش» (وابسته به هلدینگ گلرنگ) و «هفت» (وابسته به گروه تجاری گلستان) از نمونه‌های داخلی و «هایپرستار»، «هایپرمی» و «کارفور» از جمله فروشگاه‌های با سرمایه‌گذاری

خارجی‌اند که با تبلیغات گسترده جایگاه ویژه‌ای میان مردم پیدا کرده‌اند.

شواهد آماری

بنابر آمار ارائه‌شده توسط فخاریان، رئیس اتحادیه‌ی کشوری فروشگاه‌های زنجیره‌ای در حال حاضر دوهزار و چهارصد و پنجاه شعبه‌ی فروشگاه زنجیره‌ای در سطح کشور وجود دارد که بیش از یک میلیون متر مربع زیربنای آن‌هاست. از این تعداد حدود چهارصد شعبه‌ی فروشگاه زنجیره‌ای با سرمایه‌گذاری خارجی شکل گرفته‌اند و حدود بیست و پنج هزار نفر در فروشگاه‌های زنجیره‌ای به صورت مستقیم فعالیت دارند. اگرچه آمار دقیقی از سهم خرده‌فروشی‌ها در نظام توزیع کشور نیست و به همین دلیل نمی‌توان به طور دقیق سهم فروشگاه‌های زنجیره‌ای در نظام توزیع را بیان کرد، اما بر اساس گردش مالی فروشگاه‌های زنجیره‌ای عضو اتحادیه که پانزده هزار میلیارد تومان است، می‌توان گفت سهم فروشگاه‌های زنجیره‌ای در نظام توزیع، حدود ده تا پانزده درصد است. سهم بازار فروش اینترنتی و آنلاین خرده‌فروشی نیز حدود چهار تا پنج درصد از کل بازار خرده‌فروشی است.

ترویج مصرف‌گرایی

می‌توان گفت در جوامع امروز تقریباً تمامی نیازها، خواسته‌ها و تمایلات مصرف‌کنندگان در شرایط مشخص تاریخی شکل می‌گیرد. کالاهای موجود در قفسه‌های فروشگاه‌ها، قیمت‌هایشان، جایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی مصرف‌کنندگان، بازاریابی کالاها و عادت‌های فرهنگی و اجتماعی‌اند که به این خواسته‌ها شکل می‌دهند. به عنوان نمونه در دهه‌ی ۱۸۷۰ میلادی اتومبیل در صدر فهرست کالاهای ضروری مصرف‌کنندگان آمریکایی قرار نداشت، اما امروز یکی از کالاهای اساسی مصرف‌کنندگان در سراسر دنیا است.

یکی از کارکردهای فروشگاه‌های زنجیره‌ای نیز همین است؛ ایجاد تقاضا برای کالایی که تولید شده یا تحقق همان جمله‌ی معروف «عرضه، تقاضای خود را ایجاد می‌کند». فروشگاه‌های زنجیره‌ای در قالب قفسه‌های جذاب، شیک، متنوع و رنگارنگ کالاهای بسیاری را در معرض دید مصرف‌کنندگان قرار می‌دهند و بسیاری از آنان پس از خرید اظهار می‌کنند که بخش زیادی از کالاهایی را که خریده‌اند، یا نیاز ندارند یا قصد خرید آن را نداشتند. تشویق به مصرف بیشتر، مهم‌ترین کارکرد فروشگاه‌های زنجیره‌ای است. در واقع وقتی مصرف‌کنندگان در برابر مجموعه‌ای از کالاها با نام‌های تجاری مختلف — که تفاوت اندکی با یکدیگر دارند — قرار می‌گیرند، ممکن است احساس کنند که دارای حق انتخابند. صنعت تبلیغات تلاش

می‌کند تا با تمایزات بسیار ظریف وفاداری مصرف‌کنندگان به یک نام تجاری را تضمین کند.

انحصار روبه‌رشد

فروشگاه‌های زنجیره‌ای با تمرکز سرمایه و نیروی کار ضربه‌ای سهمگین بر پیکره‌ی اقتصاد جوامع محلی وارد می‌کنند و منجر به رکورد کارگاه‌های تولیدی می‌شوند. کارل مارکس در توضیح این که چرا سرمایه با گذشت زمان به تمرکز بیش‌تر گرایش دارد، دو دلیل ساختاری را ذکر می‌کند: اول این که در دوره‌های بحران، واحدهای قوی‌تر سرمایه با بلعیدن واحدهای ضعیف‌تر، بزرگ می‌شوند. دوم این که جابه‌جایی و تمرکز پس‌اندازهای جامعه از طریق مؤسساتی مانند بانک‌ها و بازار سهام تمرکز سرمایه در واحدهای بزرگ‌تر را تسهیل می‌کند. رشد تدریجی فروشگاه‌های زنجیره‌ای طی سالیان گذشته در ایران را نیز می‌توان چنین تفسیر کرد: افزایش قدرت انحصاری به دلیل قدرت چانه‌زنی بالای این واحدها با تولیدکنندگان، خرید عمده و مستقیم و در نهایت حاشیه‌ی سود بالای فروش. به این دلیل است که هیچ خرده‌فروش کوچکی توان رقابت با آن‌ها را ندارد.

رقابت غیرمنصفانه

از دیگر سو شگردهایی مانند ارائه‌ی تخفیف با کاستن از حجم و کیفیت کالا سبب ایجاد رقابتی غیرمنصفانه بین خود و دیگر فروشگاه‌های کوچک می‌شود و آن‌ها را به مرور از بازار خارج می‌کند؛ هم‌چنین درج قیمت بیش‌تر از قیمت واقعی با همکاری تولیدکننده، اختلاف قیمت بین قیمت بارکد با قیمت درج‌شده روی کالا و نیز افزایش قیمت کالا به بهانه‌ی بسته‌بندی نیز از دیگر ترفندهای این واحدها برای فروش و سود بیش‌تر است. تمامی این موارد سبب ایجاد رقابتی غیرمنصفانه بین فروشگاه‌های بزرگ و فروشگاه‌های کوچک محلی شده و خود سبب رکود در بخش عظیمی از بدنه‌ی اقتصاد وابسته به بازار مشاغل آزاد و رفاه اقتصادی این بخش را نیز با کاهش روبه‌رو کرده.

وجود تضاد منافع

شرکت‌های بزرگ از طریق قدرت مالی خود با انجام لابی در مراکز اصلی تصمیم‌گیری قوانین را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که سود و منفعت خود را بیشینه کنند. می‌توان گفت شرکت‌های بزرگ از طریق قدرت مالی خود بر قوانین و مقررات تأثیر می‌گذارند و معادلات سیاسی و اجتماعی را به نفع خود تغییر می‌دهند. به همین دلیل نیاز است که یک‌سری نهادهای عمومی غیردولتی بین آن‌ها و دولت قرار بگیرند. دولت نیز می‌تواند با گرفتن مالیات منافی هم‌سو با این فروشگاه‌ها داشته باشند.

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

یکی دیگر از موارد مهم درباره‌ی فروشگاه‌های زنجیره‌ای رعایت نکردن حقوق نیروی کار است. زنان کارگر نیروی انسانی ارزان قیمت در این فروشگاه‌ها هستند؛ کارگرانی که بسیاری از مردم آن‌ها را به چشم کارمندان بی‌دغدغه‌ی هایپرمارکت‌ها و سوپرمارکت‌ها می‌بینند و نمی‌دانند پشت ظاهر خوش‌آبرنگ این فروشگاه‌ها ساعات کار طولانی، حقوق و دست‌مزد اندک و سختی کار فراوان پنهان شده. نه تنها در ایران، بلکه شواهدی از نمونه‌های خارجی این فروشگاه‌ها در دسترس است.

به عنوان مثال دست‌مزد واقعی کارگران در والمارت (Walmart) پایین است و با توجه به نفوذ والمارت در این بخش احتمالاً پایین‌تر هم خواهد آمد. در حال حاضر از کل فروش خواروبار در ایالات متحده بیست درصد در اختیار والمارت است و این سهم رو به افزایش است. سیاست ضداتحادیه‌ی این شرکت‌ها سیاست‌هایی در برابر افزایش دست‌مزدهاست و در مجموع بر بخش‌های فروشگاه‌های ایالات متحده اثرگذار است. دیگر سوپرمارکت‌ها برای آن که بتوانند

با والمارت رقابت کنند، چاره‌ای ندارند جز آن که برای کاستن از هزینه‌های نیروی کار خود راه‌هایی پیدا کنند. هم‌اکنون والمارت در ایالات متحده چهار هزار شعبه دارد و سیاست‌هایش به شدت به حقوق اتحادیه‌ی کارگران آسیب رسانده.

جمع‌بندی

اگرچه رشد روزافزون فروشگاه‌های زنجیره‌ای در ایران سبب در دسترس‌تر بودن کالاها برای مصرف‌کنندگان شده، اما مشکلاتی را که این واحدها برای فروشندگان خرد ایجاد کرده‌اند، نمی‌توان نادیده گرفت. علاوه بر این وجود انحصار سبب شده تا حقوق کارگران این واحدها نادیده گرفته شود و در عین حال حقوق مصرف‌کنندگان نیز از دید نهادهای نظارتی دور بماند. تخفیف‌های غیرواقعی، ارائه‌ی کالای کم‌کیفیت، تقلب و کم‌فروشی از جمله مواردی است که به وفور در این فروشگاه‌ها به چشم می‌خورد.

استفاده‌ی برخی از این واحدها از ارز دولتی طی سالیان گذشته سبب افزایش قیمت مواد اولیه‌ی وارداتی، از جمله برنج و روغن شده و رانت و فساد بسیاری را در پی داشته. به طور کلی برای کشوری مانند ایران که تولیدی غیر از نفت و گاز ندارد، وجود چنین فروشگاه‌هایی رشد مصرف‌گرایی را دامن می‌زند و فرهنگ نادرستی را ترویج می‌کند.

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

عکس ماه



در کم‌تر از ۲۴ ساعت پس از قطع شدن تک درخت نخل سواحل کویری روستای دَرَک، با همت مردم محلی، نخل دیگری جایگزین آن شد. تک درخت نخل معروف دَرَک به عنوان نماد گردشگری جنوب استان سیستان و بلوچستان (۱۷۰ کیلومتری چابهار) شناخته می‌شود. قدمت درخت قطع شده ظاهراً بیش از ۴۰ سال بوده و مدیر میراث فرهنگی شهرستان کنارک درباره‌ی قطع آن گفته: «یکی از دلایل قطع تک درخت این است که گردشگران به رسوم مناطق توجهی نمی‌کنند، مثلاً در این منطقه حجاب رعایت می‌شود و اگر گردشگری بدون حجاب و با شکل غیر عرف به این جا سفر کند مردم خوششان نمی‌آید.»

حکایت

پرونده ویژه





عکس مجله کرونیکلز

اجتماعی

■ بررسی فراز و فرودهای مدیریت فضای مجازی در یک دهه‌ی گذشته دژی نفوذناپذیر یا حصاری متزلزل؟



نسیم سلطان‌بیگی
روزنامه‌نگار

در این روزها شاید بتوان جای دو واژه‌ی خودکامگی و اینترنت را تغییر داد و گفت همه‌ی بلایای زندگی آن‌ها از اینترنت است و راه خروج از وضعیت هم خلاص شدن از شر اینترنت است. این همان نقطه‌ای است که نظریه‌پردازی برای طرحی مشهور به صیانت از کاربران در فضای مجازی آغاز می‌شود؛ طرحی که از یک‌سو می‌تواند به اعمال برخی محدودیت‌ها بیانجامد و از سوی دیگر نهادهای مسدودکننده را شفاف و آشکار می‌کند و امکان مطالبه‌گری را برای جامعه مدنی بیش از پیش فراهم می‌سازد؛ هرچند که هنوز راه بسیاری تا رسیدن به آخر داستان طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی باقی مانده و هم‌چنان می‌توان به رقم خوردن پایانی متفاوت امیدوار بود، اما آن‌چه تا امروز شاهد آن بوده‌ایم، تشابه‌های بسیاری با روایت داستانی

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

میجر خوک پیری است که در میان شخصیت‌های کتاب قلعه‌ی حیوانات نماد نظریه‌پردازی محسوب می‌شود. برای او مثل روز روشن است که همه‌ی بلایای زندگی آن‌ها از خودکامگی انسان دوپاست و راه چاره‌ی خروج از وضعیت هم خلاص شدن از شر انسان دوپاست. از پس همین سخنان اوست که انقلابی علیه صاحب مزرعه با خواست نجات از بردگی و رسیدن به برابری شکل می‌گیرد، انقلابی که در نهایت آن‌ها را از بردگی رها می‌کند، اما با به حکومت رسیدن طبقه‌ی خوک‌ها در رسیدن به آرزوهایشان ناکام می‌ماند و به دیکتاتوری می‌انجامد که تفاوت خوک از آدم در آن ناممکن به نظر می‌رسد.

کتاب قلعه‌ی حیوانات دارد. ما در این گزارش فراز و فرودهای طرحی را مرور می‌کنیم که نام صیانت را یدک می‌کشد.

گام اول؛ از مدیریت تا محدودیت

صدای اعتراض به طرح موسوم به صیانت هم‌چنان بلند

است. آخرین صدای اعتراضی از جشنواره‌ی وب و موبایل به‌پاخواست و در بیانیه‌ی اعلام کردند که مراسم اختتامیه‌ی جشنواره را حتی به شکل آنلاین هم برگزار نمی‌کنند؛ زیرا معتقدند برگزاری رویداد در چنین شرایطی نه‌تنها مرهمی بر زخم‌های کسب‌وکارهای آنلاین نخواهد شد، بلکه ممکن است تنها سبب اطمینان‌خاطر عاملان

این فضای مبهم و تیره شود؛ اما نقطه‌ی آغاز آن‌چه شورای داوران جشنواره‌ی وب و موبایل فضای مبهم و تیره می‌خواند، یک دهه‌ی پیش آغاز شد. اسفندماه سال ۱۳۹۰ از نیمه گذشته بود که اولین گام برای رسیدن به آن‌چه امروز طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی خوانده می‌شود، برداشته شد. رهبر جمهوری اسلامی در حکمی به آثار شبکه‌ی جهانی اینترنت در زندگی فردی و اجتماعی اشاره و تأکید کرد که لزوم برنامه‌ریزی و هماهنگی برای صیانت از آسیب‌های ناشی از آن و بهره‌گیری از فرصت‌ها برای ارائه‌ی خدمات مفید و گسترده به مردم از جمله دلایل اصلی ضرورت تشکیل شورای عالی فضای مجازی است و این شورا وظیفه دارد مرکزی به نام مرکز ملی فضای مجازی کشور ایجاد کند تا اشراف کامل و به‌روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی، تصمیم‌گیری نسبت به نحوه‌ی مواجهه‌ی فعال و خردمندانه‌ی کشور با فضای مجازی و در نهایت نظارت بر اجرای دقیق تصمیمات در همه‌ی سطوح تحقق یابد. بر همین اساس این شورا، با هدف مدیریت فضای مجازی تشکیل شد و در این سال‌ها حاکمیت هرچه بیش‌تر در این مسیر پیش رفت، دورشدن از مدیریت و نزدیک‌شدن به محدودیت آشکارتر شد.

رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی‌های گوناگون از الزام مدیریت فضای مجازی و ساخت شبکه‌ی ملی اطلاعات صحبت کرد و در برخی دیدارها با مسئولان دولتی از پیش‌نرفتن در راستای ساخت شبکه‌ی ملی اطلاعات گلایه کرد. در نهایت الزامات شبکه‌ی ملی اطلاعات در آذرماه سال ۱۳۹۵ در شورای عالی فضای مجازی تبیین شد. در بخش مربوط به مدیریت شبکه‌ی ملی اطلاعات و الزامات تحقق استقلال آن در بند چهارم آمده که: «اعمال مدیریت یک‌پارچه در تخصیص و بهره‌برداری بهینه از منابع ملی و نظارت بر آن به نحوی انجام شود که امکان مدیریت مستقل، به ویژه در شرایط جدایی شبکه

از اینترنت جهانی فراهم شود.» همان چیزی که به نظر می‌رسد با قطع سراسری اینترنت جهانی در آبان‌ماه ۱۳۹۸ به بوته‌ی آزمایش گذاشته شد. پس از قطع سراسری اینترنت در آبان‌ماه ۱۳۹۸ مشخص شد که کشور در زمینه‌ی توسعه‌ی موتورهای

جست‌وجو و پیام‌رسان‌های داخلی عملکرد مطلوبی نداشته. در بند دیگری مربوط به بخش خدمات شبکه‌ی ملی اطلاعات آمده که تأمین اشراف اطلاعاتی و رصد، امکان شنود قانونی و نظارت جامع و برخط بر این عملیات از جمله خدمات شبکه‌ی ملی اطلاعات خواهد بود؛ اما اجرایی‌شدن طرح الزامات شبکه‌ی ملی اطلاعات با چالش‌های

تعدد روبرو شد. دولت یازدهم و دوازدهم بارها و بارها به بی‌توجهی و اجرا نکردن این طرح متهم شد و وزیر جوان ارتباطات دولت دوازدهم را که قول داده بود دستش روی دکمه‌ی فیلترینگ نرود، مجبور به جست‌وجو برای یافتن راه‌های مؤثرتر برای ایجاد زیرساخت‌های شبکه‌ی ملی اطلاعات کرد. نتیجه‌ی این جست‌وجو در دستان تیم «ابرآوان» رقم خورد که به گفته‌ی محمدجواد آذری جهرمی سرویس زیرساخت اینترنت کشور را توسعه دادند و به این ترتیب سرویس‌های اینترنتی به داخل کشور منتقل شدند. در نتیجه‌ی همین اقدام بود که بهمن‌ماه سال ۱۳۹۹ وزارت ارتباطات اعلام کرد زیرساخت ارتباطی شبکه‌ی ملی ارتباطات پیشرفت هشتاد درصدی داشته.

گام دوم؛ جنگی برای فتح و پیروزی

با این حال رهبر جمهوری اسلامی بار دیگر از بی‌توجهی به تأکیداتش در اولین سخنرانی سال ۱۴۰۰ گلایه و اعلام کرد که رعایت‌های لازم در زمینه‌ی فضای مجازی صورت نمی‌گیرد. او در این سخنرانی با تأکید بر این که بی‌شک فضای مجازی برای مردم وسیله‌ی آزادی‌ست، گفت «نباید این وسیله را در اختیار دشمن گذاشت که بتواند علیه کشور و ملت توطئه کند». مردادماه سال ۱۴۰۰ نخستین نسخه‌ی طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی منتشر شد که با واکنش‌های شدیدی از سوی مردم و صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی روبرو شد. کاربران فضای مجازی در کمپینی اعتراضی با جمع‌آوری بیش از یک میلیون و صد هزار امضای دیجیتال اعتراض و مخالف خود را با این طرح اعلام کردند. این تعداد امضای دیجیتال برای نخستین‌بار در کشور در اعتراض به یک طرح دولتی به ثبت رسیده بود.

باکسر در کتاب قلعه‌ی حیوانات اسبی است نماد طبقه‌ی کارگر و در دیالوگی معروف در برابر هر رویدادی اعلام می‌کند که



عکس از سوشیال مدیا

صدای اعتراض به طرح موسوم به صیانت هم‌چنان بلند است. آخرین صدای اعتراضی از جشنواره‌ی وب و موبایل به‌پاخواست و در بیانیه‌ی اعلام کردند که مراسم اختتامیه‌ی جشنواره را حتی به شکل آنلاین هم برگزار نمی‌کنند؛ زیرا معتقدند برگزاری رویداد در چنین شرایطی نه‌تنها مرهمی بر زخم‌های کسب‌وکارهای آنلاین نخواهد شد، بلکه ممکن است تنها سبب اطمینان‌خاطر عاملان این فضای مبهم و تیره شود.

صالح
ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

«من بیش‌تر کار خواهم کرد». سکونلر هم خوکی چاق است که به عنوان نمادی از رسانه‌ها در نظر گرفته شده. در قسمتی از کتاب قلعه‌ی حیوانات پس از نبردی طولانی برای پس‌گرفتن آسیاب بادی که پس از جنگ به ویرانه بدل شده، صدای شلیک هوایی شنیده می‌شود و سکونلر در جواب اعتراض باکسر به شلیک تیر می‌گوید: «فتح و پیروزی را جشن گرفته‌ایم». باکسر بار دیگر می‌گوید: «ما چیزی را که قبلاً داشتیم، پس گرفتیم» و سکونلر در پاسخ می‌گوید: «معنای فتح همین است». کاربران فضای مجازی هم با کمپین اعتراضی خود توانستند زمین فضای مجازی را فتح کنند و طرح صیانت برای بررسی بیش‌تر از دستور کار صحن علنی خارج شد و به کمیسیون ویژه‌ی طرح صیانت در مجلس برگشت؛ اما در اقدامی فراقانونی کمیسیون در بهمن‌ماه کلیات نسخه‌ی جدید را به رأی گذاشت و با نوزده رأی موافق آن را تصویب کرد. بار دیگر موج اعتراضات به راه افتاد و در نهایت با توجه به مغایرت این رأی‌گیری با آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس، هیئت رئیسه‌ی مجلس رأی‌گیری را باطل اعلام کرد و زمین فضای مجازی هم‌چنان فتح‌شده در دستان کاربران فضای مجازی باقی ماند.

گام سوم: از محدودیت تا پذیرش مسئولیت

با این حال این اتفاق یک دست‌آورد مهم در پی داشت؛ بالاخره نسخه‌ی نهایی طرح صیانت از حقوق کاربران تغییرنام داد و در نهم بهمن‌ماه ۱۴۰۰ با نام «نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی» منتشر شد. در این نسخه‌ی جدید یکی از بحث‌برانگیزترین موارد مطرح‌شده در طرح اولیه حذف شده بود و دیگر خبری از پنجره‌ی واحد برای دریافت مجوز اپلیکیشن‌های خارج از کشور، مانند واتس‌آپ و اینستاگرام نبود. عمادالدین پاینده، پژوهش‌گر حوزه‌ی «فاوا» در پاسخ به این سؤال که آیا این طرح باعث محدودشدن آزادی کاربران می‌شود، می‌گوید: «من درباره‌ی نسخه‌ی بهمن‌ماه صحبت می‌کنم و معتقدم این طرح به محدودیت آزادی کاربران منجر نمی‌شود و این گزاره به سه دلیل همه‌ی حقیقت را بازگو نمی‌کند. نکته‌ی اول این‌که بر اساس این طرح برای اولین بار در کشور مسئولیت مسدودسازی که در قانون برای آن ضمانت اجرایی وجود ندارد، مطرح شده و در بحث اعمال محدودیت نسبت به پلتفرم‌های خارجی مردم و کاربران قابلیت مطالبه خواهند داشت که چه نهادی مسدودسازی را انجام داده و آن نهاد هم باید مسئولیت این کار را بپذیرد.» او با اشاره به تجربه‌های پیشین کشور در حوزه‌ی فیلترینگ فضای مجازی

در دو سال اخیر و کلاب‌هاوس به عنوان یکی از بدترین آن‌ها، ادامه می‌دهد: «تجربه‌ی فیلترینگ تلگرام و کلاب‌هاوس نشان داد که ما با بحران مسئولیت طرفیم. تصمیماتی اتخاذ می‌شود، اما کسی مسئولیت این تصمیم را بر عهده نمی‌گیرد و اساساً ساختار به نحوی است که طرف می‌تواند از زیر بار مسئولیت فرار کند و خودش را از کاری که کرده، جدا کند و از افشای نام و جزییات اتفاق خودداری کند.» به گفته‌ی او درباره‌ی کلاب‌هاوس جدای از این‌که هنوز نحوه‌ی فیلترینگ مشخص نیست، (این‌که روی اینترنت همراه فیلتر است یا روی اینترنت ثابت یا هر دو) هیچ‌گاه مشخص نشد که دستور فیلترینگ از سوی چه نهادی صادر شده. پاینده با بیان این‌که اصلی‌ترین تنظیم‌گر مقررات در کشور سازمان تنظیم مقررات رادیویی است، می‌گوید: «این نهاد علیه اپراتورها که هیچ‌گاه خودسر کاری انجام نمی‌دهند، اعلام شکایت کرد؛ مبنی بر این‌که شما به صورت غیرقانونی کلاب‌هاوس را فیلتر کردید. این موضوع نشان‌دهنده‌ی چندگانگی‌هایی است که امکان مطالبه‌گری و مواجهه‌ی مدنی با این قبیل تصمیمات را نمی‌دهد و برای این‌که مواجهه‌ی مدنی اتفاق بیفتد، نیازمندیم که حاکمیت قانون وجود داشته باشد.»

گام چهارم: سیاست‌گذاری که دولتی نیست

او در ادامه درباره‌ی دومین دلیل خود برای نفی این گزاره که نسخه‌ی بهمن‌ماه طرح موسوم به صیانت کاربران محدودیت کاربران را در پی ندارد، می‌گوید: «در این طرح الزامات ناظر بر کاربران وجود ندارد و الزامات ناظر بر کاربران به لایه‌ی جدیدی در نظام سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری و به طور کلی نظام حکمرانی ایران گذاشته شده به نام لایه‌ی «نهادهای تنظیم‌گر» یا «تنظیم‌گران». تنظیم‌گران از آن‌جایی که اولین یا تنها نهادهای دارای ارتباط مستقیم با بخش خصوصی‌اند، این امکان را دارند که به لحاظ ساختار سازمانی و دموکراتیک‌تر بودنشان و برخی مسائل دیگر که فرصت بحث آن در این مصاحبه نیست، نسبت به نهادهای حاکمیتی مثل شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی و حتی شوراها متعددی که در کشور وجود دارد، مواجهه‌ی تخصصی‌تر و به نسبت قابل‌توجهی مردم‌مدارانه‌تر و مبتنی بر نظرات مردم داشته باشند.» به باور او این نهادها می‌توانند نظرات توسعه‌ای بیش‌تری داشته باشند و در توضیح آن می‌گوید: «وقتی از آن‌ها خواسته شد که با رعایت برخی اصول که در ماده‌ی پنج یا شش طرح وجود دارد و با رعایت موارد نهادهای تنظیم‌گر بخشی قانون‌گذاری کنند و الزامات حریم خصوصی و کودک و نوجوان و دیگر الزامات

صالح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

را رعایت کنند و این اتفاق افتاده؛ به نظر می‌آید این موضوع پیش‌آمد مبارکی است که مسبوق به سابقه نیست. در این حوزه نهاد تنظیم‌گری وجود نداشته و مسئولیتی نبوده و حالا به نهادهای تنظیم‌گر تخصصی سپرده شده.»

او در ادامه درباره‌ی دلیل سوم خود می‌گوید: «محدودیت آزادی کاربران را اگر در بحث پلتفرم‌های خارجی و کسب‌وکارها در نظر بگیریم، من یک سیگنال امیدوارم‌کننده در این زمینه در طرح بهمن‌ماه می‌بینم و آن هم این‌که چند ماده‌ی جدی وجود دارد که درآمد و منابع و بودجه هم برای آن مشخص شده که بر اساس آن‌ها به کسب‌وکارهای داخلی حمایت واقعی تخصیص پیدا می‌کند و اگر ما بخشی از کاربران را کسب‌وکارهای خرد و کوچک بدانیم، افراد زیادی از این موضوع منتفع خواهند شد.» او درباره‌ی بندهایی که امکان محدود کردن آزادی کاربران را دارند، می‌گوید: «صادقانه و به صورت کاملاً واقع‌بینانه ماده‌ای که درباره‌ی فیلترشکن‌ها در این طرح وجود دارد، در صورتی که فرآیند اجرا و لوازم اجرایی آن به درستی هدایت نشود و امکان مداخله‌ی نهادهای تنظیم‌گری بخشی و نهادهای صنفی صنعتی

اتخاذ و ملاحظه و رعایت نشود، می‌تواند به صورت بالقوه به محدودتر شدن آزادی کاربران فضای مجازی در کشور منجر بشود.»

گام پنجم؛ اینترنت ماهواره‌ای به ایران نمی‌آید

پاینده نسخه‌ی منتشرشده در بهمن‌ماه را دارای اثر یا پی‌آمد منفی برای کسب‌وکارهای اینترنتی نمی‌داند و در ادامه می‌گوید: «حتی مکانیزم مجوزدهی اندیشیده شده در این طرح -اگر واقعیت وضع موجود را ببینیم- ساده‌تر شده و فرآیند به هم ریخته و سردرگم و خارج از حاکمیت قانون فعلی را برای کسب‌وکارهایی که بین نهادهای مختلف سرگردان هستند، تسهیل می‌کند.» او در پاسخ به سؤال دیگری که آیا اینترنت ماهواره‌ای می‌تواند به عنوان جایگزین در کشور مطرح باشد، پاسخ می‌دهد: «موضوع اینترنت ماهواره‌ای در حال حاضر در کشور ما در مرکز فضای مجازی در حال بحث و بررسی است. مواردی مانند این‌که چقدر امکان اجرایی‌شدن و تجاری‌سازی

دارد و تا چه حد برای مصرف‌کننده‌ی نهایی قابل‌تهیه است و چقدر امکان مقابله‌ی پهبادی و اعمال حکمرانی سخت برای آن وجود دارد، در حال بررسی است.» او ادامه می‌دهد: «پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان ماهواره‌ها را از مدار خارج کرد و روی آن‌ها اعمال حکمرانی دیگری داشت نیز از دیگر موضوعات است؛ زیرا می‌دانیم که سازوکار کلی اینترنت ماهواره‌ای به صورتی است که هیچ اعمال حکمرانی یا نظارتی را امکان‌پذیر نمی‌کند. با توجه به تمام این موارد تاکنون هیچ جمع‌بندی‌ای درباره‌ی آن وجود ندارد.» او با اشاره به استفاده از اینترنت ماهواره‌ای در اوکراین می‌گوید: «نکاتی که درباره‌ی اوکراین شنیده شده، تنها شنیده است و من تحلیل سیاسی، مطالعه‌ی پژوهشی یا علمی یا تجربه‌ی زیسته در این‌باره ندیدم و طبیعتاً می‌شود گفت که فعلاً مقرون‌به‌صرفه بودن و اهداف تجاری و اقتصادی و سیاسی باعث می‌شود که در کشور ما کسی به سمت این موضوع حرکت نکند و به نظر نمی‌رسد که وضعیت موجود هم چنین باشد.» او تأکید می‌کند که در نسخه‌ی آخر طرح ماده‌ای تحت عنوان سانسور و افزایش محدودیت فیلترینگ وجود ندارد

که بخواهد جایگزینی تحت عنوان اینترنت ماهواره‌ای برای آن مطرح باشد.

گام ششم؛ محدودیت پهنای باند برای اپلیکیشن‌های خاص او در پاسخ به سؤال دیگری درباره‌ی وضعیت پهنای باند و تأثیر اجرای طرح موسوم به صیانت بر آن می‌گوید: «دو مقوله را نباید با هم اشتباه گرفت؛ یکی بحث پهنای باند به معنای کلی کلمه است و یکی پهنای باند سرویس‌های خاص یا اپلیکیشن‌های خاص است. در این‌که پهنای باند اپلیکیشن‌های خاصی در کشور ما بنا به اقتضائات امنیتی یا صلاح‌دیدهای سیاسی در برخی بازه‌های زمانی تغییر پیدا کرده و محدودیت برای آن‌ها اعمال شده، شکی نیست و از سوی دیگر مشخص نیست که مسئولیت این اعمال محدودیت با چه کسی است. در حال حاضر می‌توان تقریباً بدون تردید گفت که این اتفاق برای اینستاگرام می‌افتد؛ اما درباره‌ی این‌که این موضوع گسترش پیدا کند و به عنوان یک رویه‌ی قانونی باشد که به راحتی



عمادالدین پاینده، پژوهش‌گر حوزه‌ی «فوا» در پژوهشکده‌ی سیاستگذاری دانشگاه شریف

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

قابل دست‌یابی و به‌کارگیری هم باشد، طبیعتاً نسبتی بین طرح نظام تنظیم مقررات و این موضوع وجود ندارد.» او در توضیح بیش‌تر این موضوع می‌گوید: «در ضمانت اجرای طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی، اعمال خط‌مشی ترافیک مطرح شده که اعمال کردن آن هم نیاز به دستورالعملی دارد که وزارت ارتباطات باید آن را تهیه کند و با نظام مفهومی که من ترسیم کردم و گفتم اگر این دستورالعمل تهیه شود، و ذی‌النفعان زیر بار این بروند که این اتفاق قانون‌مند شود، ما به راحتی شاهد این اتفاق و متوسل شدن به این ابزار برای اعمال محدودیت نخواهیم بود؛ زیرا مشخص می‌شود که چه نهادی درخواست می‌دهد و چه کسی اعمال نفوذ می‌کند و چون بسیاری از مسائل شفاف می‌شود، مردم امکان مطالبه‌گری خواهند داشت و مطالبه‌گری نسبت به زمان حال افزایش پیدا می‌کند.»

او در پاسخ به سؤال دیگری درباره‌ی زیرساخت‌های لازم برای اجرای طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی می‌گوید: «تنها زیرساخت لازم و مناسب برای اجرای طرح صیانت تغییراتی است که در ساختار شورای عالی فضای مجازی در نظر گرفته شده و می‌دانم هنوز این تغییرات فراهم نشده و باید در شورای عالی فضای مجازی تصویب شود و موضوع دیگر تأمین بودجه و حمایت‌هایی است که اندیشیده شده که آن‌ها هم هنوز عینی و عملی نشده‌اند و باید تصویب شوند.»

گام هفتم؛ نسخه‌ی چینی اینترنت ملی برای ایران نیست

در حالی که برخی کارشناسان بر این باورند که حاکمیت ایران به دنبال ساختن مدل چینی اینترنت ملی در کشور است، پاینده این گزاره را نفی می‌کند و می‌گوید: «به نظر من چین اساساً نمونه‌ی موفق اجرای اینترنت ملی نیست و مدل چین متفاوت از آن چیزی است که در کشور ما اندیشیده می‌شود.» او در ادامه با تأکید بر این که نباید چین را با کره‌ی شمالی اشتباه بگیریم، می‌گوید: «باید این موضوع تبیین شود که سرمایه‌گذار خارجی و پلتفرم خارجی و رقابت‌پذیری در توسعه‌ی سرمایه‌گذاری خطرپذیر و توسعه‌ی اکوسیستم دیجیتال و بسیاری موارد دیگر در چین چگونه انجام می‌شود و همه‌ی این موارد متفاوت از تصور ما درباره‌ی چین است و این تصور درباره‌ی چین که همه‌چیز فیلتر می‌شود و جایگزین آن ساخته می‌شود، تصور اشتباهی است؛ بیش‌تر کاریکاتوری و غلط است.» به گفته‌ی او اگر چنین موضوعی در چین حاکم بود، امکان نداشت این کشور به چنین توسعه‌ای برسد که بتواند با آمریکا رقابت مستقیم

در حوزه‌ی فناوری، در تمام لایه‌ها، از زیرساخت تا سرویس داشته باشد. او با اشاره به برخی از نهادهای دولتی می‌گوید: «به نظر من شاید وزارت ارتباطات اخیر و چند نهاد دیگری که جزو ذی‌نفعان فضای مجازی کشور و سیاست‌گذاران فضای مجازی‌اند، روی تجربیات چین کار می‌کنند و به دنبال بومی‌سازی تجربیات آن‌ها برای توسعه‌ی اکوسیستم دیجیتالند، اما به طور مشخص نه ایران در حال تبدیل شدن به چین است و نه توان تبدیل شدن به چین را در کشور خودمان می‌بینم و معتقدم یک هم‌گرایی و هماهنگی در سطح کلان سیاست‌گذاری و در عین حال باید آزادی عمل در لایه‌های پایین‌تر مانند لایه‌ی تنظیم‌گری استارت‌آپ‌ها، تأمین مالی‌ها، حمایت از اقتصاد و بسیاری موارد دیگر وجود داشته باشد. این هم‌گرایی و هماهنگی در کنار آزادی عمل به شکل مافوق‌تصوری در چین اجرا شده و خوب عمل می‌کند؛ در صورتی که در کشور ما در سطح نهادی تعارضات و چندپارگی‌های جدی در همان سطح اول وجود دارد و هم‌گرایی و نزدیک‌بودن افق‌ها و ارده‌مندی و تصمیم‌گیری با یک افق مشترک و تنظیم‌گری همراه با آزادی عمل و نگاه توسعه‌ای در اجرا و عملیات هم در کشور ما در لایه‌های پایین‌تر یعنی همان تنظیم‌گری دیده نمی‌شود و فکر نمی‌کنم که ما در حال تبدیل شدن به چین باشیم.» او در ادامه درباره‌ی تشابه‌های مدل نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی با مدل چینی می‌گوید: «طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی در یک مدل چهارسطحی قرار گرفته که سطح اول آن شورای عالی و سطح دوم کمیسیون عالی تنظیم مقررات و سطح سوم تنظیم‌گران بخشی و نهادهای صنفی‌اند و سطح چهارم بازار است. این طرح هم منبعث از الگوی چینی نیست، اما شباهت‌هایی با مدل حکمرانی فناوری و مدل اقتصاد دیجیتال در چین در این طرح وجود دارد.» به گفته‌ی او در حال حاضر بریتانیا و چند کشور دیگر اروپایی با تأسیس DRCF که مخفف Digital Regulation Cooperation Forum است، در حال حرکت در مسیری مشابه‌اند.

سال ۱۴۰۰ در حالی که پایان می‌رسد که یکی از اعضای کمیسیون ویژه‌ی طرح صیانت از بررسی این طرح در سال ۱۴۰۱ خبر می‌دهد. سرانجام این بررسی‌ها هم‌چنان در غباری از ابهام پوشیده است و مشخص نیست سرنوشت طرح موسوم به صیانت از کاربران فضای مجازی که در بهمن‌ماه به نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی تغییر نام داد، مشابه داستان قلعه‌ی حیوانات باشد و به برپایی یک دیکتاتوری بیانجامد یا نه؛ هم‌چنان باید گوش به زنگ اخباری ماند که قرار است در سال ۱۴۰۱ از راه برسد.



ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



عکس از سوشال مدیا

حقوقی

■ اینترنت و حقوق بشر ذبح حقوق شهروندی پیش پای طرح صیانت



معین خزانلی
حقوقدان

کلیات طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی که با نام جدید «طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی» ارائه شده، در حالی در اسفند ۱۴۰۰ در کمیسیون ویژهی بیست‌نفری مجلس تصویب شد که به گفته‌ی حقوقدانان این طرح به جای آن‌که قابلیت تبدیل شدن به قانون را دارا باشد، سراسر نقض و تخلف از قانون است؛ هم قوانین داخلی در ایران و هم قوانین بین‌المللی.

اگرچه کلیات تصویب‌شده به فاصله‌ی کوتاهی توسط هیئت رئیسه‌ی مجلس شورای اسلامی به دلیل آن‌چه که «ایرادات شکلی» خوانده شده، لغو شد، اما به گفته‌ی مهرداد ویس کرمی،

دبیر کمیسیون ویژه‌ی مشترک بررسی طرح صیانت از فضای مجازی این طرح «یک طرح حاکمیتی» است و بدون شک دست‌کم برای یک دوره‌ی آزمایشی در ایران اجرا خواهد شد. اعتراف صریح دبیر کمیسیون ویژه‌ی بررسی طرح صیانت نسبت به موضع حاکمیت در ایران نسبت به این طرح نشان می‌دهد که ابطال شکلی طرح از سوی هیئت رئیسه‌ی مجلس همان‌طور که اعلام شده، صرفاً «شکلی» است و پس از رفع این ایراد طرح نهایتاً تصویب و اجرا خواهد شد. این قاطعیت حاکمیتی در ایران برای اجرای طرح صیانت در حالی است که نتیجه‌ی اجرای این طرح علاوه بر آن‌که نقض صریح حقوق اساسی بشری شهروندان است، با قوانین موضوعه‌ی داخلی نیز مغایرت دارد.

حق دسترسی به اینترنت در قوانین حقوق بشری

اگرچه حق دسترسی آزادانه به اینترنت به طور مستقیم در اسناد کلاسیک بین‌المللی حقوق بشری مورد اشاره قرار نگرفته، اما از آن‌جا که نمودهای امروزی این حق متضمن حق آزادی بیان و به ویژه حق دسترسی آزادانه به جریان آزاد اخبار و اطلاعات است، می‌توان آن را از حقوق اساسی بشر دانست. ماده‌ی

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در همین زمینه با شناسایی صریح حق آزادی بیان این حق را شامل آزادی انتشار عقیده و افکار به هر صورت و به هر شکل و همچنین دسترسی آزادانه به افکار و عقیده دانسته.

در همین زمینه دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ای در سال ۲۰۱۲ که به طرفیت یک شهروند ترکیه علیه دولت این کشور باز شده بود، به صراحت حق دسترسی به اینترنت را از حقوق «تفکیک‌ناپذیر» نسبت به حقوق مسلم بشری دانست و آن را «تضمین» حق آزادی بیان خواند. بر اساس رأی صادره از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر «حق دسترسی به اینترنت از حق دسترسی به اطلاعات و ارتباطات که در بسیاری از قوانین اساسی حمایت شده، تفکیک‌ناپذیر است و حق هر فرد به مشارکت در جامعه‌ی اطلاعاتی و الزام دولت‌ها به تضمین دسترسی به اینترنت برای شهروندانشان را دربر می‌گیرد».

دسترسی به اینترنت آزاد و مناسب علاوه بر این که خود جنبه‌ای از تأمین حق آزادی بیان و حق دسترسی به جریان آزاد اخبار و اطلاعات است، در دنیای امروز تبدیل به ابزاری برای تأمین دیگر حقوق ابتدایی انسان، به ویژه حق آموزش، حقوق اقتصادی و حقوق فردی و اجتماعی شده و اخلاف در آن در نهایت به نقض این حقوق اساسی بشری منجر خواهد شد. امروزه وابستگی حق آموزش و حقوق اقتصادی به اینترنت به حدی است که عملاً دسترسی‌نداشتن به آن سبب ناتوانی شهروندان در بهرمندی از حق آموزش و حقوق اقتصادی خود می‌شود و از آن‌جا که از منظر حقوقی تعهد به احقاق حقوق بشر تعهد به ابزارهای تأمین و تضمین آن نیز محسوب می‌شود، حکومت‌ها برای تأمین نیازهای اساسی شهروندان خود، به ویژه حق آموزش و حقوق اقتصادی موظفند شرایط دسترسی به این حقوق، از جمله اینترنت را نیز فراهم آورند.

ابزار تأمین حق انگاری اینترنت البته صرفاً ادعایی نظری نیست و در رویه‌های قضایی بین‌المللی، به ویژه در موضوعات حقوق بشری به آن استناد شده. به عنوان نمونه دیوان حقوق بشر اروپا در سال ۲۰۱۶ با تأکید بر همین مسئله (لزوم دسترسی به اینترنت به عنوان ابزار تأمین دیگر حقوق) رأی به الزام فراهم‌آوری دسترسی یک زندانی در استونی به اینترنت داد. در این پرونده زندانی مورد نظر مدعی بود که برای دفاع از خود در دادگاه نیاز به دسترسی به مطالب حقوقی سه وبسایت دارد که دولت استونی دسترسی او به آن‌ها را مسدود کرده. در این پرونده دیوان حقوق بشر اروپا در کنار حق انگاری دسترسی به اینترنت برای شهروندان با استناد به حق آموزش و حق بهرمندی از عدالت قضایی دسترسی به اینترنت را ابزار تأمین

این دو حق اساسی تشخیص داد و به نفع زندانی رأی صادر کرد. همچنین دسترسی به اینترنت آزاد امروزه نقش مهمی در توسعه‌ی دموکراسی و حقوق بشر ایفا می‌کند. این یک واقعیت غیرقابل‌انکار است که در دنیای امروز اساساً بدون دسترسی به اینترنت دسترسی به اخبار و اطلاعات، به ویژه ابزارهای تولید خبر مانند مطبوعات عملاً امکان‌پذیر نیست و از این رو نقشی را که مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی ایفا می‌کردند، امروز اینترنت آزاد ایفا می‌کند. نقش شبکه‌های اجتماعی در پاسخ‌گو کردن حکومت‌ها، به ویژه نمایش چهره‌ی پنهان آن‌ها در نقض حقوق بشر از همین نوع است و کارکرد آن در سال‌های اخیر در ایران نیز هرچند اندک مشاهده شده علاوه بر مغایرت کامل مفاد طرح صیانت با قوانین بین‌المللی حقوق بشری مفاد این طرح اساساً با مقدمات و الزامات علم حقوق، به ویژه قانون‌گذاری در تضاد است. در روند تدوین و تصویب یک قانون آن‌چه که به اندازه‌ی متن قانون با اهمیت است، امکان اجرای قانون مورد نظر، هم از منظر جامعه‌شناسی، هم حقوقی و هم فنی است؛ به این معنی که به عنوان نمونه تصویب قانونی که عملاً قابلیت اجرا ندارد، نه تنها کاری عبث و بیهوده است، بلکه جایگاه قانون و قانون‌گذار را نیز در سطح جامعه تنزل می‌دهد و قوانین را در عمل به متونی بی‌ارزش و بی‌اهمیت تبدیل می‌کند.

بررسی مفاد طرح صیانت اما حکایت از ظرفیت بالای این قانون در اجراشدن دارد. الزام شرکت‌های خدمات اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها مانند گوگل، اینستاگرام و واتس‌آپ به تأسیس دفتر در ایران با وجود تحریم‌های سنگین بین‌المللی، الزام به شناسایی هویت تمام کاربران اینترنت، الزام تولیدکنندگان بزرگ تلفن همراه به نصب اپلیکیشن‌های ایرانی در تلفن‌های خود و به ویژه الزام شهروندان به استفاده از اپلیکیشن‌های ایرانی به جای خارجی از جمله مواردی است که تضمین اجرای آن‌ها به شدت محل شک و تردید است و از این رو اساساً روشن نیست طرحی که تا به این حد از اجرایی‌شدن فاصله دارد، چرا باید تبدیل به قانون شود.

امروزه بسیاری از کشورها نیز حق دسترسی به اینترنت آزاد را به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندی در قوانین موضوعه‌ی داخلی خود به رسمیت شناخته و تأمین و تضمین آن را از وظایف حکومت نسبت به شهروندان دانسته‌اند. به عنوان نمونه در فرانسه بهرمندی از اینترنت آزاد از جمله حقوق اساسی شهروندان است و این موضوع در رأی صادره از سوی شورای قانون اساسی این کشور در سال ۲۰۰۹ نیز مورد تأکید قرار گرفته. بر اساس این رأی از آن‌جا که دسترسی به خدمات

حجج

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

ارتباطات (از جمله اینترنت) یک حق اساسی است، ایجاد هرگونه مانع یا مسدودسازی آن صرفاً و تنها با حکم قضایی دادگاه و پس از طی روند دادرسی عادلانه و متوازن با منافع دقیق طرفین امکان‌پذیر خواهد بود.

از نظر دادگاه قانون اساسی کاستاریکا نیز دسترسی به اینترنت آزاد در زمره‌ی حقوق اساسی شهروندان و تضمین آن از وظایف حکومت است.

در برخی کشورها از جمله اسپانیا، فنلاند، استونی و آفریقای جنوبی نیز اگرچه حق دسترسی به اینترنت آزاد زیرمجموعه‌ی حقوق اساسی به رسمیت شناخته نشده، اما قانون‌گذاران در این کشورها با تصویب قوانین موضوعه‌ی اختصاصی حق بهرمندی از اینترنت را برای همه‌ی شهروندان تضمین کرده‌اند. به عنوان نمونه در فنلاند «قانون بازار ارتباطات» با پرداختن به حق دسترسی شهروندان به اینترنت وظایف حکومت و بخش خصوصی را در ارائه‌ی این خدمت به شهروندان مورد تأکید قرار داده و حتی سرعت اینترنت در دسترس را نیز تعیین کرده.

حق دسترسی به اینترنت در قوانین داخلی در ایران

علی‌رغم شناسایی صریح اینترنت به عنوان حق اساسی شهروندان یا حق مستلزم تأمین در قوانین داخلی بسیار کشورها و تأکید تلویحی قوانین بین‌المللی حقوق بشری بر اینترنت به عنوان ابزاری برای تأمین و تضمین حقوق بشر، این حق اما در قوانین موضوعه‌ی داخلی در ایران با خلأی عجیب روبه‌روست و هیچ قانونی به صراحت دسترسی شهروندان به اینترنت را مورد تأکید قرار نداده.

این شناسایی‌نشدن صریح البته به این معنی نیست که اخلال سیستماتیک و نظام‌مند در دسترسی شهروندان به اینترنت آزاد حتی از طریق تصویب قانون مجاز و قانونی است؛ چراکه جلوگیری از دسترسی به اینترنت آزاد به صرف خود در قوانین موضوعه تضمین نشده، اما حقوقی که با انجام این کار از شهروندان نقض می‌شود، از جمله حقوقی است که نقض آن‌ها بر مبنای قوانین در ایران ممنوع است یا صرفاً به طور کاملاً موردی و با دستور مستقیم قضایی امکان‌پذیر است.

به عنوان نمونه از آن‌جا که اجرای طرح صیانت از فضای مجازی به معنی سانسور نظام‌مند و به ویژه تعرض به حریم خصوصی شهروندان از طریق تجسس و استراق‌سمع است، در نتیجه بر خلاف نص صریح اصل ۲۵ قانون اساسی است؛ بنا بر این اصل هرگونه ضبط و فاش‌کردن مکالمات تلفنی، تلگرافی و تلکس (و مصادیق امروزی آن از جمله چت پیام‌رسان‌های اینترنتی) و همچنین سانسور و استراق‌سمع و تجسس در حریم خصوصی شهروندان ممنوع است؛ حال آن‌که

مفاد طرح صیانت از فضای مجازی به صراحت شرکت‌های خدمات‌دهنده‌ی اینترنتی را موظف کرده که اطلاعات موجود در فضای مجازی، به ویژه اطلاعات کاربران را ضبط کند و به صورتی کاملاً نامشخص و نامحدود در صورت درخواست «نهادهای ذی‌صلاح» در اختیار آن‌ها گذارد.

در مفهوم قانونی این به آن معناست که مثلاً قانونی تصویب شود که مخابرات را ملزم به ضبط کامل همه‌ی مکالمات تلفنی شهروندان کند و صرفاً با درخواست ساده‌ی نهادهای نامشخص «ذی‌صلاح» مکالمات ضبط‌شده‌ی شهروندان را به آن‌ها تحویل دهد.

از سوی دیگر از آن‌جا که تلاش برای تصویب طرح صیانت از فضای مجازی در عمل به معنی اخلال نظام‌مند در آزادی‌های مشروع شهروندان است، در نتیجه تحدید و اعمال محدودیت در آن حتی با وضع قوانین و مقررات بنا بر اصل ۹ قانون اساسی در ایران ممنوع است.

در قانون «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای»، «آیین‌نامه‌ی سامان‌دهی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی» و همچنین مقررات مربوط به دولت الکترونیک نیز حق دسترسی شهروندان به اینترنت ابزار تأمین حق دسترسی آزادانه به دانش و اطلاعات مورد اشاره قرار گرفته.

در عین حال تنها سندی که به طور صریح و مستقیم در ایران حق دسترسی به اینترنت را مورد شناسایی قرار داده، منشور حقوق شهروندی مدون ۱۳۹۵ در دولت حسن روحانی است. بر اساس بخش ح این منشور (مواد ۳۳، ۳۴ و ۳۵) دسترسی آزادانه و بدون تبعیض به فضای مجازی و اینترنت حق همه‌ی شهروندان است و ایجاد محدودیت و فیلترینگ در آن ممنوع؛ همچنین بنا بر تأکید این منشور شهروندان در فضای مجازی باید از حریم خصوصی و امنیت سایبری برخوردار باشند. اگرچه این منشور ضمانت اجرایی ندارد و از این منظر قانون محسوب نمی‌شود، اما از آن‌جا که کپی‌برداری مفهومی از قوانین مصوب موجود در ایران است، تحقق مفاد آن پیش‌تر توسط قوانین موضوعه تضمین شده.

در این میان اما طرح صیانت علی‌رغم ایرادات ساختاری برای معاونت قوانین و هیئت رئیسه‌ی مجلس شورای اسلامی در ایران صرفاً این تخلفات شکلی است که ارجحیت داشته و توانسته فعلاً مصوب اسفندماه کمیسیون ویژه را لغو کند؛ حال آن‌که مفاد این طرح به صورتی ماهوی و ذاتی از اساس با حقوق بشر و حقوق شهروندی شهروندان در ایران در تضاد است و در صورت اجرا منجر به فاجعه‌ی حقوق بشری در ایران خواهد شد.



عکس از گاردین

اجتماعی

■ طرح صیانت: دومین تلاش جدی ایران برای عبور از سانسور سنتی



امیر رشیدی
پژوهشگر امنیت اینترنت

شاید در طول تاریخ حضور اینترنت در ایران تا به امروز درباره‌ی هیچ موضوعی به جز تلگرام و طرح صیانت تا این حد صحبت نشده باشد. اتفاقاً این دو در یک نقطه اشتراک جدی دارند و آن تلاش برای دسترسی گسترده به اطلاعات کاربران اینترنتی است.

به صورت سنتی ایران برای مقابله با آنچه مقامات ایرانی آسیب و ولنگرانی فضای مجازی می‌نامند، دست به فیلترکردن یا اختلال ایجادکردن در اینترنت می‌زدند. این روش فقط یک بخش کوچک از محتوای موجود در

اینترنت را هدف قرار می‌داد؛ مثلاً یک وبسایت یا یک اپلیکیشن مسدود می‌شد. با وجود آن که تعداد این سایت‌ها و اپلیکیشن‌هایی که مسدود شدند، سر به فلک گذاشته، اما هم‌چنان در مقایسه با میزان محتوای که در جای‌جای اینترنت به عنوان بزرگ‌ترین شبکه‌ی کامپیوتری دنیا وجود دارد، عدد چشم‌گیری نیست.

با این وجود میزان این سانسورها آن‌قدر زیاد است که زندگی مردم را تحت شعاع قرار داده؛ به صورتی که بدون فیلترشکن عملاً امکان فعالیت در شبکه‌ی اینترنت وجود

حظ

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

ندارد. ایران عملاً توان این را نداشت و ندارد که به این روش سانسور ادامه دهد؛ چراکه پایانی برای این بازی موش و گربه نیست و هر زمانی که آن‌ها ابزاری را فیلتر کنند، دیر یا زود ابزار دیگری جایگزین آن خواهد شد و در نتیجه سوراخی در دیوار بلند سانسور ایجاد می‌شود.

طبیعی است که یک دیوار پر از سوراخ مطلوب مقامات ایرانی نیست و آن‌ها برای پیدا کردن راه‌حلی تلاش دارند تا به جای ادامه‌ی این روش مسدودسازی چند پروژه‌ی جدید

را جایگزین روش فعلی کنند که نگارنده در این یادداشت فقط به بررسی یکی از آن‌ها که کنترل و نظارت بر فعالیت کاربران است، تمرکز دارد.

در واقع تلاش مقامات جمهوری اسلامی بیش‌تر در نظارت و کنترل است تا مسدود سازی. به عنوان نمونه

پروژه‌ی تلگرام طلایی که دارای حمایت مقامات ایرانی در عالی‌ترین سطح بود، نشان داد آن‌ها برای نظارت و کنترل محتوای اینترنت در حال تلاش‌های جدیدی‌اند.

تلگرام طلایی در واقع یک کلاینت (Client) برای اپلیکیشن تلگرام بود که با استفاده از کد «متن باز» اصلی و API‌های خود تلگرام توسعه یافته بود. این اپلیکیشن در حالی به شدت در بین کاربران ایرانی محبوب شد که نسخه‌ی اصلی تلگرام توسط ایران فیلتر شده بود. توسعه‌دهنده‌های این اپلیکیشن با اضافه کردن برخی ویژگی‌های جذاب و هم‌چنین قراردادن پراکسی‌هایی درون آن نه تنها فیلترینگ اعمال‌شده روی تلگرام را دور زدند، بلکه کاربران بیش‌تری هم برای خود جذب کردند.

بررسی‌های نگارنده‌ی این یادداشت نشان می‌دهد که پراکسی‌های تلگرام طلایی در زیرساخت‌های شرکت ارتباطات زیرساخت که دروازه‌ی اصلی ورود و خروج اینترنت از کشور است، قرار داشت.

این شاید نخستین تلاش عیان ایران برای شنود گسترده‌ی مکالمات شهروندان ایرانی در سطح دروازه‌ی اصلی ارتباط با خارج از ایران بود. یکی از بندهای اساسی طرح صیانت

هم دقیقاً به همین موضوع اشاره دارد. ماده‌ی ۸ این طرح می‌گوید کمیته‌ای باید بر اجرای اصل ۲۵ قانون اساسی در گذرگاه مرزی سایبری نظارت کند.

اصل ۲۵ قانون اساسی درباره‌ی روش شنود از مکالمات و مکاتبات مردم است که می‌گوید: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق‌سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.»

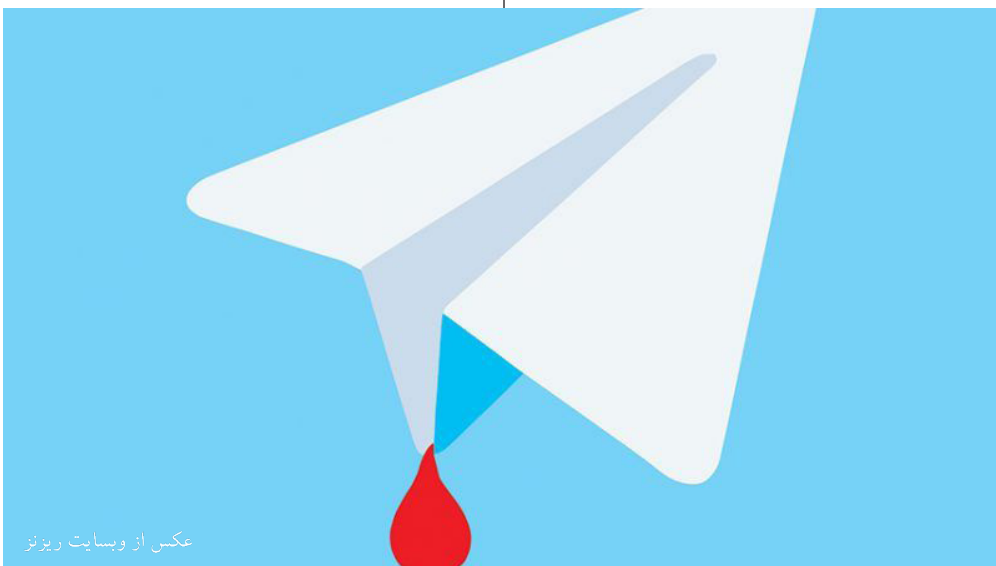
به بیان ساده با توجه به همین قانون جاری کشور شما برای شنود مثلاً یک خط تلفنی باید با مراجعه به قاضی و ارائه‌ی اسناد و مدارک کافی حکم شنود دریافت و بعد اقدام به شنود کنید.

این در حالی است که ماده‌ی ۸ طرح صیانت عملاً همین قوه‌ی

قضاییه را از روند تصمیم‌گیری درباره‌ی شنود مکالمات و مکاتبات مردم خارج می‌کند و آن را نه تنها بر عهده‌ی گروهی نظامی و امنیتی قرار می‌دهد، بلکه با اجرای آن بر سر گذرگاه مرزی که همان شرکت ارتباطات زیرساخت باشد، عملاً اجرای مورد به مورد را تبدیل به شنود گسترده‌ی تمام کاربران ایرانی می‌کند. این یعنی همان کاری که تلگرام طلایی انجام می‌داد، در سطحی بسیار گسترده‌تر انجام خواهد گرفت.

این طرح در حال عبور دادن مقامات ایرانی از اجرای سنتی سانسور و محدودیت به اجرای گسترده و بدون بندوبار شنود و جاسوسی از تمام کاربران ایرانی است.

این تنها یکی از تکه‌های پازل اینترنت ملی در ایران است. اگر سایر قسمت‌های این پازل، مانند تفکیک ترافیک داخلی و خارجی، تشویق به استفاده از ابزارها و محتوای داخلی و واگذاری شرکت ارتباطات زیرساخت از نهاد دولت به گروهی نظامی و امنیتی را روی صفحه بچینیم، خواهیم دید که این طرح تنها و تنها با هدف جاسوسی و کنترل گسترده‌ی مکاتبات و ارتباطات کاربران ایرانی طراحی شده و هیچ هدف دیگری در خود ندارد.



صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



عکس از امریکا ریتیل

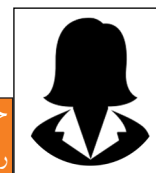
اقتصادی

■ بررسی آثار محدودیت اینترنت بر کسب و کارهای اینترنتی دست تنگ کسب و کارهای اینترنتی زیر ساطور

بسته و محدود در بستر اینترنت دارندگان رانت اطلاعاتی و سرمایه‌گذاران پشت پرده می‌توانند قدرت طراحی و عرضه‌ی اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های داخلی را به دست بگیرند. سمت عرضه‌ی این بازار به دست «خودی»‌های بانفوذ می‌افتد و سمت تقاضا که شامل کسب و کارهای نوظهور اینترنتی و مردم و مشتریان است، چاره‌ای جز تن دادن به این نمونه‌های وطنی نخواهد داشت. رانتی‌های داخلی رقبای جهانی در فضای مجازی را به شکلی اجباری حذف می‌کنند و نتیجه آن که بخش زیادی از مخاطبان برای رفع نیاز خود در شرایط اضطرار جذب پلتفرم‌های ناامن داخلی می‌شوند. گذشته از این که اپلیکیشن‌های جایگزین بومی تا امروز چقدر موفق بوده‌اند، اجبار دست کسب و کارهای آنلاین را می‌بندد. این وضعیت احتمالاً شباهت زیادی به صنعت خودرو خواهد داشت؛ صنعتی که به دلیل انحصار مطلق «مشتریان ناخواسته»‌ی زیادی دارد؛ بنابراین موافقان این تئوری

صالح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

خورشید شعیری
روزنامه‌نگار



- آیا پس پرده‌ی طرح صیانت از فضای مجازی برای جریان حامی آن منافع هنگفت اقتصادی وجود دارد؟
- رانتی‌ها چگونه و با چه روشی از طرح صیانت سود می‌برند؟
- این طرح برای مدافعان آن چه منافعی دارد؟
پاسخ به این پرسش‌ها نیاز به بررسی‌ها و تحقیقات کلان دارد، اما به نظر می‌رسد با اجرای احتمالی این طرح فضایی «انحصاری» در حوزه‌ی خدمات آنلاین شکل بگیرد. با شکل‌گیری یک فضای

معتقدند طمع مالی و انگیزه‌های اقتصادی یکی از اصلی‌ترین دلایل پافشاری جریان حامی طرح صیانت است. اما ایجاد یک شغل در ایران چقدر هزینه دارد و شبکه‌های اجتماعی چطور جای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی را گرفته‌اند؟ قطع شدن، کند شدن و اختلال در اینترنت تا به حال چقدر هزینه روی دست دولت‌ها گذاشته؟ کدام شبکه‌ی اجتماعی برای کسب و کار بین ایرانی‌ها پرفرودتر است؟

و طرح صیانت اشتغال چند نفر را تهدید می‌کند؟ این‌ها پرسش‌هایی‌ست که گزارش پیش رو در پی پاسخ دادن به آن‌هاست.

هرچه که باشد، حالا می‌توان احتمال قطع دسترسی به اینترنت را هم به انتهای صف ناامنی‌های اقتصادی اضافه کرد؛ احتمالی که می‌تواند ایران را برای همیشه از صحنه‌ی اقتصاد جهانی حذف کند و کنار کشورهایی چون ونزوئلا، زیمباوه و ترکمنستان قرار دهد؛ آن هم در روزگاری که بیش‌تر کشورهای دنیا در حال حرکت به سوی نسل جدید اینترنت و تجربه‌ی سرعت بالاتر برای کسب درآمد بهترند. قطع اینترنت می‌تواند ضلع سوم مثلث فلاکت شود؛ پس از تحریم و نرخ رشد اقتصادی نزدیک به صفر درصدد.

بسیاری این طرح را حامل «هوش سیاه اقتصادی» دانسته‌اند؛ محتوایی که حتی حدس می‌زنند روس‌ها برای ایران آماده کرده‌اند. (۱)

ایجاد یک شغل چقدر هزینه برمی‌دارد؟

اینستاگرام، تلگرام و واتساپ در روزگاری که اقتصاد نیمه‌جان ایران به گواه آمار به سختی نفس می‌کشد، دست مشاغل خانگی را گرفته‌اند. نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ بیکاری نمایشی دقیق از وضع بحرانی کسب و کار و تولید در کشور است. دی‌ماه گذشته وزیر تعاون، کار و رفاه دولت رئیسی گفت که «با یک میلیون تومان هم می‌توان شغل تولیدی ایجاد کرد». (۲) هرچند عبدالملکی توضیح نداده بود که چطور می‌توان با این میزان سرمایه شغل ایجاد کرد، اما احتمالاً اشاره‌ی او به انواع دست‌سازهای کوچک خانگی و فروش از راه اپلیکیشن‌های اینترنتی بوده. آمار وزارت صمت اما آشکارا نشان می‌دهد که ایجاد یک شغل در بخش‌های مختلف اقتصاد چقدر خرج برمی‌دارد.

آن‌طور که آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت نشان می‌دهد، میزان سرمایه‌گذاری متوسط مورد نیاز برای ایجاد یک شغل صنعتی از سال ۱۳۹۷ روند افزایشی به خود گرفته؛ به شکلی که در سال ۱۳۹۶ میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای هر

شغل در بخش صنعت معادل دویست و هشتاد میلیون تومان بوده. در سال بعد این رقم به پانصد و نود میلیون تومان رسیده و در سال ۱۳۹۸ هم با تجربه‌ی افزایش به ششصد و بیست میلیون تومان سود کرده. در سال ۱۳۹۹ این رقم جهش قابل توجهی را تجربه کرده؛ یعنی میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای هر شغل در حوزه‌ی صنعت در سال گذشته به یک میلیارد و چهارصد و هشتاد میلیون تومان رسیده. بر اساس آمار وزارت صمت متوسط سرمایه‌ی مورد نیاز برای احداث یک واحد تولید در سال ۱۳۹۹ به بیست و پنج میلیارد و پانصد میلیون تومان رسیده. (۳) همین‌طور آمار نُه‌ماهه‌ی وزارت صمت در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در بخش فلزات اساسی از هزینه‌برترین سرمایه‌گذاری‌هاست. دویست و بیست و چهار هزار میلیارد تومان تنها برای ۴۷ هزار و ۳۲۴ نفر خرج اشتغال‌زایی می‌شود؛ یعنی به ازای ایجاد هر یک شغل ۴/۷ میلیارد تومان هزینه شده. (۴) در این میان دولت رئیسی هم اعلام کرده که ایجاد یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار فرصت شغلی را تا پایان سال ۱۴۰۱ در برنامه‌ی خود دارد؛ برنامه‌ای که سخت و ناممکن به نظر می‌رسد. در چنین وضعیتی آمارهای وزارت صمت نشان می‌دهد که مشاغل خانگی که با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرند، با سرمایه‌گذاری کم‌تر از یک میلیون تومان هم می‌توانند آغاز به کار کنند و هزینه‌ای هم برای دولت ندارند.

محبوب‌ترین پلت‌فرم اینستاگرام است

تجارت آنلاین در سال‌های گذشته به کمک لشکر بزرگ بیکاران ایرانی آمده. در ده ماه نخست سال ۱۳۹۸ تعداد کسب و کارهایی که موفق به کسب «ای-نامد» (Namad-E) یا نماد اعتماد الکترونیکی شده‌اند، حدود ده هزار مورد بوده. این تعداد در همان دوره‌ی زمانی سال بعد رشد صد و نود درصدی داشته و به حدود بیست و هشت هزار مورد رسیده. رونق فضای مجازی در شرایطی رخ داده که اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ با رشد منفی ۴/۶ درصدی و همه‌گیری کووید-۱۹ مواجه بوده. این رقم به گفته‌ی عضو هیئت‌مدیره‌ی اتحادیه و انجمن کسب و کارهای‌های مجازی امروز به چهل تا پنجاه هزار نفر می‌رسد. هرچند هنوز پیمایشی که نشان‌دهنده‌ی کمیت و کیفیت حضور مردم ایران در فضای کسب و کار اینترنتی باشد، وجود ندارد، اما پایگاه داده‌ی باز ایران در یک نظرخواهی گوشه‌هایی از چند و چون حضور ایرانیان در مشاغل اینترنتی را نمایان کرده. بنا بر این نظرخواهی یک‌سوم از پاسخ‌دهندگان برای کسب درآمد از فضای مجازی استفاده می‌کنند. شصت درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند دو سال است که برای کسب درآمد در فضای مجازی حضور دارند. تاکنون اینستاگرام پراستفاده‌ترین پلت‌فرم برای کسب درآمد

حالا می‌توان احتمال قطع

دست‌رسی به اینترنت

را هم به انتهای صف

ناامنی‌های اقتصادی

اضافه کرد؛ احتمالی که

می‌تواند ایران را برای

همیشه از صحنه‌ی اقتصاد

جهانی حذف کند و کنار

کشورهایی چون ونزوئلا،

زیمباوه و ترکمنستان قرار

دهد؛ آن هم در روزگاری

که بیش‌تر کشورهای دنیا

در حال حرکت به سوی

نسل جدید اینترنت و

تجربه‌ی سرعت بالاتر برای

کسب درآمد بهترند.

صحیح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

در فضای مجازی بوده و پس از اینستاگرام وبسایت‌هایی

از جمله «دیوار» و «دیجی کالا» و اپلیکیشن‌هایی مانند تلگرام، واتساپ، و پلتفرم‌های مربوط به ارزهای دیجیتال در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در ایران زنان بیش از مردان از اینستاگرام استفاده می‌کنند؛ در حالی که مردان بیش از زنان از پلتفرم‌های مربوط به ارزهای دیجیتال، وبسایت‌هایی مثل «دیوار» و «دیجی کالا» و تلگرام استفاده می‌کنند. به طور کلی می‌توان گفت که پاسخ‌گویان به این فراخوان در هر ماه به طور متوسط حدود دومیلیون تومان از حضور اقتصادی در فضای مجازی سود می‌برند. (۵)

آن‌چه این آمار روشن می‌کند، اثر ویران‌گر قطع یا محدودیت اینترنت برای کسب‌وکارها و مشاغل خودگردان است؛ آثاری که تا به امروز هم حاکمیت ایران بارها به مصرف‌کنندگان اینترنت تحمیل کرده.

اختلال و قطع اینترنت چقدر خرج برداشته؟

هرچند کندشدن قطره‌چکانی، محدودیت و فیلترینگ اینترنت بیش از یک دهه است که گریبان حقوق شهروندی در ایران را گرفته، اما دو تجربه‌ی قطع کامل اینترنت در آبان‌ماه سال ۱۳۹۸ و کندشدن آن در دی‌ماه سال ۱۳۹۶ هزینه‌های سنگینی روی دست اقتصاد گذاشته. نایب‌رئیس کمیسیون اینترنت سازمان نظام صنفی رایانه‌ای تهران سال ۱۳۹۶ از میزان خسارت وارده به مشاغل اینترنتی در پی اختلال اینترنت گفته بود: «بنا بر اعلام بزرگ‌ترین فعالان بازار کسب‌وکارهای اینترنتی ایران آن‌ها متحمل پانصد میلیارد تومان زیان از اختلال‌های چندروزه اینترنت شده‌اند.» (۶) دبیر انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی هم همان‌زمان گفته بود که «با ادامه‌ی فیلترینگ نرم‌افزار پیام‌رسان تلگرام بیش‌تر از صد هزار فروشنده‌ی اینترنتی در سراسر کشور مشاغل خود را از دست می‌دهند» که البته احتمالاً تا امروز این پیش‌بینی تحقق یافته. پس از قطعی اینترنت در آبان ۱۳۹۸ هم فاطمه حسینی، رئیس فراکسیون فناوری و نوآوری مجلس گفته بود: «خسارت‌های مستقیم به کسب‌وکارهای حوزه‌ی فناوری تا روزانه دوهزاروپانصد میلیارد تومان برآورد شده. مجلس شورای اسلامی باید زمینه‌ی دسترسی و قطع اینترنت را طوری محدود کند که آسیب به این فضا و این زیست‌بوم به حداقل برسد.» (۷) پیش از این هم شماری از مجموعه‌های فعال در حوزه‌ی ارتباطات و فناوری اطلاعات خسارت مستقیم قطع اینترنت را حدود سه‌هزار میلیارد تومان و خسارت غیرمستقیم آن را حدود سی‌هزار میلیارد تومان اعلام کرده بودند.

حالا چند شغل تهدید می‌شود؟

تأمین معاش چند تن با اختلال در اینترنت ایران مختل می‌شود؟ هرچند آمار رسمی درباره‌ی این موضوع وجود ندارد، اما رضا الفت‌نسب، عضو هیئت‌مدیره‌ی اتحادیه و انجمن کسب‌وکارها پیش‌تر گفته بود که امروز چهل تا پنجاه میلیون کاربر روی این پلتفرم‌ها قرار گرفته‌اند و بحث تأمین معاش آن‌ها در شرایط نابه‌سامان اوضاع اقتصادی بسیار جدی است. کرونا هم به کسب‌وکارهای بسیاری لطمه وارد کرد و خیلی از مشاغل تعطیل شد.

در این شرایط افراد زیادی برای تأمین معاش به سمت

اینستاگرام رفته‌اند. تعداد افراد شاغل در اینستاگرام تا قبل از شیوع بیماری کرونا صدوپنجاه تا دویست هزار نفر بود، اما پس از پاندمی این رقم به بیش از سیصد هزار نفر رسیده و حتی رقم یک میلیون نفر هم مطرح شده. به گفته‌ی او در شرایط فعلی نمی‌شود طرح صیانت را اجرایی کرد و نباید مانند رئیس مجلس که بلافاصله با مطرح‌شدن این بحث اعلام کرده که پلتفرم‌ها مسدود نخواهند شد، امیدواری بیهوده داد و واقعیت‌ها را انکار کرد. اجرای این طرح شامل جمعیت زیادی خواهد شد که از این راه نان می‌خورند و اجرایی‌شدن آن یک جامعه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. (۸)

اختلال در اینترنت نابودکننده‌ی فرصت‌های شغلی بسیاری است؛ موضوعی که بسیاری از افراد را در سن کار نگران و ناامید کرده. شاید افزایش جست‌وجوی واژه‌ی «مهاجرت» در گوگل از سوی کاربران ایرانی درد نگرانی از قطعی اینترنت را به خوبی نشان دهد.

پانوش‌ها:

۱. ملکی، شیدا، در کلاب هاوس بررسی اثرات طرح صیانت بر اقتصاد مطرح شد: پشت صحنه اقتصادی طرح صیانت چیست؟، دیجیاتو، ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۰.
۲. وزیر کار: با یک میلیون تومان می‌توان شغل ایجاد کرد، اقتصادآنلاین، ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۰.
۳. وبسایت رسمی وزارت صنعت، معدن و تجارت، بخش آمار و اطلاعات.
۴. جزییاتی از رفتار صنعتگران در ۹ ماه ۱۴۰۰، اقتصادآنلاین، ۱ اسفندماه ۱۴۰۰.
۵. کسب و کار اینترنتی: اینستاگرام پر استفاده‌ترین پلتفرم کسب درآمد ایرانیان، پایگاه داده باز ایران، ۳ اسفندماه ۱۴۰۰.
۶. تاثیر فوری فیلترینگ تلگرام بر کسب و کارهای اینترنتی در کشور، روزنامه صمت، ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۶.
۷. قطعی اینترنت «روزانه ۲۵۰۰ میلیارد تومان» به اقتصاد آن‌لاین خسارت وارد کرد، رادیو فردا، ۱۹ آذرماه ۱۳۹۸.
۸. طرح صیانت از فضای مجازی اشتغال چند نفر را تهدید می‌کند؟، همشهری آنلاین، ۱۰ مردادماه ۱۴۰۰.



در این شرایط افراد زیادی برای تأمین معاش به سمت اینستاگرام رفته‌اند. تعداد افراد شاغل در اینستاگرام تا قبل از شیوع بیماری کرونا صدوپنجاه تا دویست هزار نفر بود، اما پس از پاندمی این رقم به بیش از سیصد هزار نفر رسیده و حتی رقم یک میلیون نفر هم مطرح شده. به گفته‌ی او در شرایط فعلی نمی‌شود طرح صیانت را اجرایی کرد و نباید مانند رئیس مجلس که بلافاصله با مطرح‌شدن این بحث اعلام کرده که پلتفرم‌ها مسدود نخواهند شد، امیدواری بیهوده داد و واقعیت‌ها را انکار کرد.

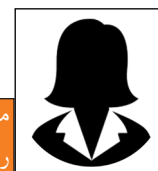
صالح

ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



اجتماعی

■ چرا حاکمیت در ایران به رژیم توتالیتئر شبیه است؟ طرح صیانت از افسانه‌ی جمهوری اسلامی



مهرنوش نوع دوست
روزنامه نگار

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

ارتباط با هیچ کس و در بی خبری از نزدیکان و عزیزانتان. چقدر می‌توانید فقط با خودتان حرف بزنید و این شرایط نامعلوم را تحمل کنید؟ ممکن است پاسخ دهید هر انسانی در این شرایط بعد از گذشت مدتی دیوانه می‌شود. چیزی که از انزوا و تنهایی در تصور ما شکل بسته، این نیست. ما حتی اگر تنها باشیم باز خودمان و تصویری از گذشته، حال و آینده‌مان و افرادی را که می‌شناسیم، در ذهن داریم. ما نمی‌توانیم مطلقاً تنها باشیم، چون برای رفع نیازهای مادی و معنوی‌مان به دیگران نیازمندیم؛ اما آن‌چه «چیرگی

تصور کنید یک روز از خواب بیدار می‌شوید و می‌بینید در اتاقی بی‌دروپنجره و بدون هیچ وسایل ارتباطی زندانی شده‌اید. هیچ کس نیست، تنهایی و نمی‌دانید چطور و چگونه آن‌جا گیر افتاده‌اید. احتمالاً مضطرب می‌شوید و سعی می‌کنید راهی به بیرون باز کنید، اما هیچ راهی نیست؛ گیر افتاده‌اید و نمی‌دانید چرا. فکر می‌کنید چند روز و چند هفته می‌توانید چنین شرایطی را تاب آورید؟ بدون

تام» توتالیتز به جامعه‌ی انسانی تحمیل می‌کند، شبیه به همان تصویری است که در آغاز آمد؛ انسان تنهایی که خودش را هم از دست داده و به «نوع بشر» تبدیل شده. شاید جمهوری اسلامی ایران نتوانسته یک جنبش یا حتی رژیم توتالیتز باشد، اما وقتی منویات و دستورالعمل‌هایش را پی می‌گیریم، درمی‌یابیم تلاش‌های زیادی کرده تا ایدئولوژی‌اش را در الگوبرداری از شوروی استالینی سامان دهد. نوشته‌ی پیش رو با نظر به «طرح صیانت از فضای مجازی» سعی در شناخت شباهت‌های جمهوری اسلامی با مشخصات حاکمیتی توتالیتز دارد.

افسانه به مثابه‌ی واقعیت

امیر کوستوریتسا، کارگردان یوگوسلاو در فیلمی با نام زیرزمین (Underground) داستان دو دوست در جنگ جهانی دوم و اشغال یوگسلاوی را روایت می‌کند که یکی از آن‌ها همراه گروهی برای ساختن اسلحه به زیرزمینی می‌روند و دیگری روی زمین می‌ماند تا از سلاح‌ها برای مبارزه استفاده کند. فردی که روی زمین مانده با فریب‌دادن آن‌هایی که زیرزمیند به تجارت اسلحه می‌پردازد و آن‌ها بیست سال تمام در جهان خیالی و دروغین زیرزمین با تصور این‌که هم‌چنان جنگ روی زمین ادامه دارد، زندگی می‌کنند. توتالیتارسیسم نیز در مقابل جامعه شبیه فیلم زیرزمین کوستوریتسا عمل می‌کند؛ یعنی تلاش می‌کند برای افراد جامعه‌اش یک واقعیت جعلی بسازد و آن‌ها را در افسانه‌ای که ساخته، نگه دارد.

جنبش توتالیتز برای تثبیت قدرت و تبدیل‌شدن به رژیم به تبلیغات نیاز دارد. این تبلیغات روی دیگر سکه‌ی ارعاب است که با استقرار نظام برای توده‌ها به تلقین تبدیل می‌شود، اما برای معامله و ارتباط با جهان غیرتوتالیتز به همان شکل باقی می‌ماند. تبلیغات جنبش‌های توتالیتز در گام نخست ساختن یک جهان غیرواقعی‌ست. این تبلیغات در ابتدای جنبش سعی دارد با منطقی علمی یا شبه علمی آینده‌ای نامعلوم را پیش‌بینی کنند. این ارجاع به زمانی فراتر از زمان در دسترس مردم هرگونه نظارت زمان حال از طرف افراد جامعه را از بین می‌برد. سعادت، پیروزی و دست‌آوردها به آینده‌ی محالی موکول می‌شود که افراد دیگر در قید نظارت یا تحقق آن‌ها نباشند. مثلاً جمهوری اسلامی با نصب یک تابلو در میدان فلسطین تهران زمان نابودی اسرائیل را مشخص کرده که فلان‌هزار روز دیگر

رخ خواهد داد. این ارجاع فرازمانی توالی قراردادی و تاریخمند زمان را به هم می‌ریزد و قصد دارد اولین سویه‌ی ارتباط با واقعیت را که سیر عقلانی و قراردادی زمان است، در ذهن افراد از بین ببرد. اولین کسی که در جنبش توتالیتز برای جعل واقعیت قدم برمی‌دارد، رهبر است. پیشوای توتالیتز که همیشه برحق است و خطاناپذیر، مقاصد خود را به صورت پیش‌گویی بیان می‌کند و واقعیت را با دروغ‌هایش تطبیق می‌دهد. هیتلر در ژانویه ۱۹۳۳ به مجلس نمایندگان آلمان اخطار داده بود: «در صورتی که سرمایه‌داران یهودی بار دیگر مردم را به یک جنگ جهانی بکشانند، پی‌آمد آن انهدام نژاد یهود در اروپا خواهد بود.» تفسیر غیرتوتالیتز این گفته می‌شود این‌که «من قصد دارم جنگ راه بیندازم و همه‌ی یهودیان اروپا را بکشم.» رهبر پیش‌گوست و همه‌ی گفته‌هایش روزی درست از آب درمی‌آید. هرچقدر هم متناقض حرف بزند، همیشه برحق است و جایی بالاتر از قانون ایستاده. پیشوای تمامیت‌خواه از واقعیت محض بیزار است و می‌خواهد افراد تحت حاکمیتش هم در جهانی افسانه‌ای و به دور از واقعیت زیست کنند تا همه‌ی دروغ‌هایش محقق شود. بنابراین توتالیتارسیسم به جهانی خیالی برای محقق‌شدن نیاز دارد.

واقعیت خصلت تصادفی دارد. تبلیغات توتالیتز سعی می‌کند این خصلت را به سازگاری منطقی بدل کند تا توده را از شر دلهره‌ی تصادف نجات دهد و آن را با واقعیتی دروغین اقناع کند. در این صورت توده آماده‌ی پذیرش هر نوع ایدئولوژی تلقین‌شده می‌شود و به شکلی ناخودآگاه سازگاری ساختگی را جایگزین تصادف می‌کند. این اشتیاق به سازگاری در شوروی استالینی با اقرارگیری و اعتراف‌های ساختگی و اجباری جا افتاد. توده‌ها دیگر نه در واقعیت، بلکه فقط در خیال و توهم احساس امنیت می‌کردند. مسئله این نبود که توده‌ها با ارعاب و خشونت به ایدئولوژی جنبش یا پیشوا معتقد شوند، بلکه موضوع از بین بردن هر نوع اعتقادی بود. در آلمان نازی تبلیغات توده را اقناع کرده بود که همه‌ی کلیمیان جهان علیه آلمان متحد شده‌اند؛ پس قبل از این‌که آن‌ها نژاد آلمانی—آریایی را از بین ببرند، باید یهودیان همه‌ی اروپا و بعد جهان را از بین برد. جمهوری اسلامی هم اسرائیل را یک تهدید بزرگ می‌داند؛ پس قبل از این‌که اسرائیل امت اسلامی را نابود کند، باید از بین برود.



ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

توتالیتراریسم با ساختن یک دشمن بزرگ جهان ساختگی‌اش را قوام می‌دهد. این جهان باید به شکلی مداوم در معرض تهدید دشمنی بزرگ باشد تا بتواند برایش خون بریزد و ارباب کند، اما برای ساختن واقعیت جعلی این جهان به سازمان‌هایی نیاز دارد تا دروغ‌های تبلیغاتی‌اش را محقق کنند. این سازمان‌ها جامعه‌ای برپا می‌کنند که اعضای آن برابر با قواعد یک جهان غیرواقعی عمل می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. «توده‌های درهم‌وبرهم هوادار که در روز انتخابات از آن‌ها استفاده می‌شود، در این سازمان‌ها دسته‌بندی می‌شوند.» این سازمان‌های هوادار به صورت ناخودآگاه نمای توتالیتار را برای جهان غیرتوتالیتار می‌پوشانند و دسترسی به آن را مختل می‌کنند؛ مثلاً بسیاری از هواداران بسیج در همین جرگه قرار می‌گیرند. جمهوری اسلامی برای راهپیمایی‌های حکومتی، تبلیغ ایدئولوژی‌اش یا در روز نیاز برای سرکوب و ارباب از آن‌ها استفاده می‌کند، اما این هواداران با نخبه‌ها و لایه‌های نزدیک به رهبر و بدنه اصلی حاکمیت متفاوتند.

گروه‌های نخبه و اصلی رژیم توتالیتار در سازمان‌های دیگری دسته‌بندی می‌شوند؛ سازمان‌های شبه‌دولتی و فرادولتی. اعضای این سازمان‌ها قدرتی بالاتر از قانون و دولت دارند، به رهبر بسیار نزدیکند و از حقیقت واقعیت جعلی مطلع، اما نسبت به رهبر جایگاهی فرو دست دارند و تحت نظارت شخص او کار می‌کنند؛ یعنی همه‌ی قدرت و اعتبارشان به شخص پیشوا وابسته است. رهبر هر زمان که بخواهد، از قدرت خودش به آن‌ها اعطا یا آن‌ها را عزل می‌کند. آن‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند جانشین رهبر باشند، چون پیشوای توتالیتار جانشین‌ناپذیر است؛ پس با این‌که مدام بر سر قدرت در کشمکشند، در حقیقت فاقد قدرتند؛ همین‌طور آن‌ها معتقدند «بدون رهبر همه‌چیز بی‌درنگ از دست می‌رود.» از طرفی دولت در توتالیتراریسم در دست افراد درجه‌ی دوم نظام است و جایگاه تعیین‌کننده و ویژه‌ای ندارد؛ پس ملتی هم نمی‌تواند در مقابلش شکل گیرد که هویتی سیاسی داشته باشد، بلکه توده‌های تحت فرمان رهبر شکل خواهند گرفت.

«هرگاه جنبشی که سازمانش بین‌المللی و پهنه‌ی ایدئولوژی‌اش فراگیر و آرزوی سیاسی‌اش جهانی باشد، قدرت را در دست بگیرد، خود را در یک موقعیت آشکارا تناقض‌آمیز می‌اندازد.» رهبر توتالیتار نیز به همین شکل

متناقض است. او باید از یک‌سو جهان ساختگی جنبش را به عنوان واقعیت زندگی روزمره جا بزند و از سوی دیگر از ایجاد هرگونه ثبات در این جهان جلوگیری کند. او همیشه در پی فتح جهان است و باید پیوسته از این آرزو محافظت کند؛ تثبیت قوانین و ایجاد ثبات این آرزو را نابود می‌کند. برای همین است که رژیم توتالیتار بی‌وقفه قانون‌های جدید وضع و آن‌ها را نقض می‌کند. اوضاع هیچ‌گاه نباید عادی باشد. عادی‌شدن اوضاع شیوه‌ای از زندگی را تثبیت می‌کند، آن را در میان ملت‌های دیگر جا می‌اندازد و قابل‌شناخت می‌کند. شناسایی جهان غیرتوتالیتار، جهان دروغین توتالیتار را درهم می‌شکند، زیرا آن را تابع قوانین بین‌الملل می‌کند و به این شکل اعتبار مطلق حاکمیت ویژه‌اش از بین می‌رود و خصلت «تام» خودش را از دست می‌دهد. «در حکومت توتالیتار قدرت به معنای رویارویی با واقعیت است و توتالیتراریسم در رأس قدرت پیوسته با مسئله‌ی فائق‌آمدن بر این تعارض روبه‌روست.» هر اطلاع‌ناچیزی از واقعیت برای چیرگی تام حاکم تهدید است؛ پس باید همه‌ی کانال‌های دسترسی به واقعیت مسدود شود تا هیچ جایگزین و مابه‌ازایی برای واقعیت جعلی وجود نداشته باشد.

حاکمیت توتالیتار با ابداع و به‌کارگیری همه‌ی این سازمان‌ها و با کمک تبلیغات و ارباب ساختار کلی جامعه را دگرگون و آن را بر افسانه‌ی خودساخته‌اش استوار می‌کند. توتالیتراریسم یا حاکمیت‌هایی نظیر جمهوری اسلامی ایران که از آن الگو برداشته، برای دوام جهان غیرواقعی‌شان به جز ارباب و سازمان به قطع ارتباط با جهان واقعی نیاز دارند. امروز که عصر اینترنت نامیده می‌شود، قطع این دسترسی بسیار دشوار است. شاید اگر استالین و هیتلر در این زمانه به قدرت رسیده بودند، نمی‌توانستند دستگاه‌های بزرگ آدم‌کشی و ارباب راه بیندازند یا شاید اگر جمهوری اسلامی از همان ابتدا دسترسی به اینترنت را مختل می‌کرد، امروز مجبور نمی‌شد طرح صیانت از فضای مجازی تصویب کند تا دسترسی به واقعیت بیرون از خودش را هم مختل کند.

تدارک نقش‌های زنده

هر فرد بسته به شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی محدوده‌ای از آزادی دارد. این محدوده‌ی آزادی را قوانین، هنجارها و عرف مشخص می‌کنند. در این

محدوده افراد با اعمال اختیار نسبت به مسایل شخصی و اجتماعی تصمیم می‌گیرند و در ارتباط با دیگران کنش و واکنش نشان می‌دهند. اعمال اختیار در بسیاری از موارد با خودانگیختگی همراه است. حتی اگر عملی به واسطه‌ی اجبار باشد، باز فرد تا حدود زیادی از آن جبر مطلع است. حاکمیت‌ها به عنوان واضع، حافظ و مجری قانون در تعیین محدوده‌ی آزادی دخیلند.

حدود آزادی یک فرد تحت سلطه‌ی حاکمیتی اقتدارگرا کم‌تر از فردی تحت سلطه‌ی یک دولت لیبرال دموکرات است. در مورد توتالیترسیم بحث محدوده‌ی آزادی منتفی است. «حکومت توتالیتر کارش تنها این نیست که آزادی‌ها را محدود کند یا آزادی‌های اساسی را از بین ببرد، بلکه در ریشه‌کن کردن عشق به آزادی از دل‌های انسان‌ها نیز توفیق می‌یابد، زیرا این‌گونه حکومت شرط لازم برای آزادی یعنی فضای لازم برای حرکت فردی را نابود می‌کند.» هدف توتالیترسیم از بین بردن ارتباط است؛ یعنی محدوده‌ای که می‌توان آزادی را در آن

معین کرد. ارتباط انسانی زمانی کاملاً قطع می‌شود که خودانگیختگی فرد از بین برود، اما توتالیترسیم چگونه در این راه موفق می‌شود؟

قدرت و اقتدار فقط در دست رهبر توتالیتر است. نزدیک‌ترین فرد به رهبر رئیس پلیس است که در جمهوری اسلامی می‌توان فرماندهان سپاه را جایگزین کرد، اما با وجود نزدیکی افرادی به رهبر در نهایت وابستگی بین دارودسته‌ی حاکمیت وجود ندارد. پیشوای توتالیتر در

رأس حاکمیت منزوی است و اطرافیانش هم به همین شکل تنهاهند. همگی با هم در جرم هم‌دستند، اما ارتباط انسانی با یکدیگر ندارند. هیتلر با شعار یک‌پیکرساختن از همه‌ی افراد جامعه توانست ارتباط انسانی را قطع کند. او می‌گفت: «من، شما باید و شما منید». این یکی‌شدن همه‌ی افراد جامعه تکثر و تمایز میان انسان‌ها را از بین می‌برد. با نابود شدن تکثر انسان‌ها دیگر

تفاوتی با یکدیگر ندارند، بنابراین نمی‌توانند کنش و واکنش فردی داشته باشند و به راحتی می‌توان آن‌ها را پیش‌بینی کرد. رژیم توتالیتر برای چیرگی تام به این پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد. به همین علت است که می‌خواهد خودانگیختگی و در نهایت ارتباط انسانی را از بین ببرد تا بتواند همه‌ی اعمال و رفتار جامعه‌ی تحت حکومتش را از پیش بداند. انزوا یکی از عوامل اصلی است که می‌تواند انسان‌ها را به توده‌ی پیش‌بینی‌پذیر مبدل کند. انسان تنها یا منزوی که دیگر بر اساس انگیزه‌های شخصی و خودانگیختگی به



عکس از نیویورک تایمز

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

پیرامونش واکنش نشان نمی‌دهد، حیوان زبان‌بسته‌ای است که هر دستوری را اجرا می‌کند. همین‌طور خودانگیختگی انسان است که باعث می‌شود او عواطفی مانند خشم و هم‌دردی از خودش بروز دهد. این عواطف انسان را به دادخواهی در برابر ظلم و ارباب وامی‌دارد، پس همه‌ی عواطف و ویژگی‌های انسانی باید در توده کشته شود تا تمام و کمال در خدمت توتالیترسیم قرار گیرد. رژیم توتالیتر انسان نمی‌خواهد، نوع بشری می‌خواهد که مرگ و

زندگی‌اش بی‌معنا باشد. توتالیتارسیم ابتدا شخصیت حقوقی افراد را می‌کشد. هیتلر و استالین به شکلی تصادفی همه افراد را، باگناه یا بی‌گناه، به اردوگاه‌های کار و مرگ می‌فرستادند. هرکسی ممکن بود به اردوگاه فرستاده شود. بسیاری از افراد نمی‌دانستند چرا و به کدام جرم مجازات می‌شوند. نظام توتالیتار با مجازات بی‌گناهان حقوق مدنی کل جمعیت کشور را نابود می‌کند. «همه باید از حقوق قانونی حتی در کشور خودشان محروم باشند.» درباره‌ی جمهوری اسلامی هم این موضوع صدق می‌کند. جرم و مجازات این‌جا تناسب ندارد. زندانی‌های سیاسی در بسیاری موارد در کنار زندانی‌های عادی نگه‌داری می‌شوند و بسیاری از جرم‌ها ناواضح و بیهوده تعریف شده؛ مثلاً اقدام علیه امنیت ملی یا فساد و فحشا به هرچیزی ممکن است نسبت داده شود و فردی که در حقیقت بی‌گناه است، مجازات شود.

چیرگی تام زمانی امکان‌پذیر می‌شود که در کنار نابودکردن شخصیت حقوقی، شخصیت اخلاقی انسان نیز از بین برود. برای انسان تحت سلطه‌ی توتالیتارسیم تصمیم‌های اخلاقی و حکم وجدان باید همیشه مشکوک به نظر برسد. افراد باید همواره سر دوراهی‌هایی قرار بگیرند که دیگران را قربانی کنند. این انتخاب‌ها رفته‌رفته همبستگی انسانی را از بین می‌برد؛ مثلاً پیرزنی در آلمان نازی باید انتخاب می‌کرد که کدام یک از پسرانش کشته شوند. کشتن شخصیت حقوقی و اخلاقی انسان او را به انزوا می‌راند، خودانگیختگی‌اش را نابود و ارتباط انسانی را مختل می‌کند. «ارباب تنها می‌تواند بر انسان‌هایی فرمان‌روایی مطلق پیدا کند که از یکدیگر و علیه هم منزوی شده باشند.» انسان‌های منزوی بی‌قدرتند؛ قدرت در اجتماع انسانی‌ست. انزوای تحمیل‌شده از سوی توتالیتارسیم با اعمال فشار بیش‌تر به تنهایی بدل می‌شود؛ تنهایی‌ای که انسان در خلوت خودش دیگر نتواند «خویش‌تنش» را بازیابد. کارکرد سلول انفرادی هم همین است. افراد آن‌قدر در انفرادی می‌مانند تا گفت‌وگوی درونی با خودشان را هم از دست بدهند. انزوا و تنهایی مطلق استعداد عمل‌کردن در انسان را از بین می‌برد و او را از اندیشه و تجربه‌کردن بازمی‌دارد. همین است که همه‌ی راه‌های ارتباطی باید مختل شود تا پروسه‌ی انزوای جامعه راحت‌تر صورت گیرد.

شباهت‌های جمهوری اسلامی با توتالیتارسیم

جمهوری اسلامی ایران را شاید نتوان در زمره‌ی

حاکمیت‌های توتالیتار قرار داد، اما در رفتار خشونت‌آمیز و غیرعقلانی‌اش می‌توان تمایل به چیرگی تام را پیدا کرد. حکومت در ایران مانند رژیم‌های توتالیتار رهبر تمامیت‌خواه دارد؛ قانون‌گریز است و با این‌که مدام در حال تصویب قانون‌های جدید و اضافه‌کردن تبصره‌های مختلف است، باز هم آن‌ها را زیر پا می‌گذارد. جمهوری اسلامی پر از دستگاه‌ها و نهادهای موازی‌ست، ساختار متشکلی ندارد و بی‌شکل است؛ هم‌چنین در جهانی افسانه‌ای زندگی می‌کند. عمل‌کردش با واقعیت مطابقت ندارد و مدام در حال جعل واقعیت توسط نهادهای فراقانونی و تبلیغات است. دشمنان بزرگی مانند آمریکا و اسرائیل دارد که باید همواره برای دفع بلای آن‌ها مردم خودش و کشورهای همسایه را ارباب کند؛ همین‌طور به دنبال تحقق امت اسلامی‌ست که هیچ معنا و مفهوم مشخصی ندارد؛ می‌خواهد شیوه‌ی حاکمیتش را به همه‌ی جهان صادر کند و کل دنیا را تحت سلطه قرار دهد؛ پس بی‌شباهت به یک رژیم توتالیتار نیست.

از این منظر می‌توان نتیجه گرفت که حاکمیت در ایران مانند توتالیتارسیم قصد دارد دسترسی مردم را از واقعیت قطع کند و ارتباط آن‌ها را در هر شکل ممکن از بین ببرد و آن‌ها را منزوی و تنها کند تا بتواند یک توده‌ی بی‌شکل و پیش‌بینی‌پذیر تحت فرمان رهبر بسازد. اینترنت بلای جان حاکمیت در ایران است. از سال ۸۸ به این‌سو این فضای مجازی و اینترنت بود که بسیاری از تجمع‌ها را علیه حکومت شکل داد. اینترنت بود که تصاویر اعتراض‌های ۹۶ را مخابره و مردم را در ۹۸ هم‌بسته کرد. این اینترنت بود که بعد از کشتار ۹۸ مادران دادخواه را به یکدیگر پیوند داد یا از نوید افکاری یک قهرمان ساخت. حاکمیت با مختل کردن دسترسی به واقعیت باید به ارباب مشروعیت ببخشد و با قطع ارتباط اجتماعی و فردی برانگیختگی و هم‌ذات‌پنداری با مرعوب‌شدگان را از بین ببرد تا جامعه نتواند حول محور دادخواهی متشکل و هم‌بسته شود. حکومت سال‌هاست می‌داند چه بلایی به جان‌ش افتاده، فقط تا امروز توان قطع کامل دسترسی مردم به آن را نداشته، اما دست از تلاش هم برنمی‌دارد.

پانوش:

۱. برای مطالعه بیش‌تر رجوع کنید به: آرنه، هانا، توتالیتارسیم، ثلاثی،

محسن، ثالث، تهران ۱۳۹۵.

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



غلام حسین رضوانی، لطف الله سیاهکلی و مهرداد گودرزوند چگینی، سه نماینده‌ی مجلس یازدهم و عضو کمیسیون مشترک صیانت

اجتماعی

■ طرح صیانت یا یک دیکتاتوری مطلق در فضای مجازی؟ گفت‌وگوی خط صلح با سه تن از اعضای کمیسیون صیانت مجلس



علی کلائی
فعال حقوق بشر

است؛ اما وقتی این وسط وزیر ارتباطات می‌گوید که نهادهای امنیتی با حکم قضات ویژه‌ی منصوب رئیس قوه‌ی قضاییه به داده‌ها دسترسی پیدا می‌کنند، (۱) فارغ از این که آیا وزیر مذکور فکر کرده با این حرف نگرانی‌ها را رفع کرده یا خیر، به نظر می‌رسد باید نگران نتیجه‌ی این طرح بود. عده‌ای از نمایندگان، از جمله مهرداد گودرزوند چگینی عضو دیگر کمیسیون مشترک صیانت نیز بر این باورند که این طرح باید به صحن علنی مجلس برگردد و در آن‌جا رویش بحث و بررسی شود. چگینی البته به خط صلح گفت که تنها

خط صلح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

گویی حرف سه عضو کمیسیون مشترک مشهور به صیانت در گفت‌وگو با ماهنامه‌ی خط صلح این است که فضای مجازی قانون ندارد و حال ما می‌خواهیم آن را صاحب قانون کنیم؛ البته لطف‌الله سیاهکلی، سخن‌گوی این کمیسیون که نام کاملش «کمیسیون بررسی طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه‌ی کاربردی فضای مجازی» است به خط صلح می‌گوید که طرح اولیه صیانت بوده و حدود سه بار هم این طرح جابه‌جا شده و بیش از هشتاد درصد تغییر کرده. این که این طرح چیست و بالاخره قرار است چه شود، مسئله‌ای

یک جلسه در این کمیسیون بوده و بعد نتوانسته در آن شرکت کند؛ حتی خواسته جایگزینی برایش معرفی کنند که چنین اتفاقی نیافتاده. از سوی دیگر اما غلام حسین رضوانی، عضو دیگر این کمیسیون به ماهنامه‌ی خط صلح می‌گوید که «بعضی‌ها به صراحت گفته‌اند که منظور ما از بررسی بیش‌تر این است که تصویب کامل را تعلیق به محال کنیم.» این به نظر آقای رضوانی با فلسفه‌ی تصویب قانون مغایرت دارد. بحث‌ها در خصوص تصویب این طرح بسیار است. این گزارش اما تلاش کرده تا مسئله را از منظر نمایندگان مجلس عضو کمیسیون صیانت دنبال کند و ببیند نظر آن‌ها چیست و تا کجا با واقعیتی که طرح می‌شود، منطبق است. در این راستا خط صلح با آقایان غلام حسین رضوانی، نماینده‌ی تهران، لطف‌الله سیاهکلی، نماینده‌ی قزوین و مهرداد گودرزوند چگینی، نماینده‌ی رودبار، سه نماینده‌ی مجلس یازدهم و عضو کمیسیون مشترک صیانت گفت‌وگو کرده و نقل قول‌ها از این سه تن است.

کسی نمی‌داند این طرح چیست!

گودرزوند چگینی، از جمله غایبان جلسه‌ی رأی‌گیری درباره‌ی «کلیات طرح نظام تنظیم مقررات فضای مجازی» می‌گوید که «این طرح باید به صحن مجلس برگردد تا مشخص شود که این طرح اصولاً چه چیزی است.» او می‌گوید «در صحن علنی مجلس است که باید روی آن اظهارنظر شود.» سخن‌گوی کمیسیون هم می‌گوید که این طرح دوسه بار عوض شده و خود او با طرح اولیه مخالف بوده. غلام حسین رضوانی که از جمله موافقان این طرح است، اما می‌گوید که «اکثریت مجلس دو بار رأی داده‌اند که این بر مبنای اصل ۸۵ قانون اساسی در کمیسیون مشترک رسیدگی بشود.» او می‌گوید که هرچه در مجلس تصویب می‌شود هم حکم قانون را دارد و بنابراین اعتراض مخالفان بی‌معناست؛ اما ظاهراً همه‌ی نمایندگان موافق این طرح بر این‌که دقیقاً به چه نسخه‌ای رأی موافق داده‌اند، اتفاق نظر ندارد. سیدعلی یزدی‌خواه، عضو این کمیسیون عنوان کرده که نمایندگان نسخه‌ی ۵ دی را تصویب کرده‌اند و اما احمدحسین فلاحی، عضو دیگر کمیسیون گفته که به طرح نسخه‌ی ۹ بهمن رأی داده. (۲)

طراحان و مخالفان؛ از مرکز پژوهش‌ها تا نمایندگان عضو و غیرعضو کمیسیون مشترک

طراحان این طرح پربحث عضو کمیسیون فرهنگی مجلسند. این را سیاهکلی، سخن‌گوی کمیسیون به خط صلح می‌گوید. از سویی دیگر گزارش‌ها از چهار فرد به عنوان متکرران این

طرح نام می‌برند: عباس مرادی، سینا کلهر، مسعود فیاضی و روح‌الله مؤمن‌نسب. دو نفر از این افراد سابقه‌ی حضور در مرکز پژوهش‌های مجلس را دارند و دو نفر دیگر هم یا در مرکز ملی فضای مجازی‌اند یا عضو جبهه‌ی انقلاب اسلامی در فضای مجازی. (۳) نکته این‌جاست که خود مرکز پژوهش‌های مجلس از مخالفان این طرح است. این مرکز در نامه‌ای به رئیس کمیسیون ویژه‌ی بررسی طرح صیانت از فضای مجازی ضمن بر شمردن اشکالات عدیده‌ی متن طرح، خواستار تخصیص زمان بیش‌تر برای اصلاح آن شده و مسائلی چون کاهش سرمایه‌ی اجتماعی نهادی، ایجاد بی‌ثباتی در قوانین و مقررات اقتصادی، به‌مخاطره‌افتادن امنیت سرمایه‌گذاری، مداخله‌ی بسیار زیاد طرح در شئون مختلف زندگی مردم، ترغیب نخبگان به مهاجرت، ابهام و شفافیت‌نبودن در مفاد و فرآیند تقنین و غیره را به عنوان اشکالات جدی این طرح ذکر کرده. (۴)

از بیرون این کمیسیون هم یکی از پرصداترین نمایندگان مخالف، جلال رشیدی کوچی، عضو کمیسیون طرح تنظیم فضای مجازی مجلس یازدهم است. او صراحتاً این طرح را تولد یک دیکتاتوری مطلق در فضای مجازی می‌داند؛ (۵) طرحی که از درون کمیسیون هم تنها یک مخالف دارد و بقیه گویی با غیبت خود در جلسه‌ی تصویب کلیات طرح مسئولیت را از دوش خود برداشته‌اند؛ مخالفی که البته بنا بر خبرها رأی‌ممتنع داده و خودش می‌گوید که تنها مخالف در جلسه‌ی کمیسیون بوده. معصومه پاشایی‌بهرام، نماینده‌ی جلفا و مرند در مجلس یازدهم خود را تنها مخالف این طرح خوانده و گفته که مخالف اصل هشتادوپنجی‌شدن طرح صیانت است و نباید فضای مجازی را محدود کرد. خبر از رأی‌ممتنع او منتشر شده و اما خود او می‌گوید که رأی مخالف داده. (۶)

اصل ۸۵، آری یا نه!

بخشی از اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید که مجلس «در موارد ضروری» می‌تواند «اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتادودوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌کند، به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آن‌ها با مجلس خواهد بود.» غلام حسین رضوانی، نماینده‌ی موافق این طرح می‌گوید که مراحل قانونی هشتادوپنجی‌شدن این طرح طی شده. به گفته‌ی او اکثریت مجلس دوبار رأی داده‌اند که این طرح «بر مبنای اصل ۸۵ قانون اساسی در کمیسیون مشترک رسیدگی بشود.» فارغ از این‌که اصولاً این «موارد ضروری»

در این جا چطور و چگونه احصا شده، معصومه پاشایی بهرام، تنها مخالف طرح در کمیسیون مشترک دلیلی را ذکر کرده که می توان بر اساس آن ها حضور این طرح در کمیسیون مشترک را به چالش کشید.

اول این که با وجود اهمیت این طرح چرا شفاف با مردم در میان گذاشته نمی شود؟

دوم این که نمایندگان می گویند «طرح سنگینی است و وقت مجلس را می گیرد. باز این جا باید گفت اگر این طرح مهم است؛ چرا مثل بودجه یک ماه شبانه روز و شفاف برایش وقت نگذاریم؟

سوم مسئله ی کارشناسی کردن طرح است. پاشایی بهرام می گوید «مگر نه این که کمیسیون تخصصی باید طرح را کارشناسی کند و پس از چکش کاری به صحن بیاورد؟ ما می توانستیم دو ماه فرصت به کمیسیون تخصصی بدهیم تا کارهای کارشناسی را به پایان برسانند.»

چهارم به نظر معصومه پاشایی بهرام ارجاع به تجربه ی پیشین، یعنی طرح جوانی جمعیت و اصل ۸۵ است که به گفته ی او موجب تسریع کار نمی شود و فضا را برای نفوذ افراد ذی نفع بیرونی باز می گذارد.»

و پنجم این که سپردن طرح به بیست و سه نفر «که گاه بدون داشتن تخصص عضو می شوند و در جلسات به صورت منظم شرکت نمی کنند، اشتباه بزرگی است.» (۷)

البته معصومه پاشایی بهرام خود پس از این اشکالات به کمیسیون مشترک پیوست و به تعبیر خودش بدل به تنها مخالف طرح صیانت شد.

و اما موافقان؛ از سخن گو تا اعضای کمیسیون مشترک

نقدی به آنان

پیش تر گفته شد که موافقان بر این که با کدام نسخه ی طرح موافقت کرده اند، توافقی ندارند؛ هم چنین سخن گوی کمیسیون مشترک اعلام می کند که طرح صیانت نیست؛ تنظیم مقررات است. سیاهکلی می گوید که این طرح قرار است «وظایف یک نهاد تنظیم مقررات برای فضای مجازی» را تعریف کند. نام این نهاد به گفته ی او «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی در شورای عالی فضای مجازی» است. این مقررات هم به گفته ی سخن گوی کمیسیون مشترک ساختار آن کمیسیون را که قرار است برای فضای مجازی مقررات بنویسد، تعریف می کند. غلام حسین رضوانی اما مفصل تر سخن می گوید. به نظر او مخالفان انصاف را رعایت نکرده و نمی کنند. او می گوید که هنوز چیزی تصویب نشده و فقط کلیاتی مطرح شده. او

ادامه می دهد که «قرار است در این زمینه قانونی داشته باشیم. وقتی هنوز معلوم نیست چه چیزی تصویب می شود، این هایی که گله دارند از چه چیزی گله دارند؟» سیاهکلی، رئیس کمیسیون هم بر این باور است که مخالفت ها بر سر این است که طرح خوانده نشده. او حتی در خصوص نمایندگان مخالف طرح در خود کمیسیون هم می گوید که «برخی از اعضای کمیسیون مخالفند و حرف هایی می زنند.»

درباره ی محتوای طرحی که این دو نماینده همراه هفده نفر دیگر به آن رأی موافق دادند، اما حرف های بسیاری وجود دارد. سیاهکلی و رضوانی، هر دو بسیاری از گمانه زنی ها را در خصوص این طرح رد کردند.

سیاهکلی به خط صلح گفته که بحث پلت فرم های خارجی و چگونگی بررسی آن ها اصلاً در این طرح وجود ندارد. رضوانی هم در برابر پرسشی در خصوص الگوی این طرح و احتمال چینی بودن آن، می گوید که مدل این طرح شبیه به ایران است؛ البته او به خط صلح گفته که هنوز چیزی تصویب نشده؛ پیش نویس اولیه است و تنها چیزی که تصویب شده هم کلیات آن است؛ اما رضوانی تمام قد از فیلترینگ دفاع می کند. او به خط صلح گفته که مخالفان «چرا مخاطبان را می پیچانند؟ اگر منظور فیلترینگ است، در تمام دنیا و تمام کشورها هروقت لازم باشد، فیلتر شده، می شود و خواهد شد.» به گفته ی او مسئله فیلترینگ در همه جای دنیا وجود دارد. «هروقت حکومت ها برایشان ضروری باشد، این کار را کرده و می کنند و خواهند کرد. ایران هم از این قانون مستثنی نبوده و نیست؛» البته او نگفت که به جز کشورهایی که در رده بندی آزادی بیان در پایین ترین رده های جهانی قرار دارند و دارای سابقه ی نقض حقوق بشرند، کدام کشورها به قول او فیلترینگ دارند و هرکاری بخواهند می کنند؛ اما به گفته ی غلام حسین رضوانی، ربط دادن این طرح به محدودیت و فیلترینگ یک دروغ و تهمت بزرگ و جاهلانه و بی انصافی است.

نماینده ی تهران و عضو کمیسیون صیانت البته در پاسخ به پرسشی در خصوص مسئله ی اینترنت و اینترنت ملی می گوید که ما امکان تفکیک از فضای بیرونی را نداریم و هم به فضای بیرونی سرویس می دهیم و هم از آن فضا سرویس می گیریم. او حتی مژده می دهد که قرار است مشکلات پهنای باند حل بشود و پهنای باند اینترنت داخلی و خارجی افزایش پیدا کند. به نظر او تمام فیلتر کردن ها و بستن ها از جمله بستن تلگرام هم به این دلیل بوده که قانونی نبوده و حال با قانونمند کردن فضای مجازی این مشکلات حل می شود.

صلح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

غلامحسین رضوانی البته نمی‌گوید که به گفته‌ی پاول دوروف، مدیرعامل سیستم پیام‌رسان تلگرام در مرحله‌ی اول پس از رد درخواست همکاری مقام‌های ایران برای «جاسوسی بر شهروندان» این کشور، این شبکه برای ساعاتی در ایران مسدود، اما بعد رفع فیلتر شده: (۸) امری که حدود سه سال بعد توسط وزیر وقت ارتباطات تأیید شد و او گفت که این مذاکرات با اطلاع دادستانی وقت کشور انجام شده.

اگر آن روندها غیرقانونی بوده، چرا برگردانده نمی‌شود و فیلترها باز و نرم‌افزارهایی چون تلگرام در اختیار شهروندان (بدون نیاز به فیلترشکن) قرار نمی‌گیرد؟ همین اتفاقات را در خصوص فیلترکردن فیس‌بوک، توئیتر و بستن کامل اینترنت در آبان ۹۸ و آنچه در تیرماه ۱۴۰۰ در خوزستان گذشت، می‌توان ردیابی کرد.

مسئله‌ی موافقان اما مشخص است. علی جدی، نماینده‌ی



عکس از خبرگزاری پانا

(۹) گام بعد در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ تلگرام فیلتر شد و معاون وقت سیاسی وزیر کشور هم گفت که «وقتی اختلالی در نظم عمومی ایجاد شود، طبیعی است که به شکل مقطعی دست به محدودیت بزنیم.» (۱۰) سرانجام هم در سال ۱۳۹۷ تلگرام به طور کلی از دسترس شهروندان ایرانی خارج شد و رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هم گفت که این تصمیم در بالاترین سطح اتخاذ شده. (۱۱)

حال با این تفاسیل و این مثال مشخص که قابل‌تعمیم به بسیاری از فیلترکردن‌ها در دو دهه‌ی گذشته و پس از ورود اینترنت خانگی به ایران است، سیاه‌کلی، رضوانی و بقیه‌ی مدافعان طرح صیانت نمی‌گویند که کجای این روندها غیرقانونی بوده که الان نیاز «ضروری» به قانون پیدا شده.

مجلس و عضو کمیسیون صیانت از موافقین کلیات این طرح پیش‌تر گفته بود که یکی از مسائل «ملزم‌ساختن شبکه‌های اجتماعی خارجی به افتتاح دفتر و معرفی نماینده‌ی قانونی در ایران است.» به گفته‌ی او اپلیکیشن‌های غیرایرانی باید از قوانین جمهوری اسلامی ایران تبعیت کنند «و به حاکمیت سایبری کشور میزبان احترام بگذارند.» غلامحسین رضوانی هم به خط صلح می‌گوید که آن‌ها ممکن است سرویس خودشان را به ایران قطع کنند و بیکاری ایجاد کنند، پس ما باید فضا را قانونمند کنیم و شبکه‌ی داخلی را تقویت کنیم؛ اما این هم تنها یادآور مذاکرات وزیر پیشین ارتباطات با مدیرعامل تلگرام و درخواست «جاسوسی بر شهروندان» است. مذاکرات با پاول دوروف جواب نداده؛ می‌خواهند با قوانین داخلی همان محتوا را عملیاتی کنند.

صلح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

چرا کمیسیون مشترک؟

چرا کمیسیونی مشترک برای این امر شکل گرفته؟ لطف‌الله سیاهکلی، سخن‌گوی کمیسیون مشترک به خط صلح جوابی داده که به نظر می‌تواند راه‌گشای پاسخ به این پرسش باشد. او گفته که ما را انتخاب کردند، چون با فضای مجازی آشنایی داریم و قانونی می‌نویسیم که دارای التهاب نباشد. به گفته‌ی او در کمیسیون تعدادی متخصص هم وجود دارند که طرح اولیه را اصلاح کردند. او ادامه می‌دهد که «به ما مأموریت داده شد با توجه به دانشی که داریم، با دیگر دوستانی که تخصص دارند، بررسی جامع‌تر انجام بدهیم. فلسفه‌ی وجودی ما هم همین است.»

التهابی که آقای سخن‌گوی کمیسیون ذکر می‌کند، احتمالاً همان اعتراضاتی است که در ماه‌های اخیر نسبت به این طرح و خطر محدودیت اینترنت در ایران شده؛ در واقع با تغییر طرح اولیه که مواردی مشخص داشت، به طرحی که قرار است نهادهی قانون‌گذار را برای فضای مجازی درست کند، به دنبال پی‌گیری همان مطالبات طرح اولیه، این بار در نهادهی جداگانه و بسته‌اند. وقتی ماده به ماده‌ی طرح در صحن علنی یا کمیسیونی که مذاکرات آن به صورت صوتی و تصویری پخش می‌شود، مطرح نشود، پس مخالفان تنها زمانی با نتیجه‌ی آن مواجه خواهند شد که کار از کار گذشته و همه‌چیز تصویب و اجرایی شده باشد. تصمیم‌گیری پشت درهای بسته برای فضای مجازی همانی است که رشیدی کوچی، نماینده‌ی مجلس یازدهم آن را «یک دیکتاتوری مطلق در فضای مجازی» خوانده.

حکایت هم‌چنان باقی است

ابتدا خبر می‌آید که حذف طرح صیانت در مجلس کلید می‌خورد، (۱۳) اما چندروز بعد احمدحسین فلاحی، عضو کمیسیون مشترک صیانت و موافق طرح می‌گوید که «با تصمیم شورای عالی فضای مجازی، مجلس به زودی طرح صیانت از فضای مجازی را در دستور کار قرار می‌دهد تا یک قانون و چارچوب برای این فضا ترسیم کند»؛ (۱۴) یعنی قصه هم‌چنان ادامه دارد. طرحی که با هدف محدودکردن کاربران، شناسایی کاربرانی که محتوایی غیر از آنچه نظام حاکم می‌خواهد، تولید و منتشر می‌کنند و حاکمیت امنیتی بر فضای مجازی در ایران آغاز شده و اما در هر گام با مقاومت مردمی روبه‌رو می‌شود؛ طرحی که ساکنان بهارستان نمی‌خواهند آن را در صحن علنی مجلس و در مقابل دیدگان شهروندان به تصویب برسانند. ابتدا آن را به کمیسیونی محدود حواله دادند و حال هم شورای عالی فضای مجازی

و تصمیم از بالاست که تعیین تکلیف می‌کند. علی خامنه‌ای روزی گفته بود که «اگر امروز رهبر انقلاب نبودم، حتماً رئیس فضای مجازی کشور می‌شدم.» (۱۵) امروز گویی منویات هم‌اوست که بالای سر فضای مجازی کشور در حال پرواز است. تأثیرگذاری فضای مجازی را در دهه‌ی گذشته به خاطر بیاورید. درمی‌یابید که چرا خامنه‌ای می‌خواهد خود رئیس فضای مجازی کشور شود؛ ریاستی که مقدماتش با طرح موسوم به صیانت در حال انجام است.

پانوش‌ها:

۱. وزیر ارتباطات: خیال مردم از حفاظت داده‌های شخصی خود راحت باشد/ نهادهای امنیتی با حکم قضات ویژه منصوب رئیس قوه به داده‌ها دسترسی پیدا کنند، اعتماد آن‌لین، ۲۳ اسفندماه ۱۴۰۰.
۲. صیانت تصویب شد، ولی نمایندگان هم نمی‌دانند چه‌چیزی را تصویب کرده‌اند، پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۳ اسفندماه ۱۴۰۰.
۳. سودایی، علی، طراحان پشت پرده‌ی «صیانت از فضای مجازی» کیستند؟، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۰ مردادماه ۱۴۰۰.
۴. علت مخالفت مرکز پژوهش‌ها با طرح صیانت از فضای مجازی چیست؟، اقتصاد نیوز، ۱ دی‌ماه ۱۴۰۰.
۵. ویدیو/ جلال رشیدی کوچی، نماینده: طرح صیانت، تولد یک دیکتاتوری مطلق در فضای مجازی است، سایت انتخاب، ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۰.
۶. معصومه پاشایی: تنها مخالف طرح صیانت در جلسه‌ی کمیسیون بودم/ طرح باید به صحن علنی مجلس برگردد، پایگاه خبر فردانوز، ۵ اسفندماه ۱۴۰۰.
۷. پاشایی‌بهرام: سپردن طرح صیانت از حقوق کاربران به بیست‌وسه نفر اشتباه بزرگی است، خبرگزاری ایمن، ۷ مردادماه ۱۴۰۰.
۸. تلگرام پس از عدم همکاری با دولت ایران موقتاً مسدود شد، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۸ مردادماه ۱۳۹۴.
۹. در حاشیه‌ی جلسه‌ی هیئت دولت مطرح شد: جهرمی: مذاکره با مدیر تلگرام صحت دارد، خبرگزاری مهر، ۲ خردادماه ۱۳۹۷.
۱۰. تلگرام فیلتر شده است؟/ طبیعی است که دست به محدودیت بزنیم، خبرگزاری ایلنا، ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۶.
۱۱. بروجرودی مطرح کرد: تلگرام تا آخر فروردین جای خود را به یک سامانه‌ی ملی می‌دهد، خبرگزاری مهر، ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۹۷.
۱۲. جدی در گفت‌وگو با آنا: شبکه‌های اجتماعی خارجی ملزم به فعالیت قانونی در ایران می‌شوند، خبرگزاری آنا، ۱۶ آذرماه ۱۴۰۰.
۱۳. حذف طرح صیانت در مجلس کلید می‌خورد، پایگاه خبری تحلیلی مثلث، ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۰.
۱۴. فلاحی: مجلس با تصمیم شورای عالی فضای مجازی به‌زودی طرح صیانت را در دستور کار قرار می‌دهد، خبرگزاری فارس، ۲۵ اسفندماه ۱۴۰۰.
۱۵. مطالبات مقام معظم رهبری در فضای مجازی چه بود و به کجا رسید؟، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۶ اسفندماه ۱۳۹۶.

صلح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



عکس از گتی ایمیج

■ حذف صدای بی‌واسطه‌ی حاشیه‌ی نتیجه‌ی طرح صیانت از فضای مجازی است صیانت از سانسور



ماندانا صادقی
روزنامه‌نگار

صلح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

اما هیچ‌کدام از این توضیحات و تأیید و تکذیب‌های بهارستانی‌ها پیرامون چگونگی اجرای طرح تا این لحظه نتوانسته افکار عمومی را راضی کند. قطع اینترنت در دی‌ماه ۹۶، آبان ۹۸ و تابستان ۱۴۰۰ در خوزستان نشان داد که شبکه‌های اجتماعی و در کل میزان دسترسی به اینترنت، هم برای حاکمیت و هم برای جامعه به یک اندازه موضوعی مهم و اساسی است.

از وقتی زمره‌ی طرح «نظام تنظیم مقررات فضای مجازی کشور»، موسوم به «طرح صیانت از فضای مجازی» شدت گرفت، متولیان این امر از رسانه‌ها و تربیون‌های مختلف در پی توضیح برآمدند؛ از ترس‌زدایی نسبت به فیلترینگ پلتفرم‌های خارجی — که عنوان می‌شود به محض معرفی نماینده‌ی رسمی در کشور دیگر فیلتر نخواهند شد — تا تعریف و تمجید از پلتفرم‌های ایرانیِ پُرکاربرد.

اما شواهد نشان می‌دهد این اشتراک در «اهمیت موضوع» را نباید به معنای اشتراک در «سود و زیان» تلقی کرد. با نگاهی به آنچه جامعه طی این چهل و سه سال حاکمیت نظام جمهوری اسلامی از سر گذرانده، به خوبی می‌توان ردپای حذف، سانسور و کنترل هر آنچه را در راستای تبلیغات و تحکیم پایه‌های ایدئولوژیک نظام نبوده، تشخیص داد؛ تاریخی که از بستن روزنامه‌های منتقد و مختلف در ابتدای انقلاب شروع شد و با سانسور کتاب

برای فهم نمونه‌های سانسور سیستمی حاکمیت در برخورد با حذف صداها، خارج از گفتمان مسلط انقلاب اسلامی پسند، در خصوص آزادی اجتماعات می‌توان نگاهی داشت به اهم فعالیت‌های حاکمیت پیش از به هم زدن تجمع‌های مسالمت‌آمیز زنان برابری‌خواه در خیابان‌های تهران یا اعتراض‌های پراکنده مردم ساکن در حاشیه‌های شهر یا اعتراض به شوری آب در آبادان (سال ۷۷) یا اعتصاب‌های پراکنده کارگری. حاکمیت با به دست گرفتن کنترل



پیش از انتشار و توقیف فیلم‌های سینمایی سینماگران ایرانی و سانسور شدید سریال‌ها و فیلم‌های غیرایرانی تا دو دهه‌ی بعد جلو آمد و با کنترل نظام‌مند جشنواره‌های کوچک و بزرگ فیلم و تئاتر و موسیقی و شعر و داستان در سراسر کشور گسترش یافت؛ نظام کنترل‌گری که حتی تصویر آلات موسیقی را از صفحه‌ی تلویزیونی حذف کرد و نهایتاً به جرم‌انگاری از ابزارهایی مانند ویدیو و ماهواره و غیره رسید.

خروجی این تاریخ طولانی بگیروبندهای فضای توزیع و گردش اطلاعات از طریق رسانه (مخصوصاً رسانه‌های تصویری و کاغذی) تاکنون چیزی به حذف صدای منتقد و مخالف نبوده.

رسانه‌ها از طریق سانسور، ارباب و حتی به کارگیری نیروهای امنیتی یا دولتی در قالب مدیرمسئول یا صاحب امتیاز توانست یک مانع جدی برای پیوند میان بخش‌های مختلف اجتماعات معترض و منتقد به وجود بیاورد که احتمال یک‌صدایی آن می‌رفت.

افشای بخش بزرگی از آرشیو دیده‌نشده‌ی صداوسیما در فضای مجازی مؤید سانسور گسترده‌ی صداها، مختلف جامعه از ابتدای انقلاب توسط آمران یکسان‌سازی است؛ از ممنوعیت صدا و تصویر دختر جوانی که در رابطه با «رأی به قانون اساسی» اظهار نظر می‌کند تا سانسور سخنرانی‌های مقام‌های بالای نظام که بعد از چنددهه اظهارنظرهای اولیه‌شان مناسب شرایط پس از پیروزی و استحکام انقلاب

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

تشخیص داده نشد! از تبلیغ بر اعتراف‌های اجباری و ساختگی تا خاموشی برنامه‌ی پُربیننده‌ی «۹۰» همه مشمول قاعده‌ی کنترل ابزارهای رسانه‌ای توسط نظامند.

از همین روی می‌توان به خوبی دریافت که مشکل طراحان «طرح صیانت از فضای مجازی» نه پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، واتس‌آپ و تلگرام و توییتر است، بلکه مشکل صداهایی است که از طریق این پلتفرم‌ها فرصت بیان پیدا می‌کنند و به عرصه‌ی عمومی کشیده می‌شوند؛ صداهایی که مورد پسند حاکمیت نیستند و می‌کوشد به هر وسیله‌ای از انعکاس این صداها جلوگیری کند.

در حالی که تقریباً تمامی افراد وابسته به نهادهای دولتی و حاکمیتی در پلتفرم‌های خارجی حضوری فعال دارند و از مسیر همین پلتفرم‌ها به تبیین ارزش‌ها، دیدگاه و برنامه‌های نظام می‌پردازند.

به یقین می‌توان گفت واهمه‌ی حاکمیت از در کنترل نبودن پلتفرم‌هایی که قابلیت «شبکه‌سازی»، «همبستگی» و «همراهی» آحاد جامعه با یکدیگر را دارند، دلیل اصلی طراحان بهارستان برای کنترل فضای مجازی است تا با به‌انقباد آوردن آن —همچنان که بر سر دیگر ابزارها، موضوعات و مفاهیم آورده‌اند— پیوستگی صداهای مختلف حول یک موضوع واحد را خاموش کنند؛ چنان‌چه در دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و تابستان ۱۴۰۰ کردند.

بررسی تاریخ پُرفرازونشیب سانسور و کنترل نشان می‌دهد که با پیشرفت تکنولوژی و به‌وجود آمدن شبکه‌های اجتماعی غیردولتی و بیرون از دایره‌ی تصمیم‌سازی‌های دولتی، نظام را هربار وادار می‌کند تا هر دوره‌ای با پلتفرم‌های نوظهور همان دوره برخورد حذفی، کنترلی و دستورالعملی داشته باشد و از قرار معلوم در این دوره می‌خواهد کمربند دور فضای مجازی و رسانه‌ای کشور را چنان تنگ کند که جای یک لقمه‌ی اضافه‌تر در آینده را هم نداشته باشد.

با نگاهی به ترکیب «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» که تشکیل شده از مرکز ملی فضای مجازی، دادستانی کل کشور، ستاد کل نیروهای مسلح، وزارت ارتباطات، وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی به خوبی می‌توان از اهداف پیدا و پنهان سیاست‌گذاران این طرح رمزگشایی کرد.

اجرای شدن این طرح که نه تنها صاحبان کسب‌وکارهای تجاری اینترنتی را با خطر جدی حذف از بازار و کاهش

شدید سطح تجارت مواجه می‌کند، دایره‌ی اظهارنظر، بازگویی شرایط زیست روزانه‌ی مردم در نقاط دورافتاده توسط کنش‌گران مدنی و گزارش‌دهی اهالی بومی مناطق را به شدت تنگ خواهد کرد.

مردم بی‌رسانه‌ای که به دلیل سکونت در مناطق دورافتاده و بی‌نصیبی از انواع امکانات رسانه‌ای مرکز محور از داشتن هرگونه حمایت رسانه‌ای بی‌بهره‌اند و در نبود نهادهای مستقل مدنی، آزاد، متمکن و غیره نه تنها هیچ راهی به اخبار رسمی ندارند، (چراکه رسانه‌های دولتی عامدانه در پی سانسور تصویرشانند) این بار به تمامی از شانس دیده‌شدن محروم می‌شوند.

حذف و سانسور فضای مجازی، کنترل کاربران و همین‌طور جرم‌انگاری از فیلترشکن‌ها و برخی از پلتفرم‌ها اگر تنها راه حل دولت و نظام برای سفیدنمایی وضع موجود و یکسان‌سازی صداهای داخلی است، به همان نسبت تیر خلاصی است بر بدن نحیف آزادی بیان و گردش اطلاعات؛ چراکه همین پلتفرم‌های همگانی با قابلیت‌های ساده، اما فراگیرشان طی این سال‌ها توانسته‌اند از برخی موضوعات به شدت تکراری در مناطق ناآشنا برای سایر نقاط کشور (مانند کولبری، سوخت‌بری، مرگ در جاده‌های غیرایمن و غیره) صدای واقعی، بی‌واسطه و بدون روتوش این مناطق را تبدیل به موضوعات روز کشور کنند؛ از خانه‌ای که آسیه را به کام مرگ کشاند تا نحوه‌ی امداد رسانی نهادهای دولتی در جریان سیل و زلزله، مدیون فضای مجازی و دست‌هایی است که منتظر قلم و دوربین مرکز نشین‌ها نشدند.

صیانت از فضای مجازی به عبارتی صیانت از مأموری است که بر کودک و نوجوان غیزانی‌ای تیر ساچمه‌ای شلیک می‌کند و سینه‌ی نوجوان معترض بنزین را در خرمشهر با گلوله‌ی واقعی نشانه می‌گیرد.

صیانت از فضای مجازی صیانت از فضایی است که دیگر نمی‌خواهد بقیه‌ی کارگران، مانند کارگران هفت‌تپه آن را به نفع خودشان و جنبش فسادستیزی تغییر بدهند.

ایجاد اختلال در فضای مجازی و پایین آمدن سرعت اینترنت اگر در کاهش فروش مانتو و لایک‌های سلبریتی‌ها خسارت‌های جبران‌ناپذیر می‌گذارد، صدای شهروندان بایکوت‌شده و روستاییان فراموش‌شده را به کلی حذف و خاموش خواهد کرد.

صباح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



اجتماعی

می‌خواهند فضای مجازی در ایران کاملاً رها باشد تا بتوانند نقشه‌های خود را در این حوزه اجرایی کنند».

هم‌زمان تصویری از حسین رونقی در فضای مجازی منتشر شد که نشان می‌داد در پی بازداشتی دوهفته‌ای و اعتصاب غذایی هشت‌روزه در اعتراض به این بازداشت با بدنی نحیف بر تخت بیمارستان دراز کشیده.

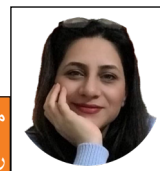
حسین رونقی فعال سیاسی و از مدافعان حقوق بشر و آزادی اینترنت در ایران است که پیش‌تر نیز به دلیل فعالیت مدنی خود چندین سال را در زندان سپری کرده بود.

هراس حاکمیت از آگاهی و اطلاع‌رسانی از طریق فضای مجازی به دوران رونق وبلاگ‌نویسی در ایران بازمی‌گردد. در روزهایی که هیئت نظارت بر مطبوعات یکی پس از دیگری روزنامه‌هایی را که خطر قلم‌زهای حاکمیت رد می‌کردند، تعطیل می‌کرد، شماری از روزنامه‌نگاران تصمیم گرفتند از فضای دیجیتال برای نوشتن استفاده کنند. از آن روزگار تا امروز هرچه فضای سانسور، حذف و محدودسازی جریان آزاد اطلاعات از سوی حاکمیت تنگ‌تر شده، جامعه مدنی و نهادهای مدافع آزادی بیان در داخل و خارج از ایران تلاش خود را برای مبارزه با این تحدید افزایش داده‌اند؛ مبارزهای که گاه هزینه‌ای گزاف برایشان داشته.

■ طرح صیانت از فضای مجازی و پیروزی جامعه مدنی در مبارزه با سانسور و فیلترینگ

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

مریم دهکردی
روزنامه‌نگار



مرتضی آقاهرانی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی می‌گوید «محکم پای طرح صیانت ایستاده‌ایم»، چراکه به ادعای او در تمام کشورها قوانینی جهت «مدیریت فضای مجازی» در نظر گرفته شده.

او روز جمعه ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۰ در همایش «جهاد تبیین، راهبردها، موانع و راهکارها» گفت که در کشور ما «تبیین» در زمینه فضای مجازی «بسیار ضعیف» است و «دشمنان مختلفی

قصه از کجا شروع شد؟

در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی و در بازه‌ی زمانی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ روند فیلترکردن سایت‌های اینترنتی و برخورد با وبلاگ‌نویسان و افرادی که از بستر اینترنت برای تولید محتوا استفاده می‌کردند، شدت پیدا کرد.

خبر بازداشت و زندانی‌شدن سینا مطلبی، روزنامه‌نگاری که در وبلاگی با نام «وبگرد» مطالبی را منتشر می‌کرد، شوک‌آور بود. دیری نگذشت که یازده روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نویس دیگر به صورت دسته‌جمعی توسط مأموران وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه بازداشت و روانه‌ی خانه‌های امن سپاه شدند. پرونده‌ی آن‌ها به «پرونده‌ی وبلاگ‌نویسان» (۱) مشهور شد و برخی از آن‌ها، از جمله امید معماریان، فرشته قاضی و روزبه میرابراهیمی بعد از آزادی ناچار به ترک ایران شدند، چراکه برای مدت‌های مدید تحت فشار و آزار و اذیت نهادهای امنیتی بودند.

این‌ها همه اما در سایه‌ی انکار سانسور و فیلترینگ مقامات جمهوری اسلامی رخ می‌داد. در همان سال‌ها محمد خاتمی در جریان کنفرانس جهانی «جامعه‌ی اطلاعاتی» که سال ۱۳۸۲ در ژنو برگزار شده بود، در پاسخ به سؤال خبرنگاران گفت که «در ایران سانسور وجود ندارد»؛ در حالی که در همان زمان بسیاری از وبسایت‌های خبری سیاسی خارج از کشور در ایران فیلتر بودند. **اعتراضات ۸۸، نقطه‌ی عطف دشمنی حاکمیت با فضای**

مجازی

خردادماه ۱۳۸۸ جان شهروندان ایران از پس یک دوره‌ی چهارساله‌ی ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد به لب آمده بود. کاربران فضای مجازی فعال‌تر از همیشه از همه‌ی پلتفرم‌های موجود برای تشویق شهروندان به شرکت در انتخابات استفاده می‌کردند.

نامزدهای ریاست جمهوری آن دوره صفحاتی در این وبسایت راه انداخته و مبارزات و تبلیغات انتخاباتی خود را به فضای مجازی کشانده بودند. آن‌ها بر این باور بودند که در فضای محدود و بسته‌ی ایران از منظر آزادی بیان، تکنولوژی امکان گسترده‌تری به آن‌ها می‌دهد تا نظرات و برنامه‌هایشان را به جامعه ارائه کنند. سوم خردادماه همان سال و بیست روز پیش از برگزاری انتخابات رسانه‌ها از فیلترشدن شبکه‌ی تازه‌تأسیس و پرطرفدار فیسبوک در ایران خبر دادند. (۲)

خبرگزاری ایلنا در این باره گزارش داده بود که دستور فیلترینگ سایت فیس‌بوک و یوتیوب از سوی «کمیته‌ی مصادیق» متشکل از نمایندگان از وزارت اطلاعات، وزارت کشور و قوه‌ی قضاییه صادر شده.

حسین رونقی، فعال مدنی و وبلاگ‌نویس شناخته‌شده‌ی ایرانی

که این روزها یک‌بار دیگر توسط نهادهای امنیتی ربوده و به مکان نامعلومی منتقل شده بود، یکی از کسانی است که پیش از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ با نام مستعار «بابک خرم‌دین» وبلاگ می‌نوشت. او مسئول گروه «ایران پروکسی» بود؛ گروهی که فهرستی از وبسایت‌ها را برای عبور از فیلترینگ تهیه و از طریق ایمیل به افراد ارسال می‌کردند.

حسین رونقی به دلیل فراهم‌آوردن زمینه‌هایی برای عبور از سد فیلترینگ و تلاش گسترده‌اش برای مبارزه با سانسور به اقدام علیه امنیت ملی متهم و به پانزده سال زندان محکوم شد؛ محکومیتی که شش سال آن به اجرا در آمد.

همان روزها روزنامه‌ی فاینشال تایمز در گزارشی نوشته بود که از جمعیت هفتادمیلیونی ایران بیست‌ویک‌میلیون نفر به اینترنت دسترسی دارند و این پتانسیل خوبی برای افزایش مشارکت شهروندان در انتخابات محسوب می‌شود.

۲۳ خرداد ۱۳۸۸ انتخابات برگزار و نتیجه اعلام شد. خیابان‌ها مملو از رأی‌دهندگانی بود که رأیشان شمرده نشده بود. ۲۵ خرداد تصاویر یکی از عظیم‌ترین راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز شهروندان ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در شبکه‌های اجتماعی و سایت‌ها دست‌به‌دست می‌شد.

اینترنت و ابزارهای نوین ارتباطی حالا بازوی کمکی نیروهای مخالف حاکمیت در ایران بودند؛ فضایی برای هماهنگی زمان و مکان اعتراضات و انعکاس خشونت دولتی علیه معترضان در جهان و آگاه‌سازی شهروندان ایرانی نسبت به آن‌چه در داخل کشور می‌گذرد.

در این دوره و با گسترده‌شدن مانیتورینگ و رصد کاربران در فضای مجازی شماری از فعالان مدنی در داخل و خارج از ایران وارد عمل شدند. ساخت فیلترشکن و پروکسی‌های امن و آموزش دستورالعمل‌هایی برای حفظ هویت و امنیت کاربران توسط فعالان فضای مجازی و مدنی از اقدامات مؤثر در مبارزه با سانسور و سرکوب گسترده‌ی حاکمیت بود.

پنج ماه پس از انتخابات در آبان‌ماه ۱۳۸۸ دامنه‌ی تأثیرگذاری اینترنت و فعالیت فعالان فضای مجازی از تسلط آن‌ها بر جو سیاسی ایران خبر می‌داد؛ تا آن‌جا که نهادهای سرکوب با صرف هزینه‌های کلان «گشت‌های اینترنتی» به راه انداختند.

اگرچه در آن‌زمان سرهنگ مهرداد امیدی، رئیس پلیس جرایم اینترنتی آگاهی هدف از راه‌اندازی این گشت‌ها را «مبارزه با کلاهبرداری‌های اینترنتی» اعلام کرد، اما چنین به نظر می‌رسید که این گشت برای مبارزه با فعالان سیاسی و فضای مجازی تشکیل شده.

در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۸۹ نیروی انتظامی به بهانه‌ی ترور مسعود

علی محمدی، فیزیک‌دان و یکی از دانشمندان هسته‌ای ایران اقدام به راه‌اندازی پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) کرد. به گفته‌ی سردار اسماعیل احمدی‌مقدم، فرماندهی وقت نیروی انتظامی ایران پلیس فتا برای مبارزه با «اقدامات تروریستی که از طریق فضای مجازی صورت می‌گیرد»، راه‌اندازی شده بود.

احمدی‌مقدم با اشاره به نقش شبکه‌های اجتماعی در اعتراضات پس از انتخابات ۱۳۸۸ بر «تحمیل هزینه‌های بسیار بر ایران» توسط این شبکه‌ها تأکید کرد.

دهه‌ی نود و سرنوشت مبارزان عرصه‌ی دیجیتال

چند ماه بعد از روی کار آمدن دولت حسن روحانی، در حالی که او بیش از دولت‌مردان دیگر بر آزادی اینترنت در ایران و مخالفت با فیلترینگ تأکید می‌کرد، سرکوب مبارزان و فعالان در فضای مجازی آغاز شد.

ابتدا اعضای وب‌سایت «نارنجی»، یکی از سایت‌های پرطرفدار در زمینه‌ی اخبار مربوط به دنیای فن‌آوری و ابزارک‌ها (گجت‌ها) توسط سپاه پاسداران کرمان بازداشت شدند و فعالیت این وب‌سایت تعلیق شد. (۳)

سپاه ثارالله کرمان پس از دستگیری علی‌اصغر هنرمند، عباس واحدی، علیرضا وزیری، نسیم نیک‌مهر، ملیحه نخعی، محمدحسین موسی‌زاده و سارا سجادی‌پور، از اعضای فنی و نویسندگان سایت «نارنجی» از بازداشت تعدادی دیگر از فعالان اینترنتی و هک‌کردن برخی سایت‌های دیگر که تحت عنوان «خواهرخوانده‌های نارنجی» از آن‌ها یاد می‌شد، خبر داده بود.

صدا و سیمای مرکز کرمان نیز ویدیویی از اعترافات اجباری این افراد تهیه و پخش کرد که در آن هدف از راه‌اندازی سایت «نارنجی» «براندازی نرم نظام» عنوان شد و اعضای آن متهم شدند که «از شبکه‌های جاسوسی خارجی» پول دریافت کرده و آموزش دیده‌اند. در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی نرم‌افزار تلگرام فیلتر شد، زمزمه‌هایی برای فیلترینگ اینستاگرام مطرح شد و اجرایی‌شدن طرح اینترنت ملی، یادگار دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در دستور کار قرار گرفت.

پایان ماجرا و طرح صیانت

در آبان‌ماه ۱۳۹۸، در پنجمین روز از اعتراضات گسترده‌ی مردم ایران به گرانی بنزین که اندک‌زمانی پس از آغاز سیاست‌های کلان‌اداری کشور را هدف گرفته بود، حاکمیت چاره را نه در محدودسازی اینترنت که در قطع کامل آن دید.

اما هم‌زمان نهادهای سرکوب برای مهار اعتراضات و جلوگیری از ارتباط معترضان با یکدیگر در داخل و نیز با خارج اینترنت را قطع کردند. کارشناسان فن‌آوری‌های اینترنتی و جامعه‌ی مدنی به فکر راه‌های گریز از این وضعیت بودند.

مهدی‌یحیی‌نژاد، یکی از کارشناسان فناوری اینترنت و از توسعه‌دهندگان تکنولوژی «توشه» یکی از این افراد است. تکنولوژی «توشه» یک بستر توزیع اطلاعات دیجیتال است که به صورت یک‌طرفه اجازه می‌دهد اطلاعات آفلاین از طریق ماهواره دریافت شوند. این روش برای کسانی که ماهواره‌ی تلویزیونی دارند، پلتفرمی کارآمد در زمان قطعی اینترنت است.

مدافعان طرح «صیانت از کاربران در فضای مجازی» می‌گویند این طرح به دنبال فیلترینگ اینترنت نیست. مخالفان این طرح این اظهارنظر را تأیید می‌کنند و بر این باورند که این طرح ممکن است یک هدف معین را دنبال کند: راه‌اندازی شبکه‌ای در داخل کشور که در آن کاربران بتوانند با هم مرتبط باشند، اما همه‌ی محتوای ردوبدل‌شده در بستر این شبکه مانیتور شود.

این شیوه‌ی ایده‌آل استفاده از فضای مجازی در نظام حاکم بر ایران است؛ نظامی که رهبر آن بارها فضای مجازی را «واقعاً ول» و «رها و بدون قیدوبند» توصیف کرده و نهادهای مسئول در این باره را مورد انتقادهای شدید قرار داده.

این روزها گزارش‌هایی از کندترشدن هرروزه‌ی اینترنت در ایران منتشر می‌شود. برخی از متخصصان حوزه‌ی فن‌آوری این گمانه‌زنی را مطرح می‌کنند که احتمالاً نوع تازه‌ای از مسدودسازی در حال اجراست. جامعه‌ی مدنی و گروه‌هایی که در طول دو دهه‌ی گذشته برای دورزدن فیلترینگ و سانسور در ایران شبانه‌روزی تلاش کرده‌اند، هم‌چنان مشغول به کارند. متخصصان حوزه‌ی اینترنت امروز به سطحی از فناوری رسیده‌اند که با قاطعیت می‌گویند مسدودسازی دائمی فیلترشکن‌ها ناممکن است.

امین ثابتی، متخصص امنیت دیجیتال پیش‌تر در گفت‌وگو با رادیو فردا گفته «تنها راهی که یک دولت می‌تواند دسترسی به فیلترشکن‌ها را به صورت کامل قطع کند، قطع کامل دسترسی کاربران به اینترنت جهانی است که از نگاه من اتفاق افتادن آن به صورت دائمی تقریباً نزدیک صفر است، زیرا هزینه‌های سیاسی و اقتصادی آن بسیار زیاد است» (۴) و این یعنی پیروزی مدافعان آزادی بیان بر سیاست‌های سرکوب.

پانوش‌ها:

۱. رئیس دادگستری تهران اعلام کرد بازداشت شدگان پرونده «وبلاگ نویسان» جرمی مرتکب نشده بودند، رادیو فردا، ۶ اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۸۴.
۲. دولت ایران وبگاه «فیس‌بوک» را فیلتر کرد، دوپچه‌وله، ۳ خردادماه ۱۳۸۸.
۳. سپاه هفت عضو وب‌سایت نارنجی را دستگیر کرد، دوپچه‌وله، ۱۲ خردادماه ۱۳۹۲.
۴. ثابتی، امین، آیا حکومت ایران می‌تواند فیلترشکن‌ها را برای همیشه مسدود کند؟، رادیو فردا، ۲۸ اسفندماه ۱۴۰۰.



سپاه ثارالله کرمان پس از دستگیری علی‌اصغر هنرمند، عباس واحدی، علیرضا وزیری، نسیم نیک‌مهر، ملیحه نخعی، محمدحسین موسی‌زاده و سارا سجادی‌پور، از اعضای فنی و نویسندگان سایت «نارنجی» از بازداشت تعدادی دیگر از فعالان اینترنتی و هک‌کردن برخی سایت‌های دیگر که تحت عنوان «خواهرخوانده‌های نارنجی» از آن‌ها یاد می‌شد، خبر داده بود.

صباح

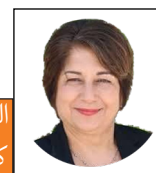
ماهانامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



■ طرح صیانت و نقض حقوق انسانی کاربران اقتدارگرایی دیجیتال

همه‌ی شهروندان نکرد. در بسیاری از کشورها این حق در روح کلی ماده‌ی ۲۱ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و به مثابه‌ی حق بنیادین به زندگی و آزادی تعبیر می‌شود؛ هم‌چنین در این زمینه که دست‌یابی به اینترنت امری کلیدی برای دست‌یابی به حقوق اولیه، از جمله حق زندگی، آزادی عقیده و بیان، آزادی کار و تحصیل است، متون غنی‌ای وجود دارد. حق دسترسی به اطلاعات و اینترنت باید بر شفافیت استوار باشد. شفافیت اهمیت زیادی در تقابل قدرت دولت‌ها و شرکت‌های کلان و قدرتمند تکنولوژی دارد و یکی از گفتمان‌های پیچیده‌ی دنیای امروز است؛ چراکه شرکت‌های کلان تکنولوژی می‌توانند بسیاری از حقوق انسانی را نقض

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



الهه امانی
کنش‌گر حقوق زنان سازمان ملل متحد

حق دسترسی به اطلاعات و اینترنت آزاد به مثابه‌ی یکی از حقوق بنیادین و زمینه‌ساز برای دست‌یابی به حقوق انسانی در جهان امروز و عصر تکنولوژی اطلاعاتی به شمار می‌رود. در سال ۲۰۱۶ اجلاس عمومی سازمان ملل دسترسی به اینترنت را به مثابه‌ی یک حق انسانی به رسمیت شناخت و قطع‌نامه‌ای در این زمینه صادر کرد. این قطع‌نامه اگرچه شور و شعف زیادی در جهان به وجود آورد، اما اشاره‌ای به مسئولیت دولت‌ها درباره‌ی لزوم برخورداری از این حق برای

کنند، افکار عمومی را شکل دهند و بر انتخابات تأثیر بگذارند، حریم خصوصی شهروندان را محترم نشمارند، اطلاعات نادرست را در سطح میلیونی اشاعه دهند و امنیت کاربران را دچار اختلال کنند. رویارویی مایک زاکربرگ، از کمپانی فیسبوک و سنای امریکا در زمینه‌ی توجه‌نکردن به امنیت کودکان و آسیب‌های روانی در اینستاگرام از این جمله این تقابل‌هاست.

این امر که گفته می‌شود تکنولوژی اطلاعاتی و اینترنت به مثابه‌ی هوایی است که ما تنفس می‌کنیم و برای چهارمیلیارد و شصت و شصت میلیون نفر از مردم جهان که کاربران فعال شبکه‌ی مجازی اینترنتند، با زندگی آن‌ها درهم‌تنیده شده، اما باید اشاره کرد که امروزه سه میلیارد و هفتصد میلیون نفر دسترسی به اینترنت ندارند و اکثریت آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. تنها چهل و هشت درصد از زنان جهان به اینترنت دسترسی دارند. حقوق انسانی در زمینه‌ی برخورداری از تکنولوژی دیجیتال یکی از چالش‌برانگیزترین عرصه‌های حقوقی انسانی در فضای مجازی است. تکنولوژی دیجیتال تنها محدود به استفاده از اینترنت و فضای مجازی نیست، بلکه دربرگیرنده‌ی رویارویی انسان‌ها با تمام کاربردهای تکنولوژی است. فضای دیجیتال و آنلاین فقط به فضاهایی چون پلتفرم‌ها، سایت‌ها، رسانه‌های اجتماعی و بلاگ‌های شخصی محدود نیست، بلکه دربرگیرنده‌ی فضاهایی نیز است که تعامل بین انسان‌ها و تکنولوژی و کنترل کاربران را تسهیل می‌کند؛ مانند بیت‌فیت‌ها، دوربین‌های نظارتی، نرم‌افزارهای بایومتریک و غیره. حقوق دیجیتال توسط اقتدارگرایی دیجیتال نقض می‌شود. اقتدارگرایی دیجیتال بر خلاف اقتدارگرایی و سرکوب‌گری سنتی که اعمال زور، کنترل و سرکوب با ابزارهای صاحبان قدرت سیاسی و نظامی صورت می‌گرفت، از آخرین دست‌آوردها و نوآوری‌های دیجیتال برای فیلترینگ و نقض حقوق انسانی دسترسی به اطلاعات، نقض آزادی بیان، عقیده و اجتماعات در فضای مجازی بهره می‌گیرد.

نقض حقوق دیجیتال هم توسط دولت‌ها و هم پلتفرم‌های اینترنتی صورت می‌گیرد. این امر به صورت فزاینده‌ای هر سال بیش از پیش توسط دولت‌ها با صرف هزینه‌های کلان برای سرکوب هرگونه دادخواهی و پاسخ‌گودانستن دولت‌ها انجام می‌گیرد؛ برای مثال در سال ۲۰۱۹ در گزارش سایت بین‌المللی تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات شرق و

جنوب آفریقا آمده که در خلال سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۹ بیش از بیست کشور آفریقایی دستور به اختلال، بستن و قطع شبکه‌ی اینترنت داده و کاربران را از دسترسی به سایت‌ها و رسانه‌های اجتماعی محروم کرده‌اند؛ در برخی موارد از نقل و انتقال پول نیز جلوگیری کرده‌اند و در برخی دیگر از کشورها آزادی بیان در فضای مجازی یا حضور افراد در رسانه‌های اجتماعی تحت عنوان «تهدید برای امنیت ملی» جرم‌انگاری شده. علاوه بر فیلترینگ واژه‌ها، مفاهیم، عبارات و سایت‌ها، اپلیکیشن‌های تشخیص چهره و سایر سیستم‌های نظارتی که حریم خصوصی افراد را نقض می‌کنند، نارسایی‌های تکنیکی نیز دارند؛ از جمله این‌که افراد سیاه‌پوست را به درستی شناسایی نمی‌کنند که در مواردی منجر به اذیت و آزار و حتی حبس نادرست افراد شده.

به جرات می‌توان گفت که در همه‌ی کشورهای جهان دولت‌ها به میزانی فیلترینگ و سانسور در فضای مجازی را در حیطه‌ی قدرت خود دارند، اما در این عین حال توجه به این مسئله مهم است که با چه نیت سیاسی و با چه استراتژی‌هایی دست‌یابی کاربران به شبکه‌ی اینترنت محدود یا قطع می‌شود. آیا با نیت حفظ منافع و سلامت اکثریت کاربران صورت می‌گیرد یا برای خاموش کردن ندای حق‌طلبانه‌ی کاربران و نقض حقوق آن‌ها در برخورداری از آزادی بیان و عقیده؟ سانسور اطلاعاتی که به سود صاحبان قدرت و دولت‌ها نیست، با سیاست‌های اقتدارطلبانه در فضای مجازی یکی از رشدیابنده‌ترین روندها برای سرکوب خیزش‌های اجتماعی است، زیرا نهادهای مدنی و سیاسی در سطح جهان حضور سنگینی در فضای مجازی دارند. از این رو آن‌چه ماهیت فیلترینگ را تعیین می‌کند، این است که آیا فیلترینگ با نیت و استراتژی‌های اخلاقی، تجاری، سیاسی و اقتصادی گرفته شده و آیا کارشناسانه بوده؟ آیا صیانت کاربران را مورد حمایت قرار داده؟ میزان دموکراسی در جامعه و رابطه یا شکاف دولت با ملت، بستری است که می‌توان به این سؤالات در آن پاسخ داد.

پژوهش‌ها در زمینه‌ی اختلال و قطع شبکه‌ی اینترنت برای کاربران نشان می‌دهد که دولت‌ها اقتدارگرایی و سرکوب‌گری در فضای مجازی را در خیزش‌های اجتماعی، انتخابات، اعتراضات عمومی و در جنگ به مثابه‌ی حربه‌ای برای مقابله با اعتراضات مردمی به کار گرفته‌اند و نمونه‌های چنین اقداماتی را در بهار عربی و خیزش‌های اجتماعی دهی اخیر در ایران می‌توان مشاهده کرد. نکته‌ی قابل‌توجه آن



ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

است که در کشورهای جهان بسیاری از سایت‌ها که فعالیت و حضور آن‌ها در جامعه جرم‌انگاری شده، در فضای مجازی نیز فیلتر می‌شوند، زیرا به سود سلامت جامعه و حفظ حقوق کاربران اینترنت تشخیص داده نمی‌شوند. این فیلترینگ‌ها می‌تواند از حمایت عمومی برخوردار باشد؛ از جمله فیلترینگ سایت‌های پورنوگرافی کودکان، تبلیغ برای مصرف مواد مخدر غیرقانونی، سایت‌هایی که تنفر و دشمنی را برمی‌انگیزد و نژادپرستی را اشاعه می‌دهند. هم‌چنین می‌توان به این فهرست سایت‌هایی را که فعالیت‌های مجرمانه دارند یا در راستای قاچاق زنان فعالیت می‌کنند، اضافه کرد. این قبیل فیلترینگ‌ها از حمایت مردمی برخوردار است، زیرا با هنجارهای جامعه در تقابل قرار ندارد؛ هم‌چنین دولت‌ها به دلایل سیاسی فیلترینگ انجام می‌دهند که نمونه‌های این‌چنین فیلترینگی را می‌توان در فیلترینگ سایت‌های فاشیستی در آلمان و فرانسه، سبیل‌ها و تصاویر کمونیستی و سایت‌های مربوط به آن در کشورهای لهستان، لیتوانی، اوکراین، مولداوی، و مجارستان، سایت‌های کره‌ی شمالی در کره‌ی جنوبی، سایت‌هایی که به درگیری‌های داخلی کشور هند دامن می‌زنند و سایت‌های اخوان‌المسلمین در برخی از کشورهای عربی مشاهده کرد.

چین عمده‌ترین تولیدکننده‌ی ابزارهای تکنولوژی و دیجیتال اقتدارگرایانه در جهان است. طبق داده‌های سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۱۹ چین بزرگ‌ترین تأمین‌کننده‌ی تکنولوژی فیلترینگ و رصد کاربران اینترنتی با درآمد ۲۹۶ میلیارد دلار در مقایسه با اتحادیه‌ی اروپا با ۱۶۹ میلیارد دلار است. تجهیزات مخابراتی صادراتی چین در زمینه‌ی گردآوری اطلاعات کاربران و پردازش آن‌ها با ۶۳۳ میلیارد دلار در برابر ۳۶۳ میلیارد دلار تجارت اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی این نوع سیستم‌ها است. از این‌رو چین عظیم‌ترین سهم را در تجارت تکنولوژی با رژیم‌های خودکامه و مستبد دارد؛ هم‌چنین ابزارهای فیلترینگ، کنترل ترافیک و داده‌های کاربران از جانب کشورهای فرانسه، آلمان، ژاپن، انگلستان، آمریکا، کانادا و اسرائیل نیز به بسیاری از کشورهای ضددمکراتیک و خودکامه فروخته می‌شود. فرانسوا موکوکو، فعال حقوق دیجیتال زنان در کنگو می‌گوید: «قطع اینترنت مثل این است که از دنیا بریده شده باشید. باید رمز عبور را به دوستی بدهید که در اروپا یا جای دیگری که اینترنت وجود دارد، زندگی می‌کند تا به ایمیل شما دسترسی پیدا کند و بگوید چه خبر است. انگار ده قرن به عقب رفته‌اید.»

هم‌چنین باید اشاره کرد که علاوه بر صدمات و زیان‌های اقتصادی، نقض آزادی بیان و اخلاص در زندگی روزمره‌ی کاربران، سرمایه‌گذاری‌های کلان در تکنولوژی بودجه‌هایی را که می‌تواند برای خدمات اجتماعی و حمایت‌های اقتصادی از افراد نیازمند صرف شود، به باد می‌دهد و زیان چندلایه‌ای به کاربران و کلیه‌ی شهروندان تحمیل می‌کند.

مختصات اینترنتی ایران بیان‌گر این واقعیت است که تعداد کاربران اینترنت با نرخ بالاتری نسبت به افزایش جمعیت رشد می‌کند. در خلال سال ۲۰۲۰ جمعیت ایران یک میلیون و یکصد هزار نفر اضافه شده، در حالی که کاربران اینترنتی در همان سال به یک میلیون و سیصد هزار نفر رسیده‌اند. با نفوذ قابل‌توجه اینترنت در ایران صیانت از حقوق کاربران نمی‌تواند به معنای قطع ارتباط با شبکه‌ی جهانی اینترنت باشد. این اقدام نه توجیه اقتصادی دارد و نه از نظر کارشناسانه می‌تواند مورد حمایت قرار گیرد. شکاف روزافزون بین دولت و ملت، به ویژه با زنان و جوانان، فقر و فشارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، نقض آزادی‌های بنیادین برای کلیه‌ی شهروندان و کاربران شرایط بسیار سختی را برای مردم فراهم آورده. قطع ارتباط با شبکه‌ی جهانی اینترنت، کنترل و رصد داده‌های کاربران، فیلترینگ شدیدتر از آن‌چه در حال کنونی وجود دارد، توان و پتانسیل آن را دارد که به اعتراض عمومی و گسترده بیانجامد؛ هم‌چنین بسیاری از متخصصان در ایران به این واقعیت اشاره کرده‌اند که تولید محتوا در ایران مستلزم هزینه‌های گزاف و زیر ساخت‌هایی است که جامعه‌ی ایران در شرایط کنونی فاقد آن است. استفاده از تکنولوژی کشورهای دیگر و بومی‌سازی آن نیز نمی‌تواند استراتژی موفق باشد. در حالی که به نظر می‌رسد «طرح صیانت کاربران فضای مجازی» با چالش‌های عدیده‌ای مواجه شده، نامه‌ای که اخیراً با امضای یک میلیون نفر به مجلس رفته، تنها یک جلوه از نارضایتی کاربران و سایر شهروندان از نقض حق انسانی دسترسی به اینترنت جهانی و تعرض به حریم خصوصی کاربران است، اما خواست سیاسی به برخورداری از تکنولوژی مدرن در زمینه‌ی کنترل داده‌های کاربران و فیلترینگ با نیت حفظ و استحکام مناسبات و ساختارهای قدرت کنونی هم‌چنان در دستور کار قرار دارد. به یاد داشته باشیم که دردها و بن‌بست‌های تکنولوژی با تکنولوژی هوشمندتر بر طرف و راه‌گشا می‌شود. باشد تا فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم.



اجتماعی

■ مدافع اصلی طرح صیانت و بازی منتقدان آش شور و لباس جدید پادشاه

را بایستی مدیریت کرد. نباید این وسیله را در اختیار دشمن گذاشت که بتواند علیه کشور و علیه ملت توطئه کند.»

این صحبت‌های رهبر جمهوری اسلامی در نخستین روز سال ۱۴۰۰ است. او در این سخنان نسبت به «ول» بودن فضای مجازی کشوری هشدار می‌دهد که طبق اعلام مؤسسه‌ی غیرانتفاعی آمریکایی «خانه‌ی آزادی» (Freedom House) یکی از بسته‌ترین اینترنت‌های جهان را در اختیار کاربران خود قرار می‌دهد. در گزارش سال ۲۰۲۱ «خانه‌ی آزادی» ایران پایین‌تر از کشورهایی مانند پاکستان، بلاروس، روسیه، ازبکستان و قزاقستان توانسته شانزده واحد از شاخص صد واحدی آزادی اینترنت را کسب کند تا به عنوان یکی از بدترین کشورها در زمینه‌ی آزادی اینترنت شناخته شود، اما گویی مسئولان به این حد از بسته‌بودن فضای مجازی قانع نمی‌شوند.

صباح
ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱



«متأسفانه در فضای مجازی کشور ما هم که آن رعایت‌های لازم با وجود این همه تأکیدی که من کردم، صورت نمی‌گیرد و در یک جهاتی واقعاً ول است که بایستی آن کسانی که مسئولند، حواسشان باشد. همه‌ی کشورهای دنیا روی فضای مجازی خودشان دارند اعمال مدیریت می‌کنند [در حالی که] ما افتخار می‌کنیم به این که ما فضای مجازی را ول کرده‌ایم. این افتخار ندارد؛ این به هیچ وجه افتخار ندارد. فضای مجازی

مجلس انقلابی که می‌گویند در رأس امور است، کم‌تر از پنج ماه بعد از صحبت‌های علی خامنه‌ای درباره‌ی اینترنت و همدارهایش برای مدیریت کردن این فضا (که البته اولین بار نیز نبود که شنیده شد) تکلیف طرحی را در مجلس روشن کردند که ابتدا «طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی» نامیده شد، اما در مدت کوتاهی آتش آن قدر شور شد که نامش را به «طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه‌کاربردی فضای مجازی» و پس از آن یک‌بار دیگر نام «نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی» را رویش گذاشتند، اما باز هم شوری آتش نه تنها کم نشد، بلکه هر روز بیشتر از گذشته رخ نمایاند.

همان‌زمان طرح با رأی نمایندگان مجلس یازدهم و طبق آیین‌نامه‌ی پارلمان به کمیسیون مشترک ویژه‌ای ارجاع داده شد تا به اندازه‌ای که ممکن است، دور از مرکز توجه، یعنی صحن علنی مجلس بررسی شود. تناقض طنزآمیز جایی خود را نشان می‌دهد که می‌بینیم در این مدت اکثر جلسات این کمیسیون از طریق اینستاگرام به صورت زنده پخش می‌شد. طبق طرح صیانت عرضه و فعالیت خدمات پایه‌کاربردی خارجی اثرگذار مستلزم معرفی نماینده‌ی قانونی و پذیرش تعهدات ابلاغی «کمیسیون» است؛ کمیسینی که در این‌جا به آن اشاره شده، عملاً مدیریت فضای مجازی را به انحصار خود درمی‌آورد و نهادهای دولتی مانند وزارت ارتباطات و سازمان‌های تابع آن، مانند سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی و شرکت ارتباطات زیرساخت که ممکن است گاهی و با تغییر دولت‌های مختلف به شکلی در جهت محدودسازی کم‌تر اینترنت عمل کنند، اختیارات قانونی خود را از دست می‌دهند. در این کمیسیون نمایندگانی از نهادهای مختلف، از جمله سپاه پاسداران، صدا و سیما، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان پدافند غیرعامل و ستاد کل نیروهای مسلح حضور دارند.

از مواردی که طرح صیانت اختیارات حوزه‌ی ارتباطی کشور را سلب و به کمیسیون مذکور تفویض می‌کند، می‌توان به اختیارات کمیسیون تنظیم مقررات اشاره کرد؛ مثلاً طبق طرح صیانت کمیسیون تنظیم مقررات به عنوان یکی از عالی‌ترین نهادهای فعلی تنظیم‌گری حوزه‌ی ارتباطات کشور اختیار تعرفه‌گذاری حوزه‌ی ارتباطات را از دست می‌دهد، نمی‌تواند مجوزهای اعطای فرکانس را صادر کند و از دریافت حق‌الامتیاز صدور این مجوزها نیز بازمی‌ماند.

طبق یکی دیگر از مواد طرحی که بیست‌وششم تیرماه مقرر شد به کمیسیون مشترک بررسی طرح برود، عملاً اختیار ورود اینترنت به کشور و مدیریت پهنای باند به ستاد کل

نیروهای مسلح سپرده می‌شود. بر اساس ماده‌ی ۱۰ طرح «نظام دسترسی، تکالیف و صلاحیت‌های دستگاه‌های مرتبط در گذرگاه‌های ایمن مرزی و آیین‌نامه‌های لازم برای اجرای مصوبات کارگروه، مبتنی بر سیاست‌های مصوب شورای عالی فضای مجازی به پیشنهاد ستاد کل نیروهای مسلح ظرف مدت سه ماه به تصویب کمیسیون خواهد رسید». به این ترتیب تنها بخش‌های فنی و اجرایی مربوط به پهنای باند در اختیار وزارت ارتباطات باقی خواهد ماند.

در یکی از تبصره‌های این ماده حضور بخش خصوصی در توسعه‌ی پهنای باند بین‌الملل منع شده؛ هم‌چنین در ماده‌ی ۱۱ تشکیل کمیته‌ای پیش‌بینی شده تا با مسئولیت قوه‌ی قضاییه و زیر نظر دادستان کل کشور اصل ۲۵ قانون اساسی را در بستر فضای مجازی اجرا کند. اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون».

دعوی زرگری ادامه دارد

طرح صیانت در طی برگزاری جلسات کمیسیون مشترک بررسی آن نتوانست از گزند انتقادات و حملات حتی خودی‌ها در امان باشد. وزیر ارتباطات دولت سیزدهم، عیسی زارع‌پور که مکرراً مأموریت اصلی وزارت‌خانه‌ی متبوعش را توسعه‌ی شبکه ملی اطلاعات دانسته و حتی بر مدیریت فضای مجازی نیز تأکید داشته، در چند مقطع گفت که به این طرح انتقاداتی دارد؛ تا جایی که آذرماه ۱۴۰۰ زارع‌پور در نامه‌ای محرمانه به قالیباف، از رئیس مجلس خواست که به نظرات وزارت ارتباطات و منتقدان درباره‌ی طرح صیانت نیز توجه شود؛ البته زارع‌پور چند ماه بعد نشان داد نه تنها دغدغه‌ی آزادی اینترنت ندارد، بلکه با شفافیت نیز مشکل دارد. او درباره‌ی این طرح بیان کرده بود که از ابتدا رسانه‌ای کردن آن کار درستی نبود و بهتر بود که این طرح در «فضای نخبگانی» بررسی می‌شد تا حساسیت ایجاد نشود.

پس از آن که زارع‌پور این نامه را به قالیباف نوشت، کمیسیون مشترک تصمیم گرفت طرح را به مرکز پژوهش‌های مجلس بفرستد تا ضمن شنیده‌شدن صدای بخش دیگری از ذی‌نفعان طرح نظر کارشناسی این مرکز درباره‌ی طرح نیز دریافت شود. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش خود این طرح را دارای ایرادات متعدد و مغایر با تعدادی از اصول قانون اساسی معرفی کرد. قائم‌مقام مرکز پژوهش‌های مجلس همان‌زمان درباره‌ی دفعه‌ی قبلی که طرح قبل از هشتادوپنجمی شدن به مرکز رفته

بود، انتقاداتی را مطرح کرد. او گفته بود که آن موقع (تابستان ۱۴۰۰) که علیرضا زاکانی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس بود نیز اکثر معاونت‌های این نهاد به آن ایراد وارد کرده بودند؛ با این تفاوت که نظر ذریبطان و مخاطبان طرح شنیده نشد و هم‌چنین برای سرعت‌بخشیدن به بررسی طرح نظرات مرکز به شکل متعارف و در قالب گزارش مدون به مجلس نرفت. در مقطع بعدی که وزیر ارتباطات ایراداتش را به طرح مطرح کرد و طرح صیانت به باز به مرکز پژوهش‌ها رفت، همان‌طور که گفته شد، اوضاع کمی فرق کرد. در آن زمان (آذر ۱۴۰۰) چند ماهی می‌شد که علیرضا زاکانی — که با مدرک پزشکی هسته‌ای و با حاشیه‌های فراوان سکان شهرداری تهران را به گرفته بود — از مجلس رفته بود و دیگر ریاست مرکز پژوهش‌های قوهی مقننه را نیز بر عهده نداشت. ایرادات مرکز پژوهش‌ها به طرح البته همان‌طور که به نظر می‌آمد، چندان به مذاق تقی‌پور و همکارانش خوش نیامد و نمایندگان عضو کمیسیون پس از دریافت گزارش مرکز پژوهش‌ها جلسه‌ای برگزار کردند و این مرکز را که ظاهراً بال پژوهشی و کارشناسی مجلس است، به «سیاسی‌کاری» متهم کردند. آش اما هم‌چنان شورتر می‌شد. اعضای کمیسیون بعد از گزارش مرکز بیش‌تر از هر زمان مخاطب انتقادات قرار گرفتند. موافقان طرح که در داخل کمیسیون مشترک اکثریت مطلق را در اختیار دارند، نتوانستند در مقابل انتقادات دوام بیاورند و کمی از موضع آتشین خود کوتاه آمدند تا با حفظ ظاهری نرم‌تر طرح را پیش ببرند. آن‌ها یک بار دیگر طرح را به مرکز پژوهش‌ها فرستادند تا در مدت بررسی لایحه‌ی بودجه‌ی ۱۴۰۱ مرکز پژوهش‌ها برای بار چندم نظر کارشناسی خود را در مورد طرح اعلام کند. نظر مرکز اما هم‌چنان منفی بود و طرح را باز هم در مغایرت با اصول قانون اساسی و «سیاست‌های کلی رهبری» دانست. در این مقطع کمیسیون سعی کرد با وارد کردن نظر مرکز از یک گوش و خارج کردن آن از گوش دیگر کار خودش را پیش ببرد و در نهایت اوایل اسفند پس از ماه‌ها کلیات طرح را به تصویب رساند. بعد از جلسه‌ی جنجالی تصویب کلیات سیلی از انتقادات حتی از سوی نمایندگان اصول‌گرای سنتی به سمت کمیسیون روانه شد. یکی از نمایندگان مخالف طرح به نام جلال رشیدی کوچی که پس از تصویب کلیات طرح به بزرگ‌ترین و پرسروصداترین منتقد آن بدل شد، از اعضای سابق و البته ظاهراً اخراجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. نهایتاً معاونت قوانین مجلس رأیی را که برای تصویب کلیات طرح در ابتدای اسفندماه داده شده بود، خلاف آیین‌نامه‌ی مجلس دانست و هیئت‌رئیس‌هی مجلس نیز نظر این معاونت

را تأیید کرد. مجلس بیست‌وششم تیرماه مصوب کرده بود که طرحی به کمیسیون مشترک ویژه برود که تفاوت‌های فراوانی با آن‌چه اسفندماه سال گذشته امضا شد، داشته باشد؛ البته پرونده‌ی طرح هم‌چنان باقی است و تصمیم‌گیری درباره‌ی آن احتمالاً در سال ۱۴۰۱ پی‌گیری می‌شود.

برج عاج بی‌پنجره‌ی مسئولان جمهوری اسلامی

رئیس کمیسیون مشترک بررسی طرح صیانت، رضا تقی‌پور در نشستی که پس از حاشیه‌های تصویب کلیات طرح خبرگزاری فارس برای شفاف‌سازی درباره‌ی آن برگزار کرده بود، گفت: «یازده سال است حرف از قطع اینترنت می‌زنند، ولی تا به حال این اتفاق نیفتاده.» تقی‌پور راست می‌گوید. او دقیقاً از همان زاویه‌ای به صورت مسئله نگاه می‌کند که طیف تندروتر مسئولان جمهوری اسلامی به مسائل کشور می‌نگرند؛ همان زاویه‌ای که به صورت گزینشی و سلیقه‌ای مسائل را انتخاب می‌کنند، به آن پوسته‌ای می‌پوشانند تا نشان دهند دغدغه‌شان از جنس دغدغه‌های مردم است و با رنگ‌وبویی به ظاهر ایدئولوژیک در پی حل مسئله برمی‌آیند. تقی‌پور، همفکران و هم‌مسئله‌کنانش از جایی به مسائل نگاه می‌کنند که اگر طوری حرف زدند که قطعی یک هفته‌ای اینترنت طی اعتراضات آبان ۹۸ به کلی انکار شود، نباید تعجب کرد. این نگاه برج عاج‌نشین در ادامه‌ی دیدگاهی است که مردم را رعیت می‌داند و برای مسئولان نظام جایگاه قیومیت متصور می‌شود؛ البته در طول دوران پس از انقلاب ۵۷ این نگاه برج عاج‌نشین در میان اکثر مسئولان نظام مشاهده شده؛ تفاوت مدافعان محدودسازی اینترنت و طرح صیانت اما در آن‌جاست که برج عاج آن‌ها حتی از پنجره نیز پوشانده شده. این طیف که به تندروی خود افسار مصلحت‌اندیشی نزده‌اند، حتی از درک این نکته نیز عاجزند که محدودسازی بیش از پیش اینترنت و تلاش برای غیرفعال کردن نیروهای اجتماعی در انتها با بیش‌تر تحت فشار قرار دادن این نیروها انرژی‌های سرکوب‌شده‌ی آن‌ها را بیش‌تر مانند فتنه فشرده می‌کند و این فرایند علیه نظم فعلی ساختار سیاسی نظام عمل می‌کند.

عرصه‌ی رسمی سیاسی کشور تا به اندازه‌ای به عقب پیش رفته که منتقدان اصلی طرح صیانت حتی اصلاح‌طلبان محافظه‌کار مجلس دهم یا اعتدال‌گرایان سازش‌کار کابینه‌ی حسن روحانی نیز نیستند؛ بلکه صدای نواصول‌گرایان و حتی برخی اصول‌گرایان سنتی نیز از این حد از صراحت در مسدودسازی فضای مجازی در آمده؛ البته که آن‌ها نیز به خوبی می‌دانند مدافع و سرمنشا اصلی محدودسازی فضای مجازی چه کسی است و کجا نشسته.

مصلح

ماهنامه حقوقی اجتماعی
سال سیزدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره ۱۳۱

خط صلح

ماهنامه‌ی حقوقی اجتماعی خط صلح
شماره ۱۳۱ - فروردین ۱۴۰۱ - سال سیزدهم

ISBN 978-1-7332858-1-0
90000 >



9 781733 285810